



طراح: مهرداد

این صفحه را اختصاص داده‌ایم به طرح‌های گرافیکی شما. فایل طرح‌هایتان را با موضوع مهدویت، انتظار و امام زمان علیه السلام، در اندازه A4 عمودی و ۳۰۰dpi برایمان بفرستید.



پایگاه اطلاع رسانی

مرکز تخصصی مهدوی

با تشکر از شورای نویسندگان و تمام
مهدوی‌ها و رانی که به نوعی یاری‌گر ما
بوده‌اند.

- نشانی: قم، خیابان شهدا، کوی آمار، بن‌بست
شهید علیان، مرکز تخصصی مهدویت حوزه
علمیه قم
- صندوق پستی: ۳۷۱۸۵-۳۹۷۵
- تلفکس تحریریه: ۰۲۵۱-۷۸۳۲۵۰۰
- توزیع و اشتراک: ۰۲۵۱-۷۷۳۸۴۶۰

www.aman.ir
amanmag313@gmail.com
سامانه پیامک: ۳۰۰۰۱۴۴۱۴۱

نشریه مهدوی امان برای توزیع «امان»
در سراسر کشور مرکز پیشی فعال
می‌پذیرد.
تلفن: ۰۲۵۱-۷۷۳۸۴۶۰



دوماهنامه فرهنگ و معارف مهدوی
شماره ۴۱
فروردین و اردیبهشت ۱۳۹۲

- مدیرمسئول: مجتبی کلباسی
- سردبیر: محمدصابر جعفری
- دبیر تحریریه: موسی جوانشیر
- مدیر علمی: حسن ملانی
- امور مخاطبان: محمدجواد کمار
- طراح گرافیک: سید حبیب نظاری
- مدیر توزیع و اشتراک: سید فخرالدین
موسوی‌زاده
- حروف نگار: سید علی حسینی
- با همکاری: روح‌الله علی‌یاری،
علی رستمیان‌پور، امید درویشی،
مسلم عباسپور، سید علی حسینی لیلوری،
صالح صادقی، مهدی دیلمی، حسین عندلیب،
محدثه علی‌جانزاده روشن، مهدیه ضیائی.

۱. هزینه اشتراک (یکساله: ۹۰۰۰ تومان یا
دو ساله: ۱۸۰۰۰ تومان) را به شماره حساب
۰۱۰۸۳۳۳۵۴۷۰۰۵ سسبیا بانک ملی بنام
«مجله امان» واریز کنید. (قابل پرداخت در
کلیه شعب بانک ملی) * ۲. طی تماس با
شماره تلفن ۰۲۵۱-۷۷۳۸۴۶۰ مشخصات
خود را اعلام فرمایید. (نام و نام خانوادگی /



۱۱



۸



۶



۴



۲۸



۲۶



۲۲



۲۰

سال تولد / تحصیلات / نشانی دقیق / کد پستی / تلفن ثابت و همراه) + (شماره فیش بانکی / تاریخ و مبلغ فیش) * ۳. ورودتان را به جمع امانیان مهدی‌یاور گرامی می‌داریم. برای مشترکین هدیه هم داریم. از مشترکین پرسید!

۲۶	آسیب شناسی / بیچاره عدد ۱۳....	۴	سرمقاله.....
۲۷	قطار در ریل آزاد.....	۶	در محضر امام.....
۲۸	مهدی آن گونه که غرب معرفی....	۷	طراوت بهاران.....
۳۰	مهدویت در اندیشه آوینی.....	۸	آیه‌ها و نکته‌ها.....
۳۱	دوست دارم گمنام باشم.....	۹	آه از اندوه ریحانه رسول.....
۳۲	هدیه برای روز زن.....	۱۰	چلچراغ مهدوی.....
۳۳	مادر دوم.....	۱۱	زهرا فدیة علی است.....
۳۴	خاستگاه بدعت‌ها و مدعیان.....	۱۲	یوسف زهرا.....
۳۵	چرا نام من را در کنار نام... ..	۱۴	مجلس روضه در آیار تمان.....
۳۶	زیباترین تابلو.....	۱۵	۱۸ نام پیشنهادی برای دختران.....
۳۸	رازاها و روزها.....	۱۶	بانوی نمونه.....
۴۱	منتظریم پس هستیم.....	۱۸	چگونه فرزندانمان را با امام... ..
۴۲	دل نوشته.....	۱۹	حمایت از رهبری تا پای جان.....
۴۴	با یاران امان/پیامک.....	۲۰	فدک بهانه‌ای برای هر دو جبهه.....
۴۶	جدول و مسابقه.....	۲۲	شعر انتظار.....
۴۷	فرم نظر سنجی.....	۲۴	پوستر جمهوری اسلامی.....

■ امان در ویرایش و تلخیص مقالات آزاد است. ■ مقاله‌های درج شده، لزوماً بیانگر دیدگاه نشریه نیست. ■ می‌خواهیم نشریه‌ای ارائه دهیم نه برای عنوان و تیراژ و...؛ فقط ویژه امام زمان، آن که سست و بی‌پایه نباشد. زیبا و شایسته برای همه علاقه‌مندان به ساخت مقدس امام مهربانان؛ پس مشتاقانه نیازمند دست و فکر یاریگران هستیم. با آراء، پیشنهادها، مطالبتان و... ما را در ادای این امر یاری کنید.



۱۸



۱۶



۱۵



۱۲



۳۶



۳۴



۳۲



۳۰

محبت را که همه دارند!

دکتر محمدصابر جعفری

همه این روایت را شنیدیم که شیعیان ما در شادی ما شادند و در حزن و اندوه ما محزون: «يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا»^۱ همه هم خوشحالیم که این گونه‌ایم اما کمی تأمل!

وقتی شادی برای شادی و حزن برای حزن آنان است. سخن در این است که اهل بیت برای چه شاد و برای چه محزونند؟ غم و اندوه حضرت زهرا (ع) یا امام عصر (ع) چیست؟ و ما چقدر برای حزن آنان محزونیم؟

عده‌ای در حزن فاطمه (ع) محزونند و در شادی او شادند. اما فقط محزونند و فقط شادند. نه می‌دانند او برای چه محزون است و نه می‌فهمند برای چه شاد است. شادند و محزون. این خوب است اما کافی نیست.

کسی که برای حزن فاطمه (ع) محزون است اما دغدغه او را ندارد، هر چند از غم فاطمه غمگین است، اما برای آنچه که فاطمه از آن محزون است، بی‌خبر است و حزن ندارد.

کسی که برای غم فاطمه (ع) ناراحت است اما دغدغه او را ندارد، گاهی ممکن است رفتار یا عمل و گفتاری هم داشته باشد که با حزن و شادی او هماهنگ نباشد. کار ناشایست او اثمه را به رنج افکند؛ امام زمان (ع) فرمود: «قَدْ آذَانَا جَهْلَاءُ الشَّيْعَةِ وَ حُمَقَاؤُهُمْ وَ مَنْ دِينُهُ جَنَاحُ الْبَعُوضَةِ أَرْجَحُ مِنْهُ»^۲ افرادی احمق و نادان از شیعیان که دین برایشان به اندازه بال مگسی ارزش ندارد، خاطر م را آزرده‌اند!

مهم این است که دریایی اهل بیت از چه محزونند و از چه شادند. این، یک معرفت و بژه است و دارای درجات، مانند خود معرفت اهل بیت؛ در روایت آمده که: «شیعیان، آنچه ما نمی‌پسندیم را نمی‌پسندد و آنچه ما می‌پسندیم و خوش می‌داریم خوش دارند: «شِيعَتُنَا جُزْءٌ مِّنَّا خَلِقُوا مِنَّا فَضْلُ طِينَتِنَا يَسْوُوهُمْ مَا يَسْوُونَا وَ يَسْرُهُمْ مَا يَسْرُنَا»^۳.

فقط حزن و شادی کافی نیست حتی فقط فهم دلیل حزن و شادی کافی نیست. فهم دلیل حزن و شادی خیلی مهم است اما اقدام برای برطرف شدن فهم و افزایش شادی کار دیگری است و البته هر دو کار مهم‌تر از صرف اندوه و شادی است. در روایت دیگری مطالب بالا آمده، «کسانی

که یاری‌گر مایند، مال و جانشان را در این راه هزینه می‌کنند. «يَنْشُرُونَنَا وَ يَفْرَحُونَ لِفَرَحِنَا وَ يَحْزَنُونَ لِحُزْنِنَا وَ يَبْذُلُونَ أَمْوَالَهُمْ وَ أَنْفُسَهُمْ فِينَا أَوْلِيكَ مِنَّا وَ إِلَيْنَا»^۴ اما گویا کسی به این قسمت روایت کاری ندارد.

محزون بودن برای حزن حضرت زهرا (ع) و اهل بیت (ع) بسیار ارزشمند است و فهم دلیل این حزن (به مقدار توان و استطاعت) مسئله دیگر... حضرت زهرا (ع) علت حزن را در پاسخ به ام سلمه که پرسیده بود: چگونه شب را به صبح رساندی (کنایه از احوالپرسی) این گونه بیان می‌کند: «أَصْبَحْتُ بَيْنَ كَمَدٍ وَ كَرْبٍ فَقَدِ النَّبِيَّ وَ ظَلِمَ الْوَصِي»^۵ شب من با اندوه و غم گذشت، بر فقدان نبی خدا و ظلم بر وصی رسول خدا.

اینجاست که حزن تاریخی شیعه رخ می‌نماید؛ نظیر دعای افتتاح که می‌خوانیم: «اللَّهُمَّ إِنَّا نَشْكُو إِلَيْكَ فَقْدَ نَبِيِّنَا وَ غِيْبَةَ إِمَامِنَا وَ كَثْرَةَ عَدُوِّنَا وَ شِدَّةَ الْفِتَنِ بِنَا وَ تَطَاهُرَ الزَّمَانِ عَلَيْنَا»^۶ و فهم دو جایگاه مهم معرفتی خود را نشان می‌دهد:

اول فهم نبوت، بی‌بدیلی نبوت، فهم عظمت رسول خدا، بی‌بدیلی رسول خدا، اشرف مخلوقات بودن او، جایگاه اضطراب بشر رسول خدا و مسیر او، فهم فقدان نبی، درک اذیت و آزارهایی که بر او رسید و... و دوم، فهم ظلم بر وصی و فهم اینکه دغدغه انسان منتظر این

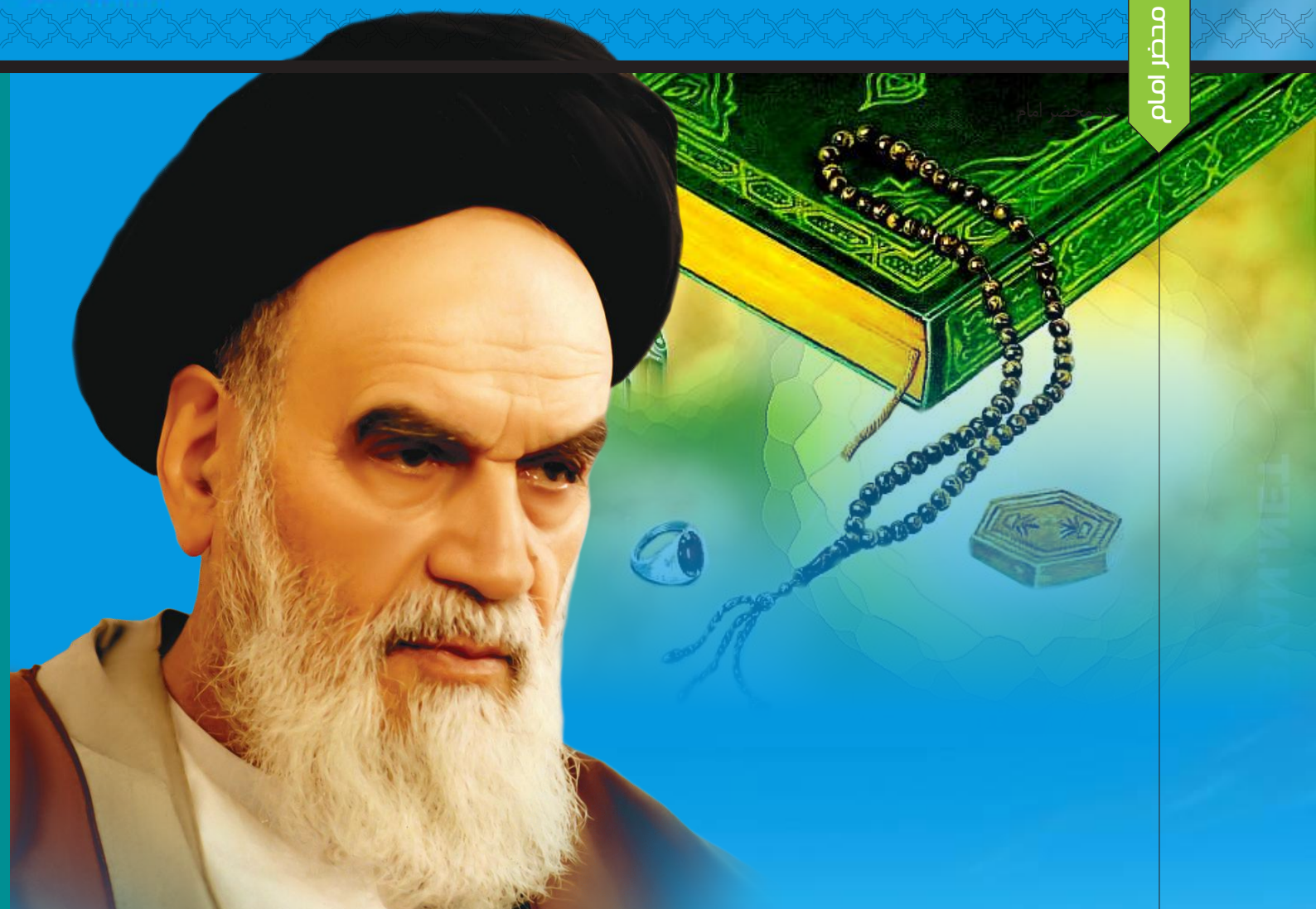


شود که: «اصبحت بین کمد و کرب...»
و مرحله بعد تلاش برای رفع حزن و
کوشش برای آفریدن شادی.

✱

فهم درد ولی خدا و تلاش برای حل
آن کاری سخت و سنگین است. این
همان است که حضرت علی (علیه السلام) فرمود:
«إِنَّ أَمْرَنَا ضَعْفٌ مُسْتَصْعَبٌ لَا يَحْمِلُهُ إِلَّا عَبْدٌ
مُؤْمِنٌ اِمْتَحَنَ اللَّهُ قَلْبَهُ لِإِيْمَانٍ»^۱ همانا امر
ولایت ما سختن و تحمل آن دشوار
است که جز مؤمن دین دار که خدا او
را آزموده و ایمانش در دل استوار بوده،
قدرت پذیرش آن را ندارد». اینجاست
که کار شیعه سخت می شود.
این مراحل؛ مرحله همراهی در شادی و
حزن، مرحله فهم علت شادی و حزن و
مرحله تلاش برای حزن زدایی و فرح
افزایی مراحل است که بالاتر از محبتی
است که بسیاری دارای آنند.

۱. الخصال، ج ۲، ص ۶۳۵.
۲. الاحتجاج، ج ۲، ص ۴۷۴.
۳. الامالی (طوسی)، ص ۲۹۹.
۴. الخصال، ج ۲، ص ۶۳۵.
۵. مناقب ابن شهر آشوب، ج ۲، ص ۲۰۵.
۶. مصباح المتهجد، ج ۲، ص ۵۸۱.
۷. نهج البلاغه، خطبه ۱۸۹.



بر ملت ایران ان شاء الله این سال مبارک باشد و سالی باشد که پیروزی دنیالش باشد... در اعیادی که اسلام به ما عنایت فرموده است، در همه آن اعیاد آنچه که انسان ملاحظه می کند همه اش مسئله ذکر و دعاست، نماز است، روزه است، ذکر است، دعاست؛ و در این عید هم که عید ملی است و اسلامی نیست لکن اسلام هم مخالفتی با آن ندارد باز می بینیم که در روایتی که وارد شده، از آداب امروز روزه گرفتن است؛ از آداب امروز دعا کردن است؛ نماز خواندن است؛ و این به ما می فهماند اگر ملتی بخواهد به راه راست برود و بخواهد استقلال خودش را، آزادی خودش را بخواهد حفظ کند باید در عیدش و غیر عیدش تذکر داشته باشد؛ ذکر خدا بکند، یاد خدا باشد، برای خدا باشد. حتی در عیدش دستور روزه است، دستور استجابی، روزه ای که باید انسان منقطع بشود از شهوات خودش و متوجه به خدای تبارک و تعالی شود؛ و این دلیل بر این است که ما باید هر قدمی که برای پیروزی پیش می رویم، هر قدمی که برای ساختن کشورمان پیش می رویم، چند قدمی برای ساختن خودمان، برای پیروزی بر نفس خودمان، برای پیروزی بر شیطان باطنی خودمان قدم برداریم.

صحیفه امام، ج ۱۷، ص ۳۶۸-۳۷۰.

به جمهوری اسلامی - که ثمره خون پدران است - تا پای جان وفادار بمانید؛ و با آمادگی خود و صدور انقلاب و ابلاغ پیام خون شهیدان، زمینه را برای قیام منجی عالم و خاتم الاوصیا و الاولیا، حضرت بقیه الله - روحی فداه - فراهم سازید.

صحیفه امام، ج ۲۰، ص ۳۸.

عید و چند قدم برای ساختن خودمان



طراوت بهاران^۱

وقتی بهار با سپیدی شکوفه‌هایش از دریچه چشم‌انم سرک می‌کشد، موج اشکی فرو خفته، از درون سینه تنگم به دیواره دل می‌کوبد و تو را می‌جوید.

بهار زیباست، لطیف و دوست‌داشتنی است، اما بی تو ای زیباترین! ای لطیف‌ترین! ای بهار جان و ای طراوت بهاران! هیچ زیبایی، دلم را بر نمی‌انگیزد؛ که دل در فراق تو سوخته

دارم و نگاه در راه تو دوخته. ای بهاری‌ترین فصل‌ها!^۲ ای سبزترین بهاران! دور از نگاه مهربان تو، دور از عنایت رحیمانه تو و دور از سرانگشت لطف تو، خزانیم و سرد، خشکیم و عطشناک. فراق تو برف سپید کهولت بر چهره‌مان می‌نشانند. بیا که با تو بهاری شویم، بروییم و بیدار گردیم؛ که رویدن، تنها به زلال عشق تو معنا می‌یابد و باقی رویدن‌ها، ماندن است و پژمردن.

بیا ای شاداب‌ترین جوانی! دست کدام خزان پیری است که جرئت آزدن گل وجود تو را داشته باشد، گرچه سال‌ها و قرن‌ها از حضور زلالت بگذرد. چهره زیبای تو ای نورانی‌ترین! که را مجذوب نساخت و چشم اشتیاق که را به راه نشاندد؟ کدام چشم بود که به نگاه نافذ و گیرای تو لرزید و از اشک فراق خالی ماند؟ کدام زبان است که بتواند «حسن ثنای» تو بگوید؟^۳ و کدام قلم است که تاب چرخش در وادی وصف تو داشته باشد؟ جمال روی ماه تو در کدام کلام می‌گنجد و جلال خورشیدی تو در کدام وصف می‌آید؟

*

او خواهد آمد و به قلب‌های مرده‌مان روح حیات خواهد دمید. ریشه گمراهی‌ها و دشمنی‌ها را بر خواهد کند. او خواهد آمد و آثار اندیشه‌های باطل و هواهای نفسانی را محو خواهد کرد؛ بر زمین، باران عدل خواهد بارید. او خواهد آمد، صاحب روز فتح و پیروزی، مژده‌رسان فتح، نسیم خوش‌عطر هدایت و نصرت، آینه تجلی خدا و در آن به تماشای خدایی بودن خواهیم نشست. درگاه خدایی بهشت روی خواهد نمایاند و از آن به وادی سعادت ره خواهیم یافت. او خواهد آمد و بر گستره زمین، زلال پاکی جاری خواهد کرد. سینه‌های تنگ‌مان آن روز شفا خواهد یافت. از مدد الهی لبریز می‌شویم که او رحمت واسعه است و پهنای زمین در برابر گستردگی رحمتش دانه‌ای خرد خواهد کرد. وقتی که موعود بیاید، قرآن حیاتی تازه می‌یابد، حدود بر زمین مانده الهی، بر پا می‌گردد، راه، نمایانده می‌شود و گمراهی‌ها پایان می‌گیرد.

او می‌آید با یک بهار سبزی و ترنم، با یک آسمان باران رحمت و با یک نگاه رحیم.

و دنیا چه می‌خواهد برای زیر و رو شدن و از تاریکی و عطش بیرون آمدن و بهشت را مجسم کردن. ■

۱. برگرفته از کتاب روح بهار (امام زمان در آیین دعا).

۲. مفاتیح‌الجنان، ص ۸۷۴، السلام علی ربیع الانام.

۳. همان، ص ۹۰۶، کیف اصف حسن ثنائکم.

اعظم الشکر من أجل الركن المحمود

از شایسته‌ترین ستون‌ها



کوثر چیست؟

یکی از القاب حضرت زهرا (ع) کوثر است. در قرآن نیز سوره‌ای است که به نام ایشان معروف شده است. کوثر، بزرگ‌ترین هدیه الهی است، زیرا هدیه اشرف معبود به اشرف مخلوقات است و این هدیه نفیس در کوچک‌ترین سوره قرآن مطرح شده است: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ».

دنباله‌اش ذکر خداست: «أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ، فَصَلِّ...» ولی دومی یک رقابت منفی که دنباله‌اش غفلت از خداست: «أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ».

۲. کوثر ما را به مسجد می‌برد برای نماز: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ» و تکاثر ما را به گورستان می‌برد برای سرشماری مردگان: «حَتَّى زُرْتُمُ الْمَقَابِرَ».

۳. در عطای کوثر بشارت است: «إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ»؛ و در تکاثر تهدیدهای پی در پی: «كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ ثُمَّ كَلَّا سَوْفَ تَعْلَمُونَ».

۴. کوثر، عامل رابطه با خالق است: «أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ، فَصَلِّ...» و تکاثر، وسیله‌ای برای سرگرمی با مخلوق: «أَلْهَاكُمُ التَّكَاثُرُ».

حاشیه

جرعه‌ای محبت

عاص بن وائل سهمی، یکی از مشرکان مکه بود. یک روز کنار باب بنی السهم، یکی از درهای مسجد الحرام، با رسول گرامی اسلام ملاقات کرد و با آن حضرت به گفت‌وگو پرداخت. قریشی‌ها که شاهد این منظره بودند از او پرسیدند: «با چه شخصی سخن می‌گفتی؟» پاسخ داد: «با ابتر!» این پاسخ به آن رو بود که آن حضرت فرزند پسری نداشت و عرب جاهلی کسانی را که دارای فرزند پسر نباشند «بتر» قلمداد می‌کرد؛ زیرا تنها راه استمرار اهداف فرد را در وجود پسر می‌دانستند. در این هنگام سوره کوثر نازل شد و بیان داشت: «که آن کسی که گفت ابتر، خودش ابتر است.»^۱ این خبر غیبی محقق شد. پیامبر نسلش استمرار پیدا کرد و نسل عاص بن وائل از بین رفت و نابود شد.

حجت الاسلام والمسلمین قرائتی

چرا این هدیه، نفیس است؟ در ماجرای فتح مکه که مشرکان دسته دسته و فوج فوج به اسلام وارد می‌شدند، خداوند، تنها دستور می‌دهد که ای پیامبر تسبیح بگو: «رَأَيْتَ النَّاسَ يَدْخُلُونَ فِي دِينِ اللَّهِ أَفْوَاجًا فَسَبِّحْ»؛ اما وقتی به او می‌گوید ما به تو کوثر عطا کردیم دستور می‌دهد: «فَصَلِّ لِرَبِّكَ؛ ای پیامبر نماز بگذار». گویا اهمیت کوثر از اسلام آوردن مشرکان بیش‌تر است. برویم سراغ قرآن ببینیم معنای کوثر چیست؟

إِنَّا أَعْطَيْنَاكَ الْكَوْثَرَ^۱

در آخرین آیه سوره کوثر، خداوند متعال می‌فرماید: «إِنَّ شَانِئَكَ هُوَ الْأَثَرُ». از این آیه استفاده می‌شود که مراد از کوثر چیزی ضد ابتر است؛ عرب به افراد بی‌عقبه و بی‌نسل که فرزند پسر ندارند و با مردن، آثارشان محو می‌شود، ابتر می‌گوید.

البته کوثر، معنایی عام دارد و شامل هر خیر کثیر می‌شود؛ ولی مقصود خداوند از کوثر در این آیه، هیچ چیز نیست مگر همان ذریه پاک رسول الله از نسل فاطمه زهرا (ع)؛ زیرا:

* اگر مراد از کوثر اخلاق نیک باشد، پیامبر که دارای خلق عظیم بود، «وَإِنَّكَ لَعَلَى خُلُقٍ عَظِيمٍ»^۲ بر این اساس معنا ندارد که خداوند به ایشان چیزی بدهد که خود داراست.

* اگر مراد از کوثر، عبادت باشد، حضرتش به قدری عبادت می‌کرد که آیه نازل شد: «ما قرآن را نفرستادیم تا این گونه خود را به مشقت اندازی؛ مَا أُنْزِلْنَا عَلَيْكَ الْقُرْآنَ يَتَشَقَّى»^۳.

* اگر مراد از کوثر، امت کثیر باشد، طبق وعده الهی اسلام بر تمام جهان غالب خواهد شد: «لِيُظْهَرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ»^۴.

* اگر مراد از کوثر، شفاعت باشد، خدا تا جایی که پیامبر راضی شود از امت او می‌بخشد: «وَلَسَوْفَ يُعْطِيكَ رَبُّكَ فَتَرْضَى»^۵.

پس مراد همان ذریه اوست به خصوص با توجه به شأن نزول این سوره، معلوم می‌شود که غیر فرزندان حضرت فاطمه (ع) چیز دیگری مراد نمی‌باشد. مقایسه‌ای بین دو سوره کوثر و تکاثر

۱. کوثر ارزش است و تکاثر ضد ارزش، زیرا اولی عطیه الهی است که

۱. سوره کوثر / ۱.
۲. سوره قلم / ۴.
۳. سوره طه / ۲.
۴. سوره توبه / ۳۳.
۵. سوره ضحی / ۵.
۶. مجمع البیان، ج ۵، ص ۵۴۹؛ المیزان، ج ۲۰، ص ۳۷۲؛ درالمثنور، ج ۸، ص ۶۵۲.



آه از اندوه ریحانه رسول!

افسوس از سوره کوثر که در آن خانه گلین، همسایه اهالی غفلت و سنگدلی شد! آه از زمزمه‌های شرحه شرحه بتول که در نیمه‌شب سجاده و تسبیح، ارکان عرش را به لرزه می‌افکند! آه از ریحانه رسول خدا ﷺ که در مشام حسادت زمین، به هدر می‌رفت و چشمان حقیقت‌ستیز زمانه، رخساره طهارتش را طاق‌ت نداشت.

رازت، روزی برملا خواهد شد بانو! در شگفتم که پس از تو، دنیا چگونه از شرم، با خاک یکسان نشد؟ اما پس از «عشق»، پس از آن حماسه پهلوی به پهلوی در خون پییده، «محبوبه حق» را یازده آفتاب، وارث شدند و خدا هرگز ایمان را بی‌سرنوشت رها نکرد.

اما تو، از پس آن خزان توفانی، ناپیدا ماندی و رد پای مزارت را حتی هیچ چشم داغدار می‌ملاقات نکرد.

راز سر به مهر تو را روزی از همین روزهای نزدیک، موعود واپسین، برملا خواهد کرد... این روزها، بغض‌های سیاه‌پوش، داغ تو را بر کدامین سنگ مزار، خون ببارند؟ ■

کوچه‌ها، سر در گریان سکوت داشتند و خانه‌ها معذور مانده بودند از نشنیدن و ندیدن خستگی‌های خانه خورشید...

آفتاب که ناموس پروردگار بود و از

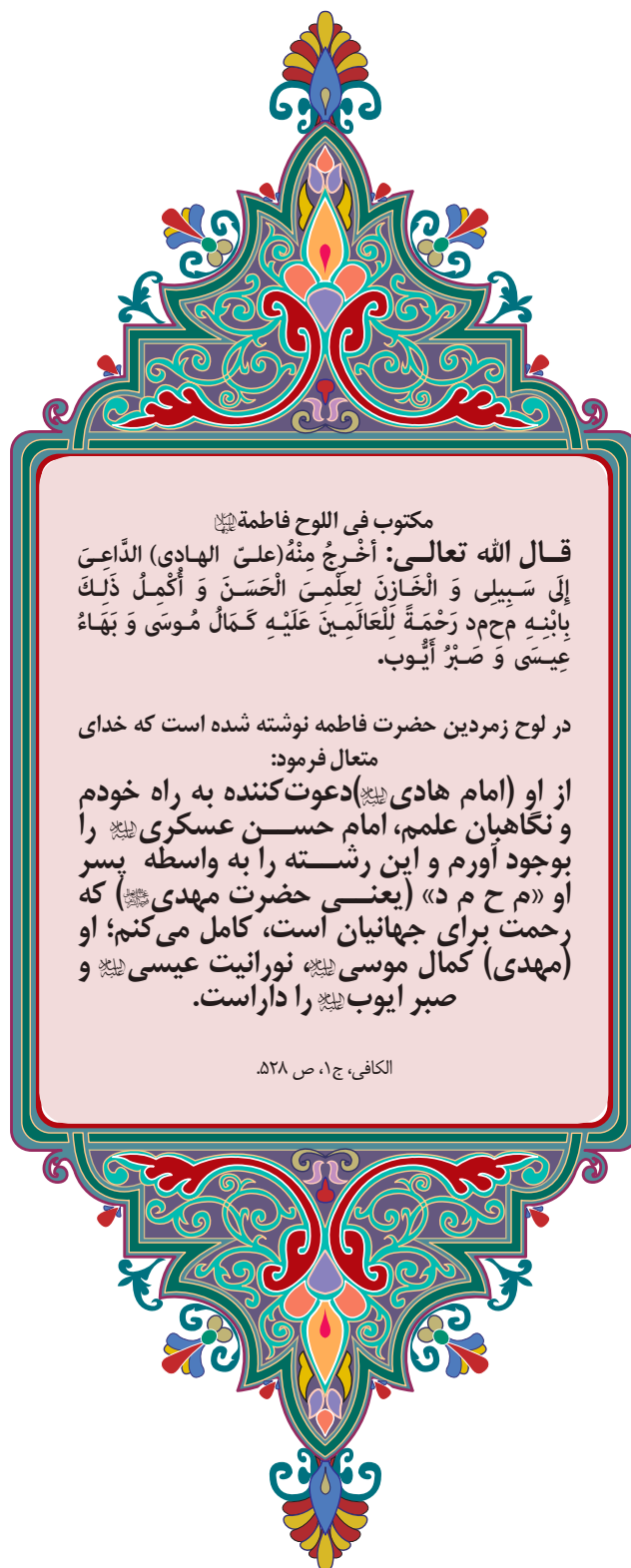
سلالة «لولاک»، آفتاب، که سایه مهری بود بر تمام زمین، با دامانی از عصمت، از کوچه‌ها رد می‌شد و بهاران از جای پای او می‌رویید و چشم‌های رحمت خدا، به یمن ستاره‌باران دامان او، با خلق زمانه مهربان‌تر می‌شد. خورشید، دست دعای شبانه‌روز بود و سجاده بی‌نهایتی که از هر سو به عرش راه داشت.

اما... همیشه چشم‌های تاریک و بی‌فانوس، تاب تماشای روشنی را ندارند... آه از اندوه ریحانه رسول!

فاطمه زهرا صبر لایزال نبوی بود که در هیئت عفتی سر به فلک کشیده، چادر به سر می‌کشید و در کوچه‌های مدینه، در تمام رهگذرهای هستی، حضور خدا را به کائنات، یادآور می‌شد.

سودابه مهیجی

چلچراغ مهدوی





زهرا (علیها السلام) فدیہ علی (علیه السلام) است



به کوشش: مسلم عباس پور

نام کتاب: چشمه در بستر
(تحلیلی از زمان شناسی حضرت زهرا (علیها السلام))
نویسنده: سید مسعود پورسید آقایی
ناشر: انتشارات حضور

به راستی رسول ﷺ چه مقصدی دارد که دست زهرا (علیها السلام) را گرفته و به مردم این گونه معرفی‌اش می‌کند:
هر که او را می‌شناسد که می‌شناسد و هر که نمی‌شناسد بداند او فاطمه دختر من است و پاره تن من و قلب من است، هر کس او را بیازارد مرا آزرد و هر که مرا بیازارد خدا را آزرد است.^۱

چقدر پر معناست که رسول خدا ﷺ پس از نزول آیه تطهیر تا آخرین روزهای حیاتش صبح‌ها برای اقامه نماز صبح بر در خانه زهرا (علیها السلام) بایستد و این آیه را با صدای بلند بخواند.^۲
و پر معناتر احترام و اکرام شگفت‌آور رسول ﷺ به زهرا (علیها السلام) تا آن حد که در برابر او می‌ایستد و دست و سینه او را می‌بوسد و آنگاه می‌گوید: «من از زهرا بوی بهشت استشمام می‌کنم، پدر فدایش باد». تعبیری مثل: «محبت زهرا (علیها السلام) باعث جدایی از آتش است» و یا «او ملاک حق و باطل و میزان و سلم و حرب است»؛ و یا «اگر زهرا (علیها السلام) نبود برای علی (علیه السلام) ماندنی نبود»؛ و یا «زهرا (علیها السلام) از نور عظمت خدا آفریده شده است»؛ و یا «نخستین شخصی که داخل بهشت می‌شد زهرا (علیها السلام) است»؛ و یا «من از زهرا (علیها السلام) هستم و او از من است»؛ و یا «فاطمه (علیها السلام) پاره تن من است»؛ و یا «غضب فاطمه (علیها السلام) غضب خداست».

این گونه تعبیر و تجلیل‌ها و معرفی کردن‌ها، عادی و معمولی نیست. گویا رسول ﷺ علاوه

بر بیان عظمت و فضایل بلند زهرا (علیها السلام) مقصد دیگری را هم تعقیب می‌کند و می‌خواهد برای مردم نشانه هدایت و حجتی، و برای علی (علیه السلام) پشتوانه و یآوری بگذارد.

زهرا (علیها السلام) فدیہ علی (علیه السلام) است، زهرا (علیها السلام) رفت تا علی (علیه السلام) بماند، آنهم چقدر آگاهانه و بیدار. درد زهرا (علیها السلام) درد خودش و زخم‌هایش نیست. درد محرومیت همه انسان‌ها از وجود علی (علیه السلام) و فقدان ولی‌الله است. عمق این معانی را هنوز زود است که آن بی‌خبرها بفهمند.

او پس از کودتای سقیفه، شب‌ها دست حسنین (علیهم السلام) را گرفته و با علی (علیه السلام) بر در خانه‌های مهاجر و انصار می‌رفت و از آنها در حمایت از علی (علیه السلام) یاری می‌طلبید.^۳ و آنها را به یاد بیعتشان در عقبه و غدیر و دیگر سفارش‌های رسول در حق علی (علیه السلام) و دریای فضایل او می‌انداخت تا شاید بتواند برای علی (علیه السلام) چهل یاور فراهم کند، زیرا از علی (علیه السلام) شنیده بود که می‌گفت: اگر چهل یاور داشتم در خانه نمی‌نشستم و آنها هم یا در را باز نمی‌کردند و جوابی نمی‌دادند و یا وعده می‌دادند اما حاضر نمی‌شدند. زهرا (علیها السلام) تا چندین شب این گونه عمل کرد، اما تنها چهار نفر بر سر قرار می‌آمدند.

و اما اینکه چرا حسنین (علیهم السلام) را به همراه خود می‌برد، نه به این خاطر است که ترحم آنان را برانگیزد، بلکه به خاطر زمینه‌هایی بود که رسول ﷺ بیدار و آگاه از قبل برای آن دو فراهم کرده بود؛ به طوری که با حضور این دو و یادآوری آن زمینه‌ها، احتمال اینکه از خواب غفلت بیدار شوند بیشتر می‌شد؛ چون همه می‌دانستند که این دو در آیات مباحله و تطهیر و آیه «یطعمون الطعام علی جنبه مسکیناً و یتیمّاً و اسیراً» داخلند. و رسول ﷺ گذشته از احادیث «ثقلین» و «سفینه» و «خلفاء اثنی عشر» و... در مورد این دو مکرر می‌فرمود: «هذا ابناي و ابنا ابنتي اللهم انی احبهما و احب من یحبهما» و

«الحسن و الحسین امامان قاما او قعدا» و «الحسن و الحسین سیدی شباب اهل الجنة» و «انا سلم لمن سالمتم و حرب لمن حاربتم» و «احب اهل بیتی الی الحسن و الحسین» و شهادت آنها را در حالی که خردسال بودند پذیرفت و نیز در بیعت رضوان (شجره) با آنکه هنوز خردسال بودند با آنها بیعت کرد و در هنگام نماز آنقدر در سجده ماند تا آنها خود از شانه‌های رسول ﷺ کنار رفتند و هنوز هم می‌توان جای بوسه‌های رسول ﷺ را که بر گونه‌های آن دو نقش بسته، دید و گرمی آن را حس کرد.^۴

به هر حال اینها و جز اینها باعث می‌شد که زهرا (علیها السلام) دست حسن و حسین (علیهم السلام) را گرفته و به همراه خود ببرد. اما گویا آنان آنچنان خود را به خواب زده‌اند و بلکه مرده‌اند که مسیح که هیچ، حتی دم خدایی فاطمه (علیها السلام) هم نمی‌توانست آنان را زنده کند. «خَتَمَ اللَّهُ عَلَى قُلُوبِهِمْ وَعَلَى سَمْعِهِمْ وَعَلَى أَبْصَارِهِمْ غِشَاوَةً».^۵

۱. بحار، ج ۴۳، ص ۵۴ و بسیاری مدارک دیگر.
۲. فاطمه زهرا، علامه امینی، ص ۱۷؛ الاسلام و الشیعه، محمود شهاب، ج ۱، ص ۲۲۳ به نقل از مسند احمد حنبل.
۳. الامامة و السیاسة، ج ۱، ص ۱۲؛ اعلام النساء، ج ۴، ص ۱۱۴.
۴. ر. ک: الحیاة السیاسیة للإمام الحسن (علیه السلام) فی عهد الرسول (صلی الله علیه و آله) و الخلفاء الثلاثة، جعفر مرتضی.
۵. سوره بقره/۷.

یوسف زهرا

محمد رضا فوادیان*

ارتباط متقابل حضرت زهرا[ؑ] و امام مهدی[ؑ]

یکی از بزرگترین رمز و رازهای هستی و زیباترین پیوند ارتباط بین سرور خلایق^۱، امام مهدی[ؑ] و سرور زنان^۲ حضرت زهرا[ؑ] است. این چه سری است که بارها، گلوآژه زیبا و دلنشین «مهدی» جسم و جان کوثر هستی را طراوت بخشید و گلستان حیاتش با گل نرگس معطر گشت. یوسف زهرا[ؑ] نیز جام عمرش لبریز از عشق به مادر است. این ارتباط و پیوند وسیع و وثیق سبب شده که خرمی در این خصوص خلق شود و در این صفحه، خوشه‌هایی تقدیم می‌شود.

مهدی[ؑ] و مژده زهرا[ؑ]

پیامبر اسلام[ؐ] که خودش از بشارت به مهدی[ؑ] توسط جبرئیل امین، غرق در سرور و شادی است^۳، پاره تن خود را نیز غرق در شادی ساخته و می‌فرماید: «ابشری

یا فاطمة فان المهدی منك^۴؛ بشارت باد بر تو که مهدی[ؑ] از نسل توست». آری هرگاه پیامبر[ؐ] بخواهد، نازدانه‌اش را تا آخرین درجه شاد سازد، سخن از مهدی[ؑ] به میان می‌آورد: «و من ذریک المهدی یملا الله عزوجل به الارض عدلا، کما ملئت عن قبله جورا»^۵ و مهدی[ؑ] از فرزندان توست که خداوند متعال توسط او زمین را از عدل پر خواهد کرد، هم‌چنان که پیش از آن از جور پر شده است.

یاد مهدی[ؑ] تسلی زهرا[ؑ]

آخرین پیامبر الهی[ؑ] بارها برای خشنودی و تسلی پاره تن و جانش، در حساس‌ترین و بحرانی‌ترین زمان‌ها، یاد مهدی[ؑ] را تقدیم می‌فرمود.

وقتی بغض، گلوی زهرا[ؑ] را می‌فشرد و اشک، گونه‌هایش را می‌شست، یکی از کارهای پیامبر[ؐ] برای خوشحالی و تسکین زهرا[ؑ] این جمله بود: «والذی نفسی بیده و منّا مهدی هذه الامة الذی یملا الارض قسطاً و عدلاً، کما ملئت ظلماً و جوراً؛ سوگند به آنکه جانم در دست اوست! مهدی[ؑ] این امت از ما خاندان است که خداوند به وسیله او زمین را از عدل و داد پر می‌کند،

همانگونه که از ستم و جور پر شده باشد»^۶. در روایت دیگری می‌فرماید: «مهدی[ؑ] این امت از ما خاندان است، آنگاه که دنیا را هرج و مرج فرا گیرد و آشوب‌ها آشکار گردد، راه‌ها بسته شده، برخی، بعضی دیگر را غارت کنند، بزرگان به کوچکان رحم نکرده و کوچکان احترام بزرگان را رعایت نکنند، در آن هنگام خداوند متعال نهمین هدایت‌گر از نسل حسین[ؑ] را بر می‌انگیزاند، او دژها و قلعه‌های گمراهی و دل‌های بسته شده را فتح می‌کند، او برای زنده ساختن دین در آخرالزمان قیام می‌کند. هم‌چنان که من در اول زمان قیام کردم و زمین را از عدل و داد پر می‌کند هم‌چنان که از جور و ستم پر شده باشد»^۷.

آری! اشرف مخلوقات، یگانه دخترش، سرور زنان عالم را با یاد مهدی[ؑ] و مژده ظهور دل‌داری می‌دهد. زیرا نام و یاد «مهدی[ؑ]» از ابتدای هستی برای معصومان شناخته شده است و حتی حضرت زهرا[ؑ] به هنگام نام بردن فرزندان معصومش برای سهل بن سعد انصاری به هنگام رسیدن به نام او در وصفش می‌فرماید: «او کسی



است. حضرت مریم علیها السلام به دخترش فرمود : «زهره سرور بانوان جهان و مادر همسر توست» لذا نرجس علیها السلام دامن زهره علیها السلام را گرفته و اسلام آورد و بانوی عالم، عروسی را در آغوش گرفت.^{۱۰}

زهره علیها السلام چشم انتظار دولت مهدی
تمام ظلم‌هایی که بر جهان هستی روا داشته شده پیامد ظلمی است که به حضرت زهره علیها السلام شده و با نقشه شوم سقیفه، مدار خلافت را از خانه او به جای دیگری انتقال دادند، بنابراین مظلومان عالم به خصوص بزرگترین مظلومه عالم، چشم انتظار دولت عدل فرزندش است که ظلم سنگین تاریخ پاسخ داده شود و ظهور رحمت واسعه الهی عزیزش، نعمتی برای ظالمان باشد.^{۱۱}

زهره علیها السلام الگوی مهدی
برجسته‌ترین و گویاترین این پیوند و ارتباط در کلام امام مهدی علیه السلام شکوفا شده است. یوسف زهره علیها السلام می‌فرماید: «فی ابنة رسول الله لی اسوة حسنة»^{۱۲} و دختر پیامبر خدا صلی الله علیه و آله برای من الگوی نیکویی است. امام مهدی علیه السلام مانند مادرش زهره علیها السلام با ایثار و تلاش و نپذیرفتن بیعت طاغوت‌ها خط

مستقیم ولایت را معرفی و خط کفر و نفاق و بدعت را رسوا می‌سازد و در حقیقت دولتی که زهره علیها السلام تشکیل داد صاحب آن مهدی است؛ بنابراین یکی از القاب مقدس امام زمان علیه السلام «صاحب الدولة الزهره است»^{۱۳}. اما آنچه از فرمایش امام مهدی علیه السلام درس می‌گیریم این است که فاطمه علیها السلام برترین الگو و سرمشق برای منتظران است؛ زیرا وقتی فاطمه علیها السلام ، الگوی مهدی علیه السلام است، ما هم باید به امام خود اقتدا کنیم و دختر پیامبر را الگو خود قرار دهیم. در پایان لازم است جلوه‌ای از توسل به حضرت زهره علیها السلام و حضرت مهدی علیه السلام که هر دو سفره‌دار عالم هستند بیان شود: علامه مجلسی روایت می‌کند، اگر حاجتی داشتی و سینه‌ات برای او تنگ شده، دو رکعت نماز

بخوان؛ بعد از سلام نماز، سه مرتبه تکبیر بگو و تسبیحات حضرت زهره علیها السلام را بخوان؛ سپس به سجده برو و صد مرتبه بگو: «یا مولاتی یا فاطمه اغیثینی»؛ پس گونه راست را بر زمین بگذار و همین را صد مرتبه بگو؛ و بعد از آن گونه چپ را بر زمین بگذار و همین را صد مرتبه بگو، و سپس به سجده برو و همین را صد و ده مرتبه بگو، و حاجت خود را یاد کن؛ به درستی که خداوند برآورده می‌کند، ان شاء الله تعالی.^{۱۴}

امام جواد علیه السلام هر روز، هنگام زوال به مسجد رسول خدا صلی الله علیه و آله رفته و پس از سلام و صلوات بر رسول خدا صلی الله علیه و آله به سراغ خانه مادرش زهره علیها السلام که در همان نزدیکی قبر پیامبر صلی الله علیه و آله است می‌رفت و کفش‌هایش را در آورده و با نهایت ادب و خضوع، داخل خانه شده و در آنجا نماز و دعا می‌خواند و دقیق طولانی به عبادت مشغول می‌شد و هرگز دیده نشد به زیارت رسول خدا صلی الله علیه و آله برود و سراغ مادرش را نگیرد.^{۱۵} همچنین نقل است که آن حضرت در چهار سالگی به شدت در غم و اندوه غوطه‌ور شده بود، پدر بزرگوارش از سبب آن می‌پرسد. حضرت جواد علیه السلام از مصیبت‌های مادرش زهره علیها السلام و انتقام عصر ظهور یاد می‌کند.^{۱۶} ■

✓
امام مهدی علیه السلام
مانند مادرش زهره علیها السلام
با ایثار و تلاش
و نپذیرفتن بیعت
طاغوت‌ها خط
مستقیم ولایت را
معرفی و خط کفر و
نفاق و بدعت را رسوا
می‌سازد و در حقیقت
دولتی که زهره علیها السلام
تشکیل داد صاحب
آن مهدی است.

است که خداوند شرق و غرب زمین را به دست او می‌گشاید».^۸

مهدی علیه السلام زینت لوح فاطمه علیها السلام
در تولد امام حسین علیه السلام برای خشنودی و چشم‌روشنی مادر هستی، جبرئیل امین، هدیه آسمانی به عنوان حدیث لوح تقدیم نمود که درخشش تعابیر و تعاریف و توصیفات امام مهدی علیه السلام در این لوح جایگاه ویژه‌ای دارد. به عبارت دیگر نام و یاد یوسف زهره، جلوه‌ای ویژه در این عطیه مقدس و منور دارد، امام مهدی علیه السلام در این لوح منور با عنوان «رحمت بر عالمیان» «و کسی که کمال موسی علیه السلام و بهای عیسی علیه السلام و صبر ایوب علیه السلام دارد» ذکر گردیده است که جلال و جمال خاصی به این هدیه داده است.^۹

زهره خواهان نرجس
حضور سبز طاهره مقدسه، زهرای مرضیه علیها السلام به همراهی حضرت مریم علیها السلام و هزار فرشته بهشتی، برای افتخار بخشیدن به نرجس علیها السلام جلوه‌ای از این راز و رمز است که سخنان حضرت مریم علیها السلام به نرجس علیها السلام خاتون در عالم خواب، ذره‌ای از این پرتو

- *. معاون پژوهش بنیاد فرهنگی حضرت مهدی موعود علیه السلام
۱. «لو قد قام سید الخلق»، فروع کافی، ص ۲۰۷، ج ۳۴۶.
۲. رک فصلنامه انتظار، ش ۷، ص ۸۳ و ش ۱۲، ص ۴۱۴.
۳. بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۷۷.
۴. کنز العمال، ج ۲، ص ۱۰۵.
۵. بحارالانوار، ج ۴۰، ص ۶۶.
۶. همان، ج ۲۸، ص ۵۲.
۷. همان، ج ۳۶، ص ۳۰۷.
۸. همان، ج ۳۶، ص ۳۵۲.
۹. کمال الدین، ج ۲، ص ۲۹۰؛ بحارالانوار، ج ۲۶، ص ۱۵۹.
۱۰. کمال الدین، ج ۲، ص ۳۸۴؛ بحارالانوار، ج ۵۱، ص ۶۱.
۱۱. بحارالانوار، ج ۲۳، ص ۳۶۸.
۱۲. همان، ج ۵۳، ص ۱۸۰.
۱۳. نجم الثاقب، ص ۸۰.
۱۴. بحارالانوار، ج ۱۰۲، ص ۲۵۴، ج ۱۳.
۱۵. همان.
۱۶. چشمه در بستر، ص ۵۰۵.


 علی دهستانی

اشاره

ایام فاطمیه است و بسیاری از دلدادگان به ساحت مقدس حضرت فاطمه علیها السلام برای عرض ارادت و تسلیت به خاندان اهل بیت علیهم السلام به خصوص حضرت حجت علیه السلام، مراسم عزاداری برگزار می کنند. این کار بسیار بایسته و شایسته است؛ اما گاهی برگزاری همین مجالس معنوی سبب زحمت و ناراضیاتی همسایگان می شود. در آپارتمان ها، برگزاری اینگونه مراسم با مشکلات عدیده ای روبه رو است. توجه به نکات زیر کمک می کند تا یک مجلس روضه خوب برگزار کنید.

۱. مهم ترین نکته که باید رعایت شود

مهم ترین نکته ای که باید برای این مجالس رعایت شود رضایت مندی همه همسایه ها است. چرا که اگر حتی یک همسایه هم راضی نباشد، از معنویت این جلسات محروم می شویم. ضمناً این رضایت مندی بیشتر باعث آمدن همسایه به مجلس می شود البته نوع اطلاع رسانی نیز مهم هست.

۲. مناسب ترین زمان

اگر آپارتمان شما نزدیک مسجد است دقت کنید با برنامه های مسجد تداخل نکنند. بهترین زمان برای برگزاری مراسم، شبها یک ساعت

بعد از نماز مغرب و عشا است. اگر در ساعت مورد نظر ما، مسجد محل، برنامه ای نداشته باشد، می توانیم مجلس خودمان را در مسجد و یا حسینیّه برگزار کنیم.

۳. مناسب ترین مکان

اگر فضای واحدها، برای تجمع همه ساکنان آپارتمان، کافی نیست، پیشنهاد می شود از فضای پارکینگ استفاده کنید؛ البته با جلب موافقت و رضایت همه ساکنان واحدها. معمولاً سروصدا از پارکینگ به داخل واحدها، کمتر سرایت می کند.

۴. مدت زمان جلسات

معمولاً نیم ساعت اول، برای جمع شدن مردم است. پیشنهاد می شود: ده دقیقه نوار عزاداری پخش شود، سپس زیارت عاشورا یا حدیث کسا قرائت شود؛ بعد نیم ساعت سخنرانی درباره فضایل و مصائب حضرت زهرا علیها السلام و در انتها حدود ۲۰ دقیقه تا نیم ساعت مداحی باشد. کل مراسم بیشتر از یک ساعت و نیم طول نکشد.

۵. مناسب ترین پذیرایی

پذیرایی سنت حسنه ای است که موافقان زیادی دارد. سعی شود از چیزهایی که به صورت بسته بندی است استفاده شود؛ مثل ساندیس و کیک بسته بندی شده. اقام پذیرایی هم در ظرف یکبار مصرف بسته بندی و پخش شود.

۶. کمک های مردمی

مناسب است که برای جمع آوری کمک های مردمی، اعلان عمومی شود که معمولاً ارادتمندان اهل بیت کمک می کنند. در صورتی که مازاد بر مخارج جلسه، هزینه ای جمع آوری شد، خوب است آن مبلغ اضافه با اجازه خودشان، صرف امور فرهنگی همان واحدهای آپارتمانی شود.

۷. کنترل بچه ها

اگر فکر می کنید که برای خلاصی از سروصدای بچه ها، بهترین گزینه، مانع شدن از حضور آنها در این جلسات است، بدانید که اشتباه فکر کرده اید! به نظراتان اگر بچه ها با اینگونه محافل آشنا نشوند، در بزرگسالی با این مجالس مانوس می شوند؟ پیشنهاد ما این است که، در صورت امکان، دو مربی بگیرید یا دو نفر عهده دار این کار شوند. یک مربی آقا برای پسران و یک مربی خانم برای دختران، تا برای بچه ها برنامه های مذهبی اجرا کنند. هم چیزی یاد می گیرند و هم با سر و صدایشان مزاحم مجلسان نمی شوند. پذیرایی از بچه ها هم در همان کلاس جداگانه انجام شود.

۸. به بچه ها جایزه بدهید!

برای این که این محافل در ذهن بچه ها ماندگار شود و باز هم نسبت به آمدن به این مراسم ها شوق و ذوق داشته باشند می توان در کنار اجرای مراسم مذهبی برای آنها، جوایزی نیز به آنها داده شود. تهیه جوایز را بر عهده مربی آنها بگذارید تا جوایز مناسب سن و سال بچه ها تهیه کند.

۹. جلسات را ماندگار کنید!

برای اینکه ماندگاری جلسه بیشتر شود، می توان یک کتاب یا CD که با موضوع جلسه سازگاری دارد نیز به شرکت کنندگان داد و اگر خرید کتاب هزینه زیادی دارد می توانید یک بروشور تهیه کنید و با محتوای مناسب و مورد سلیقه خودتان که با موضوع جلسه مناسبت دارد، بین شرکت کنندگان پخش کرد.

۱۰. مشارکت دادن جوانان و نوجوانان

در کارهای اجرایی جلسه، مثل پخش چایی، شکلات و یا... بیشتر از نوجوانان و جوانان استفاده بشود تا آنها نیز به نحوی با این طور مجالس انس بیشتری بگیرند و کم کم حس مسئولیت پذیری در آن رشد بکند.

۱۱. تنظیم سیستم صوتی

برای اینکه سر و صدای جلسه، همسایه ها را زیاد آذیت نکند، دستگاه صوتی مان را به نحو مطلوبی تنظیم کنیم. همچنین هنگام خروج شرکت کنندگان از مجلس به افراد شرکت کننده، مخصوصاً کسانی که آپارتمان نشین نیستند سفارش شود سکوت را رعایت کنند. ■

مجلس روضه در آپارتمان





۱۸ نام پیشنهادی برای دختران

انتخاب نام نیک برای فرزندان، یکی از وظایف والدین و از حقوق کودکان است. ولی چه نامی، نیک است؟ شاید نتوان به صراحت در این باره اظهار نظر کرد و نام‌های بد را لیست کرد؛ ولی می‌توان به یقین گفت که نام‌های اهل بیت جزو بهترین نام‌هاست که با توجه به فرهنگ زمانه می‌شود از آنها برای نامگذاری نونهالانمان استفاده کنیم تا هم نامی نیک برای آنها گزینش کرده باشیم و هم یاد پیشوایان و بزرگان دین‌مان را زنده نگه داریم. این ایام مصادف با ولادت بزرگ بانوی اسلام حضرت زهرا (علیها السلام) است؛ در زیر هجده نام از القاب و اسامی آن حضرت آمده است که برای نامگذاری دختران، پیشنهاد می‌کنیم:

حنانه: مهربان و دلسوز
بتول: بی‌نظیر، کسی که از مردم به سوی خدا انقطاع پیدا کرده است.
حصان: با عفت
حوریه: شبیه زنان بهشتی در خلقت
ریحانه: گل خوشبو
زهرا: درخشانده و نورانی
طاهره: پاکیزه
فائزه: رستگار
کوثر: خیر زیاد
محدثه: کسی که فرشتگان با او صحبت می‌کنند.
مطهره: پاک شده

انسیه: اهل انس و محبت
حانیه: مهربان نسبت به فرزندان
حکیمه: اهل دانش
حوراء: شبیه زنان بهشتی در خلقت
راضیه: خشنود
زکیه: صاحب اخلاق و روح پاک
صدیقه: کسی که عمل او با گفتارش یکی است
عذراء: دوشیزه
فاطمه: جداکننده از هر شر و بدی
مبارکه: پربرکت
مرضیه: مورد رضایت و پسندیده



آیت الله العظمی مکارم شیرازی (مد ظله العالی):

بر همه پدران و مادران لازم است نسبت به این مسئله اهمیت فوق‌العاده بدهند و از انتخاب نام‌های نامناسب برای فرزندان خود پرهیز کنند و نامی برگزینند که مایه سرافرازی و خوشبختی آنها گردد. هرگاه نام یکی از اولیاء الله بر فرزند نهاده شود کرارا به یاد آن بزرگ می‌افتد و از برکات آن نام و صفات برجسته او بهره می‌گیرد.

بانوی نمونه

ازدواج

احترام متقابل در حق انتخاب و مشورت‌پذیری یکی از مراحل زندگی که سعادت دنیا و آخرت در گرو انتخاب صحیح آن است ازدواج و همسر گزینی است، مشورت‌پذیری از والدین و متقابلاً احترام به نظر دختران یکی از الگوهایی است که از زندگی حضرت زهرا و پدر بزرگوارشان میتوان برداشت کرد.

حضرت رسول در ازدواج فاطمه علیها السلام با امام علی علیه السلام فرمودند: «دخترم فاطمه! پسر عمویت علی علیه السلام از تو خواستگاری نموده است، پاسخ تو چیست؟ در اینجا وقتی حضرت رسول صلی الله علیه و آله فرمودند: «خداوند برای این ازدواج اجازه دادند»، از رضای خداوند اظهار خشنودی کردند.^۱

حضرت زهرا علیها السلام پس از مشورت پدر با او، به پدر احترام نموده رای و نظر پدر را محترم شمرد و سپس عرض کرد: «ای رسول خدا تو از من سزاوارتری که اظهار نظر کنی»،^۲ البته، والدین نیز وقتی ببینند پسر یا دختر در انتخاب خود خطا نکرده‌اند و مورد مناسبی را برگزیده‌اند نظر خود را بر آنها تحمیل نمی‌کنند.

ملاک مالی، ملاک انسانی

ملاک‌هایی که در انتخاب همسر باید به آن توجه داشت سلامت جسم و جان و دین و ایمان است نه ملاک‌های مادی و مالی به همین خاطر، وقتی بزرگان و ثروتمندان قریش به خواستگاری حضرت زهرا آمدند جواب رد شنیدند ولی وقتی علی علیه السلام ایمان مجسم، که به ظاهر مال و ثروتی از دنیا نداشت، ولی از عظمت و بزرگی روح برخوردار بود، به خواستگاری زهرا علیها السلام آمد، آن بزرگوار جواب مثبت داد.

شب عروسی، آغاز فصل عاشقی

شب ازدواج برای هر زن و مردی شیرین و خاطره انگیز است، ولی متأسفانه برخی این لحظه‌های شیرین را به انواع گناه آلوده می‌کنند، در حالی که خبر از عواقب ناگوار آن ندارند، نباید فراموش کرد که امتحانات الهی در مواقع حساس دشوارتر از زمان‌های عادی است، البته، دختران و پسرانی که دنبال سعادت هستند، حتی الامکان از فراهم شدن زمینه گناه جلوگیری می‌کنند. نقل شده است که در شب ازدواج، حضرت علی علیه السلام وقتی همسرگرمی خود را نگران و گریان دیدند، علت ناراحتی را پرسیدند. حضرت زهرا علیها السلام پاسخ دادند: «درباره حال و رفتار خویش تفکر کردم، به یاد پایان عمر خویش و منزلگاه دیگر به نام قبر افتادم که امروز از خانه پدر به خانه شما منتقل شدم و روزی دیگر از این جا به طرف قبر و قیامت خواهیم رفت، در این آغازین لحظه‌های زندگی، تو را به پروردگار سوگند می‌دهم که بیا تا به نماز بایستیم تا باهم در این شب خدا را عبادت کنیم.^۳ و این آغازی شد برای زندگی مملو از عشق و محبت.

خدا مراد سلیمیان*





آداب همسر داری

۱. مقدم داشتن همسر بر خود

یکی از نکاتی که در زندگی خانواده‌ها دیده می‌شود و می‌تواند به تحکیم خانواده کمک شایانی کند ایثار است، یکی از روزها حضرت علی (ع) به همسرشان فرمودند: فاطمه جان! آیا غذایی داری تا از گرسنگی بیرون آییم؟ فاطمه پاسخ داد: نه، به خدایی که پدرم را به نبوت و شما را به امامت برگزید سوگند، دو روز است که در منزل غذایی کافی نداریم، آنچه بود به شما و فرزندانم دادم و خود از غذای اندک موجود، استفاده نکردم. امام با تاسف فرمود: فاطمه جان! چرا به من اطلاع ندادی تا به دنبال تهیه غذا بروم؟ فاطمه (ع) فرمود: «ای ابا الحسن! من از پروردگار خود حیا می‌کنم که چیزی را که تو بر آن توان و قدرت نداری، از تو درخواست نمایم.»^۵

۲. رعایت حیای بانوان در تقسیم کار در خانواده

یکی از عوامل شادابی و تکامل خانواده‌ها تعیین حدود مسئولیت افراد در خانواده بنابر شایستگی‌ها و توانمندی‌هایی است که خداوند در انسان به ودیعه نهاده است، این امر سبب اجرای عدالت اجتماعی در محیط خانواده شده و بانوان را از دخالت در اموری که در شان آنان نیست باز می‌دارد. امام باقر (ع) فرمود: حضرت فاطمه (ع) کارهای منزل را با حضرت علی (ع) این گونه تقسیم کردند: خمیر کردن آرد و تمیز کردن و جاروب زدن منزل به عهده فاطمه (ع) باشد و کارهای بیرون منزل از قبیل جمع آوری هیزم و مواد اولیه غذایی را علی (ع) انجام دهد. امام صادق (ع) فرمود: این تقسیم کار با اشاره رسول خدا (ص) انجام گرفت و زمانی که حضرت رسول کارهای داخل منزل را به فاطمه (ع) و کارهای بیرون منزل را به علی (ع) واگذار کردند، حضرت زهرا با خوشحالی فرمودند: «جز خدا کسی نمی‌داند که از این تقسیم کار تا چه اندازه خوشحال شدم زیرا رسول خدا (ص) مرا از انجام کارهایی که مربوط به مردان است بازداشت.»^۶

شاید خوشحالی آن حضرت از این جهت بود که از برخورد با نامحرم به دور خواهد ماند، چه این که کار کردن غیرضروری زنان و اختلاط زنان با مردان با روح تقوا بیگانه است.

در روایتی دیگر آن حضرت در پاسخ پدر بزرگوارشان که پرسیده بود: کدام لحظه (ع) زن به خداوند نزدیک‌تر است؟ فرمود: نزدیک‌ترین حالات زن به خداوند زمانی است که در خانه خود می‌ماند.»^۷

البته، روشن است در مواردی خروج زن از خانه ضرورت پیدا می‌کند و آنچه از آن مذمت شد، بیرون رفتن‌های غیرضروری دختران و زنان است که قطعاً پیامدهای ناگواری به دنبال خواهد داشت و متأسفانه امروزه بسیار شاهد این گونه امور هستیم.

۳. رعایت ادب و احترام نسبت به همسر

حضرت زهرا (ع) فرمودند: «بهترین شما کسی است که در برخورد با مردم نرم‌تر و مهربان‌تر باشد و ارزشمندترین مردم کسانی هستند که با زنان خود مهربان و بخشنده‌اند»^۸

عشق و وفاداری راستین به همسر بر خلاف عشق‌های ظاهری و دروغین، که تنها در هنگام عافیت و شادی ابراز می‌شود، در هنگام مشکلات و

ناراحتی‌ها نیز بروز دارد، حضرت زهرا (ع) آن گاه که می‌خواهد شدت علاقه و وفاداری خود را به شوهر مظلومش ابراز نماید می‌فرماید: «علی جان! جانم فدای تو، و جان و روح من سپر بلاهای جان تو، ای ابا الحسن! همواره با تو خواهیم بود، اگر تو در خیر و نیکی به سر می‌بری با تو خواهیم زیست و یا اگر در سختی و بلاها گرفتار شدی باز هم با تو خواهیم بود.»^۹

۴. تحمل مشکلات و سختی‌ها

الف. تحمل گرسنگی:

پیامبر گرامی اسلام (ص) روزی وارد منزل فاطمه (ع) شد و فرمود: دخترم در چه حالی و چگونه زندگی می‌کنی؟ پاسخ شنید: «درد و گرسنگی بی تابم کرده و هر لحظه رو به فزونی است و غذایی ندارم تا رفع گرسنگی کنم» رسول اکرم (ص) فرمود: «دخترم آیا راضی نیستی که بزرگ زنان جهانیان باشی؟»^{۱۰}

ب. تحمل کمبودهای زندگی

تحمل توقعات بی‌جا به مردان گاهی باعث می‌شود تا زوج که نمی‌تواند خواسته همسرش را از راه مشروع به دست آورد به راه‌های نامشروع پناه آورد و چه خسارتی از این بزرگ‌تر که زن با توقعات نابجای خود، پای اموال شهه‌ناک و حرام را به خانه خود باز نماید.

حضرت زهرا (ع) روزی در خدمت پدر از مشکلات زندگی و کمبودهای رفاهی سخن به میان آورد و فرمود: «ای رسول خدا، من و پسر عمویم چیزی از وسایل رفاهی نداریم، مگر پوست گوسفندی که شب‌ها بر روی آن می‌خوابیم و روزها بر روی آن شتر خود را علف می‌دهیم.» رسول اکرم (ص) فرمود: «دخترم صبر و تحمل داشته باش، زیرا موسی بن عمران ده سال با همسرش زندگی کرد و فرشی جز یک قطعه عبای قبطانی نداشتند.»^{۱۱}

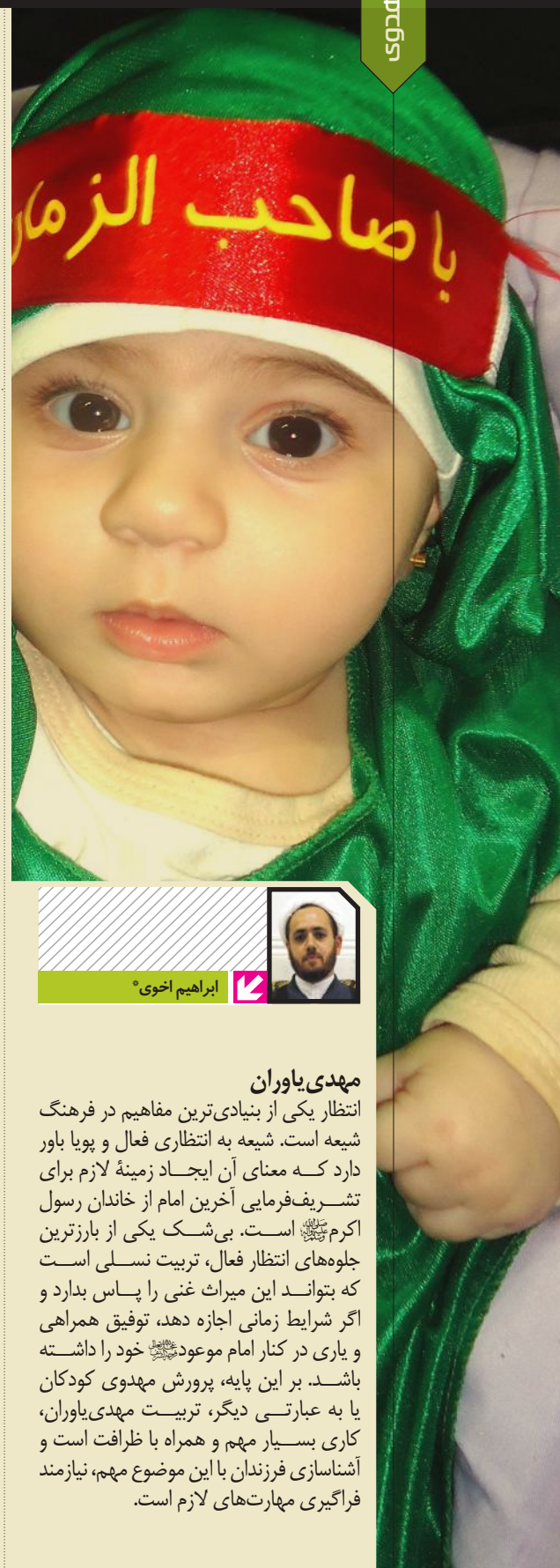
فلسفه ساده زیستی

حکایت زیر به خوبی فلسفه ساده زیستی را بیان می‌کند
سلمان فارسی می‌گوید: روزی حضرت زهرا (ع) را دیدم که چادری وصله‌دار و ساده بر سر دارد، در شگفتی ماندم و گفتم: عجباً دختران پادشاه ایران و قیصر روم بر کرسی‌های طلایی می‌نشینند و پارچه‌های زرین به تن می‌کنند، و این دختر رسول خداست که نه چادرهای گران قیمت بر سردارد و نه لباس‌های زیبا! حضرت فاطمه (ع) پاسخ داد: «ای سلمان! خداوند بزرگ، لباس‌های زرین و تخت‌های طلایی را برای ما در روز قیامت ذخیره کرده است.»^{۱۲}

برگرفته از مقاله آموزه‌های اخلاقی خانواده در مکتب تربیتی فاطمه (ع)

* کارشناس مباحث مهدویت و عضو پژوهشگاه علوم و فرهنگ اسلامی.

۱. شیخ صدوق، کمال الدین، ص ۲۶۲.
۲. محمد دشتی، نهج الحیاة، ص ۲۸.
۳. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۹.
۴. محمد دشتی، نهج الحیاة، ص ۳۵.
۵. بحارالانوار، ج ۳۷، ص ۱۰۳ و ج ۹۳، ص ۱۴۷.
۶. وسائل الشیعه، ج ۱۴، ص ۱۲۳.
۷. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۹۲.
۸. نهج الحیاة، ص ۱۵۷.
۹. همان، ص ۱۴۷.
۱۰. بحارالانوار، ج ۴۳، ص ۳۷.
۱۱. نهج الحیاة، ص ۲۹۷.
۱۲. بحارالانوار، ج ۸، ص ۳۰۳.



چگونه فرزندانمان را با امام زمان مأنوس کنیم؟

قدرت‌های ویژه‌ای است؛ به همین خاطر می‌تواند از زندگی همه ما باخبر باشد.

۹. امام می‌تواند به سبب قدرتی که خداوند به او داده، حرف‌های ما را بشنود و کارهایی که ما برای ایشان انجام می‌دهیم را ببیند و خوشحال شود.

۱۰. وقتی امام زمان بیایند، مردم با خوبی و مهربانی بیشتری با هم زندگی می‌کنند.

۱۱. شما می‌توانید از همان خردسالی با تهیه کتاب‌های شعر، رنگ‌آمیزی، قصه و نیز تهیه نرم‌افزارهای مناسب مهدوی، کودک خود را غیرمستقیم با آن حضرت آشنا کنید.

۱۲. تهیه و اشتراک مجلات مهدوی و مذهبی موجود مانند «سه، یک، سه» و «باران» نیز می‌تواند شما را در رسیدن به هدف مقدس‌تان یاری کند.

ب. پرورش احساسات مهدوی

لازم است در سنین پایین‌تر، به جای تمرکز روی آموزش مفاهیم مهدوی، از تمایل فطری کودکان به انسان کامل بهره جوییم و با معرفی اجمالی و قابل فهم، به پرورش احساسات پاک کودکان همت

گماریم و آنها را در ایجاد یک رابطه قلبی با امام عصر یاری دهیم؛ بدین منظور پیشنهادها

زیر می‌تواند مفید باشند:

۱. کودک، زمانی از امام خود پیروی می‌کند که نسبت به آن حضرت علاقه داشته باشد و ایجاد این علاقه از همان دوران کودکی آغاز می‌شود.
۲. سفارش‌های امام زمان را برای فرزند خود در برنامه‌ای ساده بگنجانید و او را تشویق به ایجاد یک رابطه معنوی و دوستانه با حضرت کنید.

الف. آموزش معارف مهدوی

در آموزش مفهوم انتظار، آشناسازی و ایجاد انس میان کودکان و حضرت مهدی توجه به نکات زیر می‌تواند سودمند باشد:

۱. هر گونه آموزش و کار تربیتی باید متناسب با سن، درک و توان کودک انجام شود.

۲. کودکان با محدودیت‌های خاصی از نظر شناختی روبه‌رو هستند و پذیرش پاره‌ای از مفاهیم مرتبط با موضوع مهدویت، مانند طول عمر، پنهان بودن و انتظار طولانی برای آنها دشوار است.

۳. یکی از مهم‌ترین نمونه‌ها در سیره پیشوایان، نمونه‌هایی است که در آنها برخوردی صمیمی، مهربان و دلنشین با کودکان داشته‌اند و نیز سفارش‌هایی که در جهت احترام، مهربانی و همبازی با کودکان بیان کرده‌اند؛ یا نمونه‌هایی که خصوصیات ممتاز آنان را در کودکی مطرح می‌کند. این نمونه‌ها از آنجا که به طور مستقیم با کودکان سر و کار دارند، تأثیر بسیاری نیز در بر خواهند داشت.

۴. داستان‌های مربوط به کودکی حضرت را تعریف کنید.

۵. به زبانی ساده درباره علت و فلسفه غیبت (مخفی شدن) حضرت از سوی خداوند توضیح دهید.

۶. فلسفه، نحوه و شکل غیبت را به روشی قابل فهم برای فرزند خود شرح دهید: «خداوند ایشان را به صورت انسانی ناشناس در میان مردم قرار داد تا دشمنان نتوانند مزاحمتی برای ایشان داشته باشند.»

۷. به کودک خود بگویید که امام دوست ما است و برای برآورده شدن آرزوهای ما تلاش می‌کند.

۸. امام از سوی خداوند دارای

به نیازهای کودک خود توجه داشته باشید و گاهی سفرهای معنوی خود را با تفریحاتی مانند صرف غذا در فضای مسجد جمکران، بازی با کودک در آن فضا و تهیه هدیه‌های مناسب در این سفر همراه کنید.

ابراهیم اخوی*



مهدی‌یاوران

انتظار یکی از بنیادی‌ترین مفاهیم در فرهنگ شیعه است. شیعه به انتظاری فعال و پویا باور دارد که معنای آن ایجاد زمینه لازم برای تشریف‌فرمایی آخرین امام از خاندان رسول اکرم است. بی‌شک یکی از بارزترین جلوه‌های انتظار فعال، تربیت نسلی است که بتواند این میراث غنی را پاس بدارد و اگر شرایط زمانی اجازه دهد، توفیق همراهی و یاری در کنار امام موعود را داشته باشد. بر این پایه، پرورش مهدوی کودکان یا به عبارتی دیگر، تربیت مهدی‌یاوران، کاری بسیار مهم و همراه با ظرافت است و آشناسازی فرزندان با این موضوع مهم، نیازمند فراگیری مهارت‌های لازم است.



حمایت از رهبری تا پای جان

**پیام حضرت فاطمه زهرا(ع) به زنان منتظر
آقا امام زمان(ع) در امروز چیست؟**

آیت الله طوسی: البته پیام حضرت فاطمه زهرا(ع) فقط برای زنان نیست، برای کل مسلمین است، بلکه پیام ایشان به همه انسان هاست؛ که این پیام را ما می توانیم از لایه لای فرمایشات ایشان در خطبه فدکیه دریابیم.

پیام اولشان حفظ و حراست و حمایت از رهبری تا پای جان است. پیام دوم ایشان توجه به مبانی و اصول اسلام است. مواظب باشیم که به این تعالیم پشت نکنیم، دهن کجی نکنیم و بدانیم که بی توجهی به تعالیم اسلام و پشت کردن به آنها زمینه روی کار آمدن ناهل هاست و نتیجه آن هم پرداخت هزینه های سنگینی مثل اهدای قربانی های فراوان است.

**در توقیعی آمده است که حضرت مهدی(ع)
می فرماید: «ان فی ابنة رسول الله...» معنای این
جمله چیست؟**

آیت الله طوسی: در آخر کتاب «غیبت» طوسی و «کمال الدین و تمام النعمه» شیخ صدوق و جاهای دیگر این توقیع از امام زمان(ع) آمده است. توقیعات امام زمان(ع) در همان دوران غیبت صغرا که ارتباط بین امام زمان(ع) با مردم به وسیله وکلای خاص برقرار بود - از ناحیه مقدسه صادر شده است که این فراز، یکی از آن توقیعات است.

قرآن، رسول خدا(ص) را به عنوان الگو به بشریت معرفی می کند: «و لکم فی رسول الله اسوة حسنة؛ رسول خدا(ص) برای شما الگوی نیکویی است.» در جای دیگر، پیامبر مکرّم اسلام(ص) فرمود: «فاطمة روحی الّتی بین جنّتی؛ فاطمه روح من است که بین دو پهلوی من قرار دارد.»

پس اگر ما حضرت زهرا(ع) را الگو و اسوة خود قرار می دهیم، در واقع روح رسول الله و جان رسول الله(ص) را الگو و اسوة خود قرار داده ایم؛ بنابراین وقتی هم که امام زمان(ع) می فرماید: «ان فی ابنة رسول الله الی اسوة حسنة» در حقیقت تبعیت از همان آیه شریفه قرآن است و الگوی او، همان رسول الله(ص) است. ■

۶. کودکان خود را از پرسش درباره ابعاد گوناگون زندگی حضرت منع نکنید؛ بلکه تلاش کنید علاوه بر برخورد مشوّقانه با پرسش های آنها، از قبل آمادگی لازم برای پاسخگویی را در خود ایجاد کنید.

۷. نسبت به برداشت های خام کودکان از این موضوع، نگران نباشید.

۸. رابطه کودک با امام خود را منفعت گرایانه نکنید؛ بلکه آن را بر عشق و علاقه پایه ریزی کنید.

۹. از ترساندن کودک با گفتگوی زیاد درباره جنگ های هنگامه ظهور پرهیز نمایید.

۱۰. مراقب ذهنی شدن برداشت کودک از امام زمان(ع) باشید و آن حضرت را در ارتباط با دوستانش و کارهایی که برای دیگران انجام می دهد، معرفی کنید. ■

۱. کارشناس ارشد روانشناسی.

**رابطه کودک
با امام خود را
منفعت گرایانه نکنید؛
بلکه آن را بر عشق
و علاقه پایه ریزی
کنید.**

۳. جشن تولد امام زمان(ع) را با شکوه بیشتری اجرا کنید.

۴. فرزند خود را در فعالیت هایی که برای حضرت انجام می شود، مشارکت دهید.

۵. کودک را به فضاهایی ببرید که در آنجا می تواند درباره امام زمان(ع) بیشتر فکر کند.

۶. مراسم مهدوی مانند دعای ندبه، حضور در مسجد جمکران و دیگر کارها را برای کودک، لذت بخش کنید.

۷. خود شما میزبان چنین برنامه هایی باشید تا کودک شما فرصت بیشتری برای فعالیت داشته باشد.

۸. به نیازهای کودک خود توجه داشته باشید و گاهی سفرهای معنوی خود را با تفریحاتی مانند صرف غذا در فضای مسجد جمکران، بازی با کودک در آن فضا و تهیه هدیه های مناسب در این سفر همراه کنید.

۹. به کودک، دعا کردن برای امام زمان(ع) را آموزش دهید.

۱۰. صدقه ای که هر روز در صندوق می اندازید، می تواند به نیت سلامتی آقا و به دست کودکان باشد.

۱۱. خودتان محبت قلبی و واقعی خود را نسبت به امام زمان(ع) نشان داده و بر زبان بیاورید. کودکان چون به شما علاقه دارند، به علاقه های شما هم دل می بندند.

ج. مراقبت های لازم

۱. نباید تنها به جنبه قدسی و احترام معنوی امام زمان(ع) بسنده کرد، بلکه به جنبه هایی از رفتارهای آن بزرگوار که برای کودک قابل اجرا باشد مانند احترام، مهربانی، کمک به دیگران و... توجه کافی داشته باشید.

۲. از طولانی کردن مراسم مهدوی که سبب اذیت کودک شود، پرهیزید.

۳. اصرار نداشته باشید که کودک هم به اندازه شما درباره امام زمان(ع) بداند و به همه برنامه های مربوط به حضرت مقید باشد.

۴. تربیت مهدوی امری تدریجی است و نباید با شتاب و تندى همراه شود.

۵. دوست واقعی امام زمان(ع)، باید فردی قابل اعتماد و مهربان باشد؛ بنابراین سعی کنید در نقش خود بهترین همراه برای کودکان باشید.





فدک، بهانه‌ای برای هر دو جبهه

گفت‌وگوبا
حجت‌الاسلام سید رضامیر معینی،
استاد حوزه علمیه قم

به کوشش آقایان عباسپور و صادقی

■ چه ارتباطی بین شهادت حضرت فاطمه زهرا (ع) و قیام امام حسین (ع) وجود دارد؟

|| آن روزی که امیرالمؤمنین (ع) خانه‌نشین شد، عاشورا به پا شد. یعنی روند غصب حکومت، بعد از پیامبر (ص) به عاشورا منجر می‌شود. بنابراین واقعه عاشورا ریشه در سقیفه و شهادت حضرت زهرا (ع) دارد. اگر بعد از پیامبر گرامی اسلام (ص) حکومت به دست وصی بر حق ایشان (امیرالمؤمنین (ع)) می‌افتاد و دچار انحراف نمی‌شد واقعه عاشورا اتفاق نمی‌افتاد.

امام حسین (ع) فرمودند: «إِنِّي لَمْ أَخْرُجْ أَشْرًا وَلَا بَطَرًا وَلَا مُفْسِدًا وَلَا ظَالِمًا، وَإِنَّمَا خَرَجْتُ أَطْلُبُ الْإِصْلَاحَ فِي أُمَّةٍ جَدِّي مُحَمَّدٌ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ، أُرِيدُ أَنْ أَمُرَ بِالْمَعْرُوفِ، وَأَنْهَى عَنِ الْمُنْكَرِ؛ مَنْ آمَدَمَ امْتِ جَدَمَ رَا إِصْلَاحَ كُنْ، مَنْ آمَدَمَ امْرَ بَهْ مَعْرُوفٍ وَ نَهَى از مَنكَرَ كُنْ وَ...» چه معروفی در آن زمان نبود و چه منکری در جامعه بود که امام حسین (ع) جان خود را فدا کرد تا آن معروف را پیاده و آن منکر را ریشه‌کن کند؟

مردم آن زمان نماز می‌خواندند، روزه می‌گرفتند، حج می‌رفتند، قاتل به بهشت و جهنم هم بودند. در خطبه غدیر پیامبر گرامی اسلام (ص) می‌فرماید: «إِنَّ



رأس الأمر بالمعروف أن تَتَّبِعُوا إِلَى قَوْلِي؛ بالاترین معروف در عالم، منتهی به قول امروز من می‌شود. یعنی بالاترین معروف، ولایت امیرالمؤمنین (علیه السلام) است که اگر این معروف در جامعه پیاده شود همه معارف معنا پیدا می‌کند. وقتی آن ولایت می‌آید، همه معارف در تحت پوشش ولی خدا ارزش پیدا می‌کند. امام حسین (علیه السلام) قیام کرد تا ولایت را زنده کند، عینا همان کاری که حضرت زهرا (علیها السلام) مأمور به آن شد.

■ غاصبان خلافت، کل سرزمین‌های اسلامی را در اختیار داشتند، چرا باغ فدک را از حضرت فاطمه زهرا (علیها السلام) غصب کردند؟ یک باغ برای آنها چه ارزشی داشت که به خاطر باغ فدک خودشان را بدنام کنند؟

II بحث باغ فدک یک بهانه است، هم برای غاصبان خلافت و هم برای حضرت زهرا (علیها السلام). غاصبان با خود فکر کردند که مردم بنده دنیا هستند و هر کجا که بوی دنیا و مادیات به مشامشان برسد آنجا جمع می‌شوند. حال اگر علی بن ابیطالب (علیه السلام) که معدن سخاوت است، وضع مادی و اقتصادی‌اش خوب باشد و پول داشته باشد مردم دورش جمع می‌شوند.

بنابراین اینها گفتند اگر کاری کنیم که بنی هاشم از نظر مادی در تنگنا قرار بگیرند دو نتیجه برای ما حاصل می‌شود.

یکی اینکه وقتی بنی هاشم در تنگنای اقتصادی باشند مجبور می‌شوند که از سیاست‌های ما تبعیت کنند. دوم اینکه مردم از اطراف امیرالمؤمنین (علیه السلام) متفرق می‌شوند.

در راستای اجرای این سیاست، اقدام به مبارزه اقتصادی با اهل بیت (علیهم السلام) کردند. اولین قدم این بود که به جعل حدیث دست زدند. با اینکه نقل حدیث پیامبر ممنوع بود و هر کسی حدیثی از پیامبر نقل می‌کرد دستگیر و زندانی می‌شد؛ اما آنها حدیثی را به دروغ منتشر کردند که پیامبر اسلام فرموده است: «نحن معاشر الأنبياء لا نورث؛ ما انبیا ارث نمی‌بریم و ارث باقی نمی‌گذاریم و هر چه از ما باقی ماند همه صدقه است.» به بهانه این حدیث جعلی، کل اموال پیامبر (صلی الله علیه و آله) را اعم از خانه، انفال، خمس و زکاتی که آنجا بود، همه را مصادره و تصاحب کردند.

غصب فدک برای
 این انجام شد که
 خواستند اهل بیت را
 در تنگنای اقتصادی
 قرار بدهند.

حضرت زهرا (علیها السلام) با اینها بحث کردند که قرآن می‌فرماید «و وراثت سليمان داوود» سلیمان پیامبر بود و ارث برده است، داوود هم ارث گذاشته است، آیا پدر من، پیامبر خدا، برخلاف قرآن سخن می‌گوید؟ و یا فرمود: «شما از پدرتان ارث می‌برید من ارث نمی‌برم، مگر فرق من و شما در چیست؟» ولی آنها دنبال این بودند که به خاطر آن سیاست، اموال را مصادره کنند و هر چه حضرت زهرا (علیها السلام) صحبت کرد فایده نداشت.

از آن طرف مناصب حکومتی را هم تقسیم کردند و به بنی هاشم منصبی ندادند تا در تنگنای اقتصادی باشند. حتی در گام بعدی سراغ حکم خمس رفتند. قانون خمس را از اسلام حذف کردند تا اهل بیت در تنگنای اقتصادی قرار بگیرد، تا آنجا که الآن هم اهل سنت خمس نمی‌دهند.

در آخرین اقدام و در راستای همان سیاست باغ فدک، که در اختیار حضرت زهرا (علیها السلام) بود و درآمد بالایی هم داشت، به زور گرفتند هر چه حضرت زهرا (علیها السلام) صحبت کرد، دلیل آورد، شاهد و مدرک آورد، قبول نکردند.

بنابراین غصب فدک برای این انجام شد که خواستند اهل بیت (علیهم السلام) را در تنگنای اقتصادی قرار بدهند و امیرالمؤمنین (علیه السلام) هم با آن تلاش‌ها، خواست اهداف آنها را از بین ببرد.

اما حضرت زهرا (علیها السلام) برای چه اینقدر برای بازگرداندن فدک تلاش کرد؟ این هم یک بهانه برای اعتراض به حکومت وقت بود. به همین دلیل است که وقتی امیرالمؤمنین (علیه السلام) به حکومت می‌رسد و به ایشان می‌گویند که یا علی (علیه السلام) شما الآن حاکم شده‌اید تشریف بیاورید فدک را بگیرید، فدک که مال شما است، قدرت هم دست شما است می‌فرماید: «ما اصنع بفدک و غیر فدک» فدک به چه درد من می‌خورد؟ فدک یک زمین است. خب فدک همان چیزی است که حضرت زهرا (علیها السلام) به خاطرش سیلی خورد، اما امام درباره فدک چنین می‌گوید. معلوم می‌شود که فدک یک بهانه‌ای بوده است تا حضرت زهرا (علیها السلام) وارد میدان اعتراض به خلیفه بشود. تلاش برای باز پس‌گیری فدک، بهانه حضور حضرت زهرا (علیها السلام) بهانه ابراز غضب حضرت زهرا (علیها السلام) و اعلام عدم مشروعیت حکومت بود. ■

ایام عید که می‌شود، وقتی به شور و شوق بچه‌ها می‌نگریم، حسرت عمر از دست رفته همچون بغضی گلویمان را می‌فشارد. و وقتی دوبیتی‌های اشتیاق را می‌خوانیم، اشک امانمان نمی‌دهد. آری! یک عمر بدون مولا زندگی کردن و عید را جشن گرفتن سخت است. به امید روزی که چشم باز کنیم و کنار مولایمان سرود ظهور را زمزمه کنیم و در مجله‌هایمان بنویسیم: «ای اهل عالم، امان اهل زمین آمده است.»

تو هر زمان که بیایی، بهار خواهد بود

پرده بگشای

مردم دیده به هر سو نگرانند هنوز
چشم در راه تو صاحب نظرانند هنوز

لاله‌ها، شعله‌کش از سینه داغند به دشت
در غمت، همدم آتش جگرانند هنوز

از سراپردۀ غیبت، خبری باز فرست
که خبر یافتگان، بی‌خبرانند هنوز

رهروان، در سفر بادیه حیران توآند
با تو آن عهد که بستند، برآند هنوز

ذره‌ها در طلب طلعت رویت با مهر
هم عنان تاخته چون نوسفرانند هنوز

طاقت از دست شد ای مردمک دیده! دمی
پرده بگشای که مردم نگرانند هنوز



عباس کی‌منش مشهور به «مشفق کاشانی»، متولد سال ۱۳۰۴ کاشان است. ایشان با درجۀ فوق لیسانس به تدریس مشغول شد و مدتی در آموزش و پرورش به تربیت نسل جوان کشور پرداخت. از آثار گراندۀ ایشان «خاطرات»، «هفت بند التهاب»، «نوار ۱۵ خرداد»، «سوگنامۀ امام»، «مجموعه شعر جنگ» را می‌توان نام برد.



چه سود بی تو بهاران

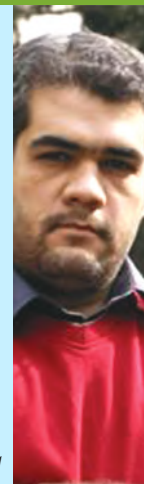
بهار! آمدن آن امام نزدیک است
بهار پر شده از باده، جام نزدیک است
خبر از آمدن گل به باغبان برسان
به گوش خسته نویدی از آن دهان برسان
دهان غنچه خود را به گل شدن وا کن
بگو سخن، بگشا لب به باغ غوغا کن
به هر کجای جهان هر که هست ایرانی
به شوق دیدن رویت کند غزلخوانی
فقط نه هر که ایرانی است عاشق توست
که هر که هست مسلمان زجان موافق توست
مسیحیان جهان نیز عاشقت هستند
به روشنایی راحت همیشه دل بستند
امید می‌دهی ای مهربان، سلامت باش
فدای قد بلندت بلند قامت باش
بهار آمده یاد شهید باید کرد
بدین بهانه شیرین دو عید باید کرد
یکی است یاد شهید و یکی بهانه عید
که باغ پر شده اینک پر از ترانه عید
خوش آن دمی که در آید امام از در ما
و سایه‌اش برسد بی دریغ بر سر ما
اگر امام بیاید سلام می‌آید
سلام کن که از این ره امام می‌آید
خوشا کسی که در این نوبهار منتظر است
خوش آن نگاه که بر روی یار منتظر است
چه سود بی تو بهاران؟ بیا امام زمان
بیا و نیم نظر کن به ما امام زمان
بیا بزرگ، بیا مهربان، بیا مولا
بدون عشق صفایی ندارد این دنیا
تو هر زمان که بیایی بهار خواهد بود
زمان شادی بی اختیار خواهد بود
«خوش آن زمان که بر آید به یک کرشمه دو کار»
یکی ظهور امام و یکی شروع بهار



«امیر عاملی» شاعر و خوشنویس معاصر است
که در انجمن خوشنویسان و دانشگاه قزوین
تدریس می‌کند.
تا به حال مجموعه اشعار فراوانی از جمله: از تپش
دریچه‌ها، خانه خورشید، حسرت پرواز، شوق
شب‌نم و عطش انتظار را به چاپ رسانده است.
ایشان مجموعه «تحفه نفیس» خود را به آستان
مقدس حضرت معصومه (ع) تقدیم کرده است.

به یک اشاره

بیا و قافله‌ها را به راه برگردان
به پایتخت زمین پادشاه برگردان
به بادهای پریشان امانتی بسیار
به چشم‌های عزیزان نگاه برگردان
عصای معجزه در دست، روی صحنه بیا
و مار شعبده را در کلاه برگردان
*
بیا و گله بی‌پاسبان حیران را
از آستانه کشتارگاه برگردان
ستاره از رمق افتاد، شب مضاعف شد
چراغِ رانما را به ماه برگردان
به یک اشاره قطارِ غرور انسان را
از انتهای همین ایستگاه برگردان
*
میان خیل خدایان تازه گم شده‌ام
مرا به آن طرفِ لا اله برگردان



گفتن از «امید مهدی‌نژاد» در این
یکی دو پاراگراف نمی‌گنجد. فقط اسم
کتاب‌هایش این ستون را پر می‌کند و
اسامی جوایزش از جشنواره‌های مختلف،
این صفحه را. گرچه نام امید، این روزها
با شعر و نثر طنز گره خورده است؛ ولی
هیچ‌گاه نسبت به شعر آیینی و انتظار
بی تفاوت نبوده است. از امید مهدی‌نژاد
۳۳ ساله می‌خواهیم: لطفاً باز هم برایمان
شعر انتظار بگو؛ شعرهایت آب خنکی
است بر چشم‌های خواب‌آلوده‌مان.

حرف جمهور

«غرب در برون‌زایی اندیشه‌ی
مقابل، جمهوری اسلامی برای م
تازه‌ای دارد.» این طرح «حرف نوی
حضرت آیت‌الله خا

۱ مردمسالاری دینی

انقلاب اسلامی حرف نویی را به میان آورد؛ حرف نویی که می‌توانست در دنیای افکار عمومی، بخصوص در دنیای اسلام، برای خود جا باز کند... توحید ستون فقرات و رکن اساسی شعار اسلامی و پیام انقلاب اسلامی بود.

۹۰/۱۰/۷

۲ بنای تمدن بر توحید و معنویت

انقلاب اسلامی حرف نویی را به میان آورد؛ حرف نویی که می‌توانست در دنیای افکار عمومی، بخصوص در دنیای اسلام، برای خود جا باز کند... توحید ستون فقرات و رکن اساسی شعار اسلامی و پیام انقلاب اسلامی بود.

۸۲/۷/۲۲

۳ کرامت انسان

رکن دیگر انقلاب اسلامی، توجه به کرامت انسان است. جامعه‌ای که در یک مجموعه جغرافیایی و سیاسی زندگی می‌کند، کرامتش اقتضا می‌کند که آزاد و مستقل باشد و استعداد او شکوفا شود؛ بر سر نوشت خود مسلط باشد؛ مورد تحقیر و اهانت قرار نگیرد.

۸۲/۷/۲۲

۴ آمیختگی دین و زندگی

ما در زمینه‌های گوناگون «آمیختگی دین و زندگی» را مطرح میکنیم. اینها حرف نوئی است؛ اینها هیچ وقت در دنیا وجود نداشته؛ حتی قبل از دوران ماد یگری و اومانیسم غرب و روی کار آمدن اندیشه‌های سکولار هم اینجور نبود که دین با زندگی توأم و همراه باشد.

۹۱/۵/۲۲

۵ حکومت ولایت فقیه

چیزی که در قانون اساسی و در کلمات امام و در عرف انقلاب به عنوان حکومت ولایت فقیه مطرح است، یک حرف کاملاً نو در دنیاست. یعنی در رأس حکومت کسی را قرار دهیم که تخلف نخواهد کرد. این نکته خیلی بدیعی در مبنای حکومت در دنیاست.

۷۸/۱۱/۴

۶ بنای قدرت سیاسی بر پرهیزگاری عدالت و حقیقت

حکومت اسلامی و انقلاب اسلامی این حرف نو را مطرح کرد که حاکم و حکومت و قدرت سیاسی باید مبتنی بر پرهیزگاری، عدالت و حقیقت باشد. قانون اساسی بر این مبنا شکل گرفت.

۷۹/۱۱/۲۷

نو ی اسلامی

نو برای حیات انسان نازا شده و در سائل گوناگون انسانی، حرف‌های جمهوری اسلامی» به دنیا را از زبان منتهای روایت می‌کند.

عن سید

۷ قیام علیه حکومت‌های مبتنی بر ناپرهیزگاری و ظلم

انقلاب حرف نویی را در جهان بشریت مطرح کرد که در دنیای امروز کاملاً بدیع و جدید است، آن حرف نو این بود که انقلاب، علیه حکومت‌های مبتنی بر ناپرهیزگاری و ظلم قیام کرد.

۷۹/۱۱/۲۷

۸ استکبار ستیزی

راهی که جمهوری اسلامی باز کرده و در بین این همه مزاحمت‌ها پیش می‌رود، راه نویی است: [استکبار ستیزی]؛ استکبار یعنی همان بلای همیشگی که گریبان بشر را در طول تاریخ گرفته است. این واقعیتی است که امروز در دنیا وجود دارد.

۸۳/۶/۹

۹ برابری انسانها و نژادها

ما برای خودمان، عزت را بر اساس اعتقاد و ایمان توحیدی - که خاصیت و شاخصه تفکر اسلامی است - و دل بستن به خدا و محبت به بندگان و خلائق الهی و لزوم خدمت به آنها قایلیم.

۷۰/۴/۱۸

۱۰ مبارزه و مقابله با زورگوییهای بین المللی

دنیا جریان دیگری پیدا کرده است و بدانید به حول و قوهی الهی، مبارزه‌ی حق - که با سرمداری ملت ایران و با پرچم اسلام آغاز شده است - با باطل، با طاغوتها، با فرعونها و با فرعون استکبار، تا سرنوشتی استکبار ادامه پیدا خواهد کرد.

۹۰/۸/۱۱

۱۱ عدالت اجتماعی

اگر ما عدالت اجتماعی را مطرح می‌کنیم، مسأله‌ی ما به تمام معنا یک مسأله‌ی جهانی است. ما عدالت اجتماعی را برای فرد خودمان، جامعه‌ی‌مان و برای کل بشریت مطالبه می‌کنیم و می‌خواهیم.

۸۳/۶/۹



بیچاره عدد ۱۳

(گفتاری از استاد شهید مرتضی مطهری)

اشاره:

روز سیزدهم فروردین در تقویم جمهوری اسلامی ایران به نام «روز طبیعت» ثبت شده است. مردم کشورمان، همه ساله، در این روز به عنوان «سیزده به در» به پارک‌ها و تفریحگاه‌ها و یا فضاهای سبز خارج از شهرها می‌روند و این روز را در آن مکان‌ها می‌گذرانند که بسیار نیکوست. اما برخی بدین سبب از خانه خارج می‌شوند که به خیال خودشان نحوست این روز را از خود دور کنند. متن زیر گفتاری است از شهید آیت‌الله مرتضی مطهری دربارهٔ نحوست ایام و روزها.

فال بد زدن وجود ندارد.^۱ خود ایشان، اشیاء و امور را به فال نیک می‌گرفت و هیچ وقت فال بد نمی‌زد. مسئله فال بد زدن به هر عنوانی در اسلام محکوم است و در سراسر تعالیم اصیل اسلامی کلمه‌ای موافق آن پیدا نمی‌کنید. جالب است که در قرآن کریم، دو بار کلمه «نحس» نازل شده و در هر دو جا هم در مورد عذاب قوم عاد می‌باشد: «فَیْ یَوْمَ نَحْصِ مُسْتَمِرٍّ» یا «فَیْ آیَاتِ نَحْسَاتٍ»^۲ معنای نحس بودن چیست؟ در معنی کلمه «نحس» بین مفسرین اختلاف است؛ برخی گفته‌اند: مقصود، روز پر باد و غباری بوده، چون مفهوم کلمه نحس، همان ترسناک و سخت و شدت آور است. بعضی گفته‌اند: همان معنی «شومی» است. این ظاهراً جالب‌تر است؛ زیرا خود قرآن می‌گوید: عذاب آنها به خاطر گناهانشان بوده و هر روزی که مردم به کیفر اعمال خود برسند، آن روز برایشان نحس و شوم است؛ حال شنبه باشد یا یکشنبه یا روز دیگر، اول ماه باشد یا دوم یا سیزدهم یا...

بنابراین اگر ملتی به عقوبت اعمالشان گرفتار شوند، بدانند که در روز نحسی قرار دارند. تمام ملل مسلمان، امروز در ایام نحسی به سر می‌برند. حال راه نجات چیست؟ این است که از خانه بیرون برویم، سمنو بپزیم و سبزه گره بزنیم؟! خیر! باید از خودمان و رفتار و عادات و ملکات زشتان بیرون بیایم. خانه و سبزه و سبزه چه گناهی دارند؟! در کتاب «تُحْفُ الْعُقُول» نقل شده که کسی می‌خواست خدمت امام هادی (علیه السلام) برود در حالی که انگشتش زخم شده بود و در راه، سواری هم به وی تنه زد و کنفش مجروح شد و هنگامی که وارد خانهٔ حضرت می‌شد، به علت ازدحام جمعیت، قسمت‌هایی از لباسش پاره شد. تا امام را دید گفت: این روز، چه روز بدی بود، خدا مرا از شر آن نگاه دارد. حضرت فرمود: «تو از یک طرف به خانهٔ ما می‌آیی و از طرف دیگر چنین حرفی می‌زنی؟ حضرت فرمود: «گناه خودت را به گردن آن کسی می‌گذاری که گناهی ندارد؟!»^۳ به گردن روز و روزگار می‌گذاری؟! آن شخص، با این سخن حضرت، فهمید که اشتباه کرده است و استغفار کرد.^۴ بر این اساس سیزده به در واقعی ما این است که از خانه‌های تنگ و تاریک افکار خرافی خودمان به صحرای دانش و بینش خارج شویم.^۵

شاید بهتر بود عنوان بحث را به جای «خرافهٔ سیزده»، «دفاع از سیزده» قرار می‌دادیم؛ چرا که برخی از انسان‌های نادان برای این عدد، بدون ارتکاب هیچ جرم و جنایتی، نحوست قائل شده و گناهان خود و آثار سوء آنها را به نحوست این عدد نسبت داده و زیرکانه یا احمقانه، مسئولیت کارهای خود را بر عهدهٔ آن می‌گذارند. در میان آنچه بشر برایش نحوست قائل است، اعداد، سهم بیشتری دارند و در میان اعداد هم، از همه بیچاره‌تر، عدد ۱۳ است... لااقل دو خاصیت هست که به نظر می‌رسد باعث پیدایش فکر نحوست اشیاء و اعداد شده است؛ یکی این که بشر چون خودخواه است، نمی‌خواهد مسئولیت شکست‌هایش متوجه خودش شود؛ لذا دنبال چیزی می‌گردد که بگوید این شکست به خاطر چهل و فکر و عمل نادرست من نبود، بلکه ناشی از چیز دیگری بود، مثلاً به خاطر عدد سیزده یا صدای کلاغ یا دیدن جغد و یا چیز دیگری بوده است. دوم این که انسان، روح تنبلی دارد. در عین حال، اگر بخواهد علت قضایا را بداند، باید با روش‌های علمی و عقلی، کاوش و تفحص کند. مثلاً اگر در جنگی شکست خورده است و می‌خواهد علت اصلی شکست را بیابد، دو تا ناراحتی دارد: یکی این که به این نتیجه می‌رسد که خودش مسئول آن شکست بوده، و دیگر این که باید مدت‌ها زحمت بکشد که آن علت را از بین ببرد، مثلاً خودش را اصلاح کند. ولی با یک کلمه خود را راحت می‌کند و می‌گوید: «علتش این بود که مثلاً روز چهارشنبه جنگ را شروع کردیم!» قرآن کریم، این مسئله را به شکل عجیبی مطرح می‌کند؛ به اقوامی هم‌چون آل فرعون، قوم عاد و... نسبت می‌دهد که این‌ها در مقابل دعوت پیامبران، فال بد می‌زدند و سپس در آیات زیادی با کمال صراحت می‌گوید: منشأ هر فال بد و نحوستی در خود بشر است، یعنی فکر انسان و اخلاق و اعمال خود او شوم است؛ «دَائِكُمْ مِنْکَ وَ دَوَائِکُمْ فِیکَ»، یعنی منشأ بدبختی و شومی، تو و راه درمانش هم درخود تو است. پیامبر (صلی الله علیه و آله) هم با کمال صراحت فرمودند: «در امت من،

۱. رَفَعَ عَنْ أُمَّتِی الطَّیْرَةَ.

۲. سوره قمر/۱۹. «در یک روز شوم مستمیر بر آنان [عذاب] فرستادیم...».

۳. سوره فصلت/۱۶. «در روزهایی شوم و پر غبار».

۴. تَرْمِیْ یَذْنِبُکَ مَنْ لَا ذَنْبَ لَهُ.

۵. مجموعه آثار استاد شهید مطهری، ج ۲۵، ص ۴۰۴.

۶. یادداشت‌ها، ج ۶، ص ۱۳۱.



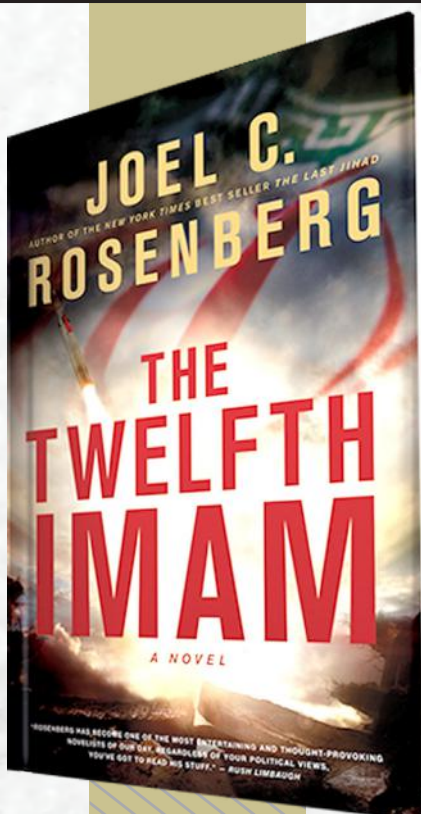
قطار در ریل آزاد

زینب احمدزاده

کجا ایستاده بودی؟
مرا می‌نگریستی و به حالِ
می‌گریستی. وقتی غرق بودم در منجلاب
پستی و نیستی. همان‌جا، آن‌جا در اعماق چشمانم
ایستادی و گفתי بایست؛ دیگر بس است جدایی و آواره زیستی.
آن‌جا در اقیانوس تو فرو رفتم و نگاه غم‌انگیزت را خواندم. دستانت،
دستان مهربانی و نوازشت را دیدم و در اندیشهٔ دستان گناه‌آلود خود ماندم.
چرا وقتی تو را می‌دید، تو او را ندیدی؟ در همان ابتدا، وقتی کودکی
پر از احساس و جوانی پویا و نوپا بودی، او خواست تو را در آغوش خود بگیرد
و هم‌راز و هم‌گام تو شود، خواست تو را همراه و هم‌رمز خود کند، اما تو او را
پس زدی و غرق در اسباب‌بازی‌های بی‌زبان، غرق در آرزوهای بی‌پایان، سرود
زیبایی‌های صورتی خواندی و هم‌قدم در کویر لذت و بی‌خیالی به عیش رفتی.
چرا با او نرفتی، چرا زیبایی را غلط گرفتی و پرییدن نیاموختی. مگر آن همه شوق و
خروش زندگی را در چشمان بی‌انتهایش ندیدی. چرا ندیدی، وقتی او تو را می‌دید.
به یاد می‌آورم روزی را که به حال قنوت پدر بزرگ غبطه خوردم. او چه خدای
بزرگی داشت، اما من تنهای تنها بودم. به من گفستی همان حسرت، منجی تو
بود. آنی به خود آمدی و به خدا رسیدی. آخر خدای تنهای بی‌انتهای، صدای
شکستن قلب‌های تنهای را زود می‌شنود، خیلی زود. فردا دیگر تو را رها
نخواهم کرد... مهربانی که مرا دریافت و همنشینم شد بی‌هیچ منتی.
غریب‌آشنایی که غریب‌نوازی کرد. میزبانی که میهمان ناخوانده را با
آغوش باز پذیرفت، همان میهمانی که روزهای روز و شب‌های
دراز، قلبش را شکسته و اشک بر گونه‌هایش آورده بود.
دیگر راهبرم را گم نمی‌کنم. دیگر چشم و چراغ و نور
و سوی چشمم را رها نمی‌کنم. دیگر امام
زمانم را رها نمی‌کنم. ■

بخش سوم

مهدی علیه السلام آن گونه که غرب معرفی می کند!



بیشتر نوشته‌ها و برنامه‌های تولیدی رسانه‌های غربی موضوع مهدویت را در ذهن مخاطب خرافی و ترسناک نشان می‌دهند.

شده تا مردم به درون آن نروند. مردم زمان بسیاری را برای بوسیدن و دعا نزد این صندوق چوبی می‌گذرانند. برخی هم با نوشتن درخواست‌های خود از مهدی علیه السلام در تکه‌های کوچک کاغذ آن را به درون چاه می‌اندازند.^۲

روشن است مخاطب غربی با خواندن و شنیدن این سخنان، عقیده به مهدی علیه السلام را عقیده‌های خرافی می‌پندارد و بدون این که به تحقیق در مورد صحت این مطالب بپردازد، مهدویت و دیگر عقاید شیعیان را به سخره می‌گیرد. در این شیوه معمولاً به مسائل پیش پا افتاده در مقابل مطالب ریشه‌دار پایه‌ای بها داده می‌شود و در مواردی نیز واقعیت را به

انقلاب اسلامی ایران، در سال ۱۹۷۹ میلادی و به ویژه در سال‌های اخیر و بیان مهدویت به عنوان یکی از باورهای بنیادی شیعه - که قابل استفاده به عنوان محور صلح و دوستی بین ادیان و ملل مختلف است - شکل تازه‌ای به خود گرفته است. این مطلب به راحتی با نگاه به فهرست کتاب‌ها و مقاله‌هایی که به عنوان مهدویت و آینده‌نگری در اسلام در سال‌های اخیر تولید و عرضه شده، قابل اثبات است؛ چنانچه حجم فیلم‌های سینمایی و برنامه‌های تولیدی در شبکه‌های رسانه‌ای غربی در این سال‌ها در موضوع آخرالزمان اسلامی و مهدویت با پیش از آن قابل مقایسه نیست. البته همانند همیشه این نگاه تکسویه و تخریبی بوده است به طوری که بیشتر نوشته‌ها و برنامه‌های تولیدی رسانه‌های غربی موضوع مهدویت را در ذهن مخاطب خرافی و ترسناک نشان می‌دهند. در ادامه به بررسی شیوه‌های تخریبی غرب در القای مفاهیم مرتبط با مهدویت می‌پردازیم:

۱. تخریب از راه معرفی سطحی:

در این شیوه، مفهوم مورد نظر به صورتی به مخاطب معرفی می‌شود که سطحی و کم‌اهمیت و یا خرافی به نظر برسد. نمونه این شیوه را به طور متعدد در مقاله‌های نوشتاری و یا برنامه‌های دیداری رسانه‌های غربی می‌توان دید. به عنوان مثال شبکه خبری CBN آمریکا در برنامه‌ای مستند در بررسی گفته‌های آقای احمدی‌نژاد در سازمان ملل به مهدویت نیز می‌پردازد. شیوه معرفی مهدویت در این رسانه را با نگاه به جملات زیر می‌توان به خوبی دریافت:

«برای شناخت عقاید مذهبی وی (احمدی‌نژاد) باید سری به مسجد کوچکی که در جمکران در گوشه ایران واقع شده بزنید. در پشت مسجد چاهی واقع است که احمدی‌نژاد و میلیون‌ها شیعه مسلمان دیگر معتقدند یک روز نجات‌دهنده اسلامی از آن چاه بیرون می‌آید. ایشان وی را مهدی یا امام دوازدهم می‌نامند... دهها هزار مسلمان هر شب از این چاه دین می‌کنند. در این چاه با صندوق فلزی به رنگ سبز پوشیده

اشاره: در دو قسمت پیشین (شماره ۳۶ و ۳۷) شیوه معرفی مفاهیم مهدوی را در لغتنامه‌ها و دایرةالمعارف‌های غربی بررسی کردیم. در این بخش به صورت گذرا به شیوه معرفی امام مهدی علیه السلام در رسانه‌های غربی، به ویژه رسانه‌های مکتوب، می‌پردازیم.

در این روزگار معمولاً افراد و گروه‌ها برای انتقال پیام خود به دیگران از ابزارهای چند رسانه‌ای^۱ بهره می‌گیرند به عنوان مثال یک بنگاه خبرپراکنی، اطلاعات خود را هم در قالب روزنامه، هم از طریق کانال رادیویی و تلویزیونی و هم در سایت اینترنتی (در قالب نوشتاری، گفتاری و دیداری) به اطلاع مخاطبان خود می‌رساند. باید توجه داشت رسانه‌ها ابزار اصلی دستیابی عموم مردم به اطلاعات هستند و عملاً خوراک فکری یک جامعه، از رسانه‌ها تأمین میشود.

ابتدا باید توجه داشت که گرچه سیاست رسانه‌های غربی عدم مطرح شدن برخی مفاهیم در سطح جامعه است ولی فراگیری تکنولوژی و دسترسی مخاطبان مختلف به منابع اطلاعاتی جایگزین، رسانه غربی را گاه مجبور به ورود به عرصه‌ای خاص می‌کند تا کماکان به مخاطب خود، به شیوه خود، خوراک اطلاعاتی دهد. مسائل اسلامی مختلف مانند فرهنگ شهادت طلبی، دفاع از مفاهیم دینی و یا مهدویت نیز به همین سبب در این رسانه‌ها مورد توجه قرار گرفته‌اند.

رسانه‌های دیداری و نوشتاری غرب هر از چندگاهی به مناسبتی به موضوع مهدویت علاقه نشان داده و در قالب‌های خبر، مقاله و یا فیلم‌های مستند به این موضوع پرداخته‌اند. البته شکی نیست که توجه به مهدویت پس از



در راستای مخالفت با مفاهیم آخرالزمانی
اسلامی به ویژه آموزه مهدویت دارد. ■

*. دانش پژوه مرکز تخصصی مهدویت.
۱. رسانه (Media جمع medium) به ابزار و مجاری
ذخیره‌سازی و انتقال داده‌ها و اطلاعات اطلاق
می‌شود، با این تعریف هرگونه کتاب، روزنامه،
تصویر، فیلم، رادیو و تلویزیون و حتی منبر را می‌توان
نوعی رسانه دانست.
[http://en.wikipedia.org/wiki/Media_\(communication\)](http://en.wikipedia.org/wiki/Media_(communication))

۲. Multimedia.
۳. www.cbn.com/cbnnews/world/2011/march/iran-fanning-islams-messianic-hopes/

گزارش پخش شده در تلویزیون این شبکه
از نشانی «<http://www.youtube.com/watch?v=SvAKV3ieGio>» قابل دریافت است.

۴. "The Mahdi: Hijacked Messiah", Ron Cantrell,
Ron Cantrell Publishing; ۲nd edition, ۲۰۰۴.

۵. <http://www.amazon.com/Mahdi-Hijacked-Messiah-Ron-Cantrell/dp/0982906992>

۶. اکثر این کشورها مستعمره کشورهای اروپایی مانند انگلیس
و فرانسه بوده‌اند و یا حاکمانی وابسته یا مستبد داشته‌اند.

۷. "The Man Who Saw Tomorrow", ۱۹۸۱.

۸. "The Mahdi", A.J. Quinnell, Fawcett, ۱۹۸۳.

۹. "The Mahdi - A Millennium Thriller", Margo Dockendorf, Cypress House; ۱st edition ۱۹۹۹.

۱۰. "The Twelfth Imam", Joel C. Rosenberg, Tyndale House Publishers, Inc. ۲۰۱۱.

۱۱. "Golden Dawn", Thomas M. Kostigen, Forge Books; First Edition edition ۲۰۱۲.

۱۲. "God's War on Terror: Islam, Prophecy and the Bible", Walid Shoebat, Top Executive Media; ۱st edition ۲۰۰۸.

۱۳. "The Islamic Antichrist: The Shocking Truth about the Real Nature of the Beast", Joel Richardson, WND Books; ۲ edition, ۲۰۰۹.

۱۴. به عنوان نمونه به مقاله «احمدی‌نژاد و مهدی»
نوشته توماس هوستینگن نویسنده مطرح نیویورک
تایمز مراجعه کنید که هدف ایران از پیشرفت اتمی
را ساخت سلاح و آماده‌سازی شرایط ظهور مهدی
در آخرالزمان عنوان می‌کند! (http://www.huffingtonpost.com/thomas-m-kostigen/html.2131974_ahmadinejad-the-mahdi_b)

۱۵. به عنوان نمونه می‌توانید نمونه‌های متعدد
ویدئوهایی که از این نویسندگان در سایت‌های
dailymotion و youtube مانند ویدیوها موجود است، مشاهده کنید.

۱۶. اکثر این کشورها مستعمره کشورهای اروپایی مانند انگلیس
و فرانسه بوده‌اند و یا حاکمانی وابسته یا مستبد داشته‌اند.

۱۷. "The Man Who Saw Tomorrow", ۱۹۸۱.

یادمان نمی‌رود که تنها دو سال پس از
پیروزی انقلاب اسلامی فیلم «نوسترا داموس»؛
مردی که فردا را دید^۷ توسط هالیوود تولید و
پخش شد و در آن مسلمانان و حکومت‌های
اسلامی به عنوان نابودکننده بشر در
آخرالزمان معرفی شد. این خط فکری علاوه
بر فیلم‌های متعدد سینمایی و مستند، در
کتاب‌های مختلف حتی در ژانر داستان، قابل
مشاهده است. کتاب‌هایی مانند «مهدی»^۸
نوشته کوئینل، «مهدی، ترسی در هزاره»^۹
نوشته داکندورف و «امام دوازدهم»^{۱۰} نوشته
روزنبرگ و «فجر طلایی»^{۱۱} نوشته کوستینگن
از رمان‌های پرفروش این سال‌ها بوده‌اند که
با موضوع امام مهدی (عج) و توسط برخی از
نویسندگان و مقاله‌نویسان معروف مجلاتی
مانند نیوزویک، واشنگتن تایمز و شبکه‌های
CNN و ABC نوشته شده است.

کتاب‌های دیگری نیز هستند که در قالب
توصیفی - تحلیلی به مهدویت پرداخته‌اند
که از جمله می‌توان به «جنگ خدایی با
ترور (اسلام، پیشگویی و انجیل)»^{۱۲} نوشته
ولید شعیبیات و یا «ضد مسیح اسلامی»^{۱۳}
نوشته ریچارد سون اشاره کرد که در این گونه
کتاب‌ها با تطبیق حدیث‌های مهدویت بر
پیشگویی‌های کتاب‌های مقدس مسیحیان و
یهودیان، سعی شده است در قالبی به ظاهر
علمی، اسلام و مسلمانان را به عنوان دشمن
دین و ملت ایشان نشان دهد.

نکته در خور توجه آنکه در همه آنها امام
مهدی (عج) به عنوان کسی است که جنگی
جهانی را علیه غرب سازماندهی می‌کند و
بسیاری از مردم به ویژه مسیحیان و یهودیان
را می‌کشد و در این راستا کشورهایی مانند
ایران و گروه‌های انقلابی فعال، همچون
حزبالله و حماس را به عنوان کسانی
معرفی می‌کند که در حال تهیه سلاح‌های
کشتار جمعی برای آغاز این جنگ هستند.^{۱۴}
نکته جالب دیگر درباره این کتاب‌ها این
است که سال انتشار بیشتر آنها همین چند
سال اخیر است و نویسندگان این کتاب‌ها
و مقالات در برنامه‌های متعدد شبکه‌های
تلویزیونی دعوت می‌شوند و علیه اسلام و
خطر آن (!)، داد سخن سر می‌دهند^{۱۵} و این
نشان از توجه و تلاش روز افزون غرب

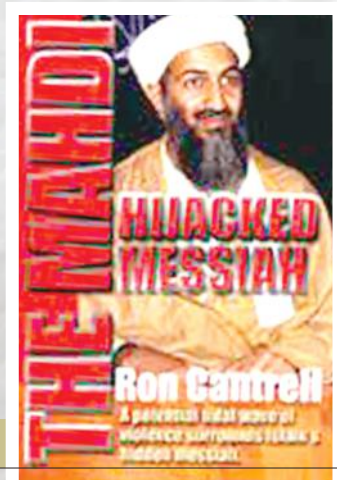
گونه‌ای زیرکانه و دقیق تحریف می‌کنند تا
همان قاعده «معرفی بد، بهترین نوع تخریب
است» عملی شود.

۲. تخریب از راه معرفی نمونه منفی؛

در این شیوه، مفهوم، در قالب مثالی عینی
منفی ارائه می‌شود که مخاطب با ملاحظه
نمونه منفی معرفی شده، از خود مفهوم، دل -
زدگی پیدا کند. برای اثبات این مطلب کافی
است نگاهی به تبلیغ طالبان و بن‌لادن
بیندازیم که به عنوان یکی از نمونه‌های
عینی کسی است که مسلمانان انتظار آمدن
چنین کسی را دارند. به عنوان مثال به کتاب
«مهدی؛ مسیح‌های به سرعت رفته»^۴ که
توسط رون کانترل نوشته شده نگاهی کنیم
که عکس بن‌لادن بر روی جلد آن نمایان
است و جزو کتاب‌های پرفروش سایت آمازون
بوده است.^۵ در این گونه کتاب‌ها مهدویت به
عنوان عقیده‌ای که منشا بسیاری از شورش‌ها
و انقلاب‌ها در کشورهای مختلف اسلامی به
ویژه ملت‌های شمال آفریقا علیه رژیم حاکم^۶
بوده‌اند، معرفی شده است.

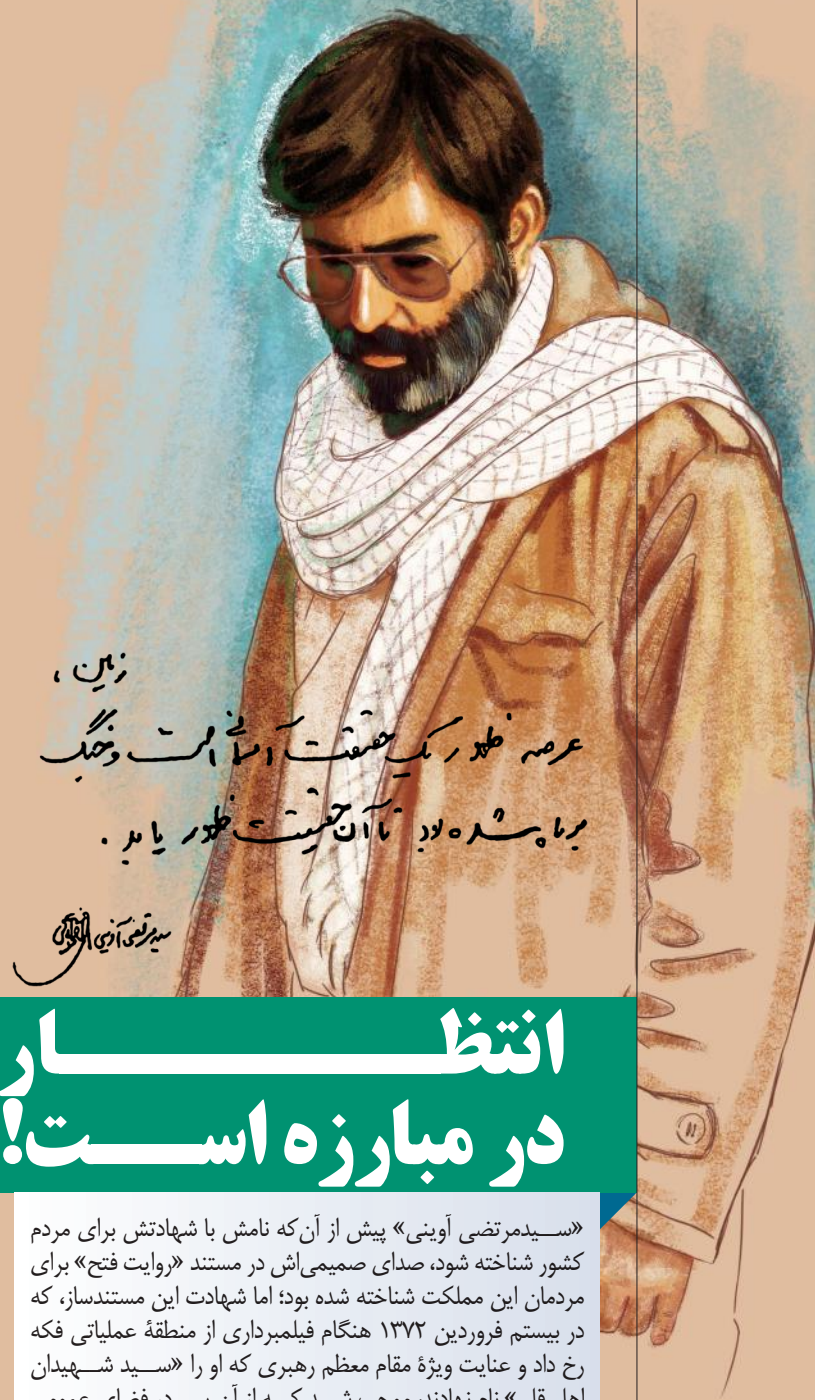
۳. تخریب از راه ایجاد ترس؛

در این روش مفهوم مورد نظر به شیوه‌ای
معرفی می‌شود که نتیجه آن ترس و رعب
مخاطب از آن مفهوم و به دنبال آن ترس
از پیروان آن است. نگاهی که امروزه در
قالب‌های مختلف اسلام‌ستیزانه در مورد
مفاهیم اسلامی و از جمله مهدویت از جانب
رسانه‌های بی‌شمار غربی تبلیغ می‌شود،
مخاطب غربی را به چنان هراسی و می‌دارد
که اسلام و مهدویت را به عنوان دشمن
شماره یک خود و دینش می‌شمارد.



آرام‌خواهی انسان
مستفزم صبر بر رنجهاست
پس بجای تو، برای جانمبارزی در راه
آرام‌ها یاد بگیر که در این سیاره رنج
صبورترین انسانها باشی

۱۵/۱/۷۲



زین،
عرصه ظهور یک حقیقت است و جنگ
برآمده از آن حقیقت ظهور یابد.

سید مرتضی آوینی

انتظار در مبارزه است!

ما پیروان راه هزاران ساله انبیا هستیم و به عهد ازلی خویش با آفریدگار متعال لبیک گفته‌ایم و برای تحقق آن عصر موعود، عصر عدالت و حاکمیت احکام خدا، قیام کرده‌ایم تا راه تاریخ را به سوی نور بگشاییم و اگر چشم دل باشد خواهد دید که این راه با بال‌های ملائکه فرش شده است.

زمانه عجیبی است، امام گذشته را عاشقند اما حاضر را نه! می‌دانی چرا؟ امام گذشته را هرگونه بخوانند تفسیر می‌کنند اما امام زمان را باید اطاعت کنند و فرمان ببرند.

حقیقت آنچه را که امروز ما در عرصه تحقق تاریخی آن حضور داریم جز از چشم روشن بین احادیث نمی‌توان باز شناخت. اکنون عصر تحقق بشارت‌های هزار و چهارصد ساله احادیث فرا رسیده است. ما انصارالمهدی هستیم و خداوند زمینه برقراری دولت کریمه آل محمد صلوات‌الله علیهم را به دست ماست که فراهم می‌کند.

رزم‌آوران دلاور عرصه دفاع مقدس ما، اگرچه در زمین گمنام هستند، اما در آسمان، در بلندترین معارج جبروتی، میان عرش نشینان، کسی از ایشان مشهورتر نیست؛ «الا انهم انصار المهدی» آگاه باشید اینان یاران وفادار مهدی علیه السلام هستند و تا پرچم انقلاب را تقدیم ساحت اقدس او نکرده‌اند، روی از جهاد بر نخواهند تافت.

امام علیه السلام به ما آموخت که «انتظار در مبارزه است» و این بزرگترین پیام او بود، و پس از او، اگر باز هم امیدی ما را زنده می‌دارد همین است که برای ظهور آخرین حجت حق، مبارزه کنیم.

عقل علمی جدید، که به تبع اطلاق احکام علوم تجربی بر کل عالم پدید آمده چه می‌تواند دریابد که «حیات بشر با حجت الله آغاز شده و به حجت الله پایان می‌گیرد»، یعنی چه؟

نمی‌دانم انسانی که تاریخ را بر «انتظار موعود» معنا نمی‌کند، چگونه می‌خواهد معانی جنگ‌ها و صلح‌ها و تحولات تاریخی و انقلاب‌ها

«سیدمرتضی آوینی» پیش از آن که نامش با شهادتش برای مردم کشور شناخته شود، صدای صمیمی‌اش در مستند «روایت فتح» برای مردمان این مملکت شناخته شده بود؛ اما شهادت این مستندساز، که در بیستم فروردین ۱۳۷۲ هنگام فیلمبرداری از منطقه عملیاتی فکه رخ داد و عنایت ویژه مقام معظم رهبری که او را «سید شهیدان اهل قلم» نام نهادند، موجب شد که از آن پس در فضای عمومی جامعه، «سیدمرتضی آوینی» معیاری شود برای هنر متعهد در جامعه ارزش‌گرای ایران که بی‌شک حضرت مهدی موعود علیه السلام از ارزشمندترین باورهای آن است. جملات مهدوی زیر که از سخنان و نوشته‌های این شهید عزیز استخراج شده است اندیشه‌های مهدوی وی را تا حدودی به تصویر کشیده است.



دوست دارم گمنام باشم!

جلوه‌هایی از محبت شهید به حضرت زهرا

سلام بر شهیدان؛ آنان که به عشق مادر شهیدان، حضرت زهرا (علیها السلام) با شجاعتی حیدرگونه می‌جنگیدند و در لحظه‌های خون و آتش به یاد آن یاس پرپر، شوق شهادت در دل آنان شعله‌ور می‌شد. آسمانیانی که راه و رسم یاری امام زمان (علیه السلام) و نایب بر حقش را از سیره عملی حضرت زهرا (علیها السلام) که شهیده راه ولایت بود، آموختند و در این راه از هیچ تلاشی دریغ نکردند. کسانی که زندگی‌شان سرشار از جلوه‌های محبت و عشق به حضرت زهرا (علیها السلام) بود که به برخی از این جلوه‌ها اشاره می‌شود.



سید علی حسینی

قبر مخفی

بسیاری از شهیدان، که محبت حضرت زهرا (علیها السلام) در وجودشان شعله‌ور شده بود، آرزو داشتند بعد از شهادتشان گمنام باشند و محل دفنشان، مانند آن قبر بی‌نشان، مخفی بماند. بسیاری از شهیدان به این آرزو رسیدند؛ هر چند جسم پاکشان بی‌نشان ماند ولی یاد و نامشان برای تمام عاشقان به یاد ماندنی شد. از پدر شهید عباس سلطانی نقل شده است: «وقتی عباس برای آخرین بار به مرخصی آمد حال و هوای دیگری داشت و با چشمانی اشک‌بار گفت: دوست دارم گمنام باشم. دلم می‌خواهد قبرم مثل حضرت زهرا مخفی باشد.» و سرانجام به آرزوش رسید و روح پاکش آسمانی شد.

به رنگ یاس

بسیاری از شهیدان علاقه داشتند که شیوه شهادتشان نیز رنگ و بویی از شهادت مظلومانه حضرت زهرا (علیها السلام) داشته باشد و سینه و پهلوی آنان آماج تیرهای دشمن قرار بگیرد تا در دفاع از حریم ولایت، مقداری همرنگ شهیده راه ولایت شوند؛ شهادتی چون مصطفی زواره‌ای که هنگام وضو گرفتن، خمپاره‌ای به پهلوی او اصابت کرد. یا فرمانده گردان «یا زهرا» از لشکر ۱۴ امام حسین (علیه السلام) که آرزویش این بود مانند حضرت زهرا شهید شود و بر روی قبرش بنویسند «یا زهرا (علیها السلام)». یکی از هم‌زمانش می‌گوید: «خمپاره‌ای خورده بود به سنگرش. وقتی رفتیم سراغش دیدیم که ترکش خمپاره به پهلوی و بازوی او خورده و عاشقانه پر کشیده است.»

بسیاری از شهیدان، مانند شهید حجت‌الاسلام عبدالله میثمی، آرزو داشتند در شب شهادت حضرت زهرا (علیها السلام) شهید شوند و به آرزوی خود رسیدند.

نشانه‌ای برای عروج

بسیاری از شهیدان برای این که شهادت نصیب‌شان شود همواره متوسل به حضرتش می‌شدند. شهیدانی چون سردار محمد اسلامی‌نسب، که ارادت خاصی هم به حضرت زهرا (علیها السلام) داشت، در عملیات کربلای چهار چون مطمئن بود شهید می‌شود با حالت گریه عاشقانه به هم‌زمش گفته بود که محال است این خانم من را شرمند کند و بعد از برخی سفارش‌ها آخرین خدا حافظی را با هم‌زمش کرد و به آرزویش رسید. عشق و محبت به حضرت زهرا در بسیاری از کارهای شهید موج می‌زد. حتی دوست داشتند پرچم‌هایی که می‌خواهند به دست بگیرند، «یا فاطمه الزهرا (علیها السلام)» روی آن نوشته شده باشد و یا سربندهایی که مزین به این نام مبارک بود را بیشتر انتخاب می‌کردند. وقتی شهید محمد ابراهیمیان در شب عملیات همه پیشانی‌بندها را ریخته بود و به دنبال سربند یا فاطمه الزهرا می‌گشت هم‌زمانش به او گفتند: «از این همه سربند یکی را بردار. مگر چه فرقی دارند؟» گفت: «دوست دارم در لحظات آخر مادرم زهرا (علیها السلام) بیاید بالای سرم و مادری کند.» ■

را دریابد؟ همه تحولات تاریخی در حیات بشر «در انتظار موعود» صورت گرفته است، چه بدانند و چه ندانند.

هیبت آنکه خواهد آمد و انتظار انسان را پایان خواهد داد از هم اکنون همه قلب‌ها را فرا گرفته است.

انقلاب اسلامی فجری است که بامدادی در پی خواهد داشت، و از این پس تا آنگاه که شمس ولایت از افق حیثیت کلی وجود انسان سر زند و زمین و آسمان‌ها به غایت خلقت خویش واصل شوند، همه نظاماتی که بشر از چند قرن پیش در جست‌وجوی اوتوپیا (آرمان‌شهر) لذت و فراغت - که همان جاودانگی موعود شیطان است برای آدم فریب خورده - به مدد علم تکنولوژیک بنا کرده است یکی پس از دیگری فرو خواهد پاشید.

جنگ ممکن است که باشد یا نباشد، اما مبارزه تمامی ندارد. تحقق اسلام در جهان و برقراری عدالت در گرو مبارزه حق و باطل است. جهاد، حافظ بقای سایر اصول و فروع دین است و آنان که این معنی را نمی‌پذیرند، یا باید بشر را در این فلاکتی که بدان گرفتار آمده است رها کنند و یا وضع کنونی بشر را مودی به عدل و صلح بدانند و منتظر باشند تا استمرار همین وضع به استقرار عدالت و صلح حقیقی بر سطح کره زمین منتهی شود. ■



لذت می‌برند. نشان دهید که مقتدر هستید. ورزش کنید. خرابی‌های خانه را سریع تعمیر و اصلاح کنید. مسئولیت‌پذیر باشید.

۷. فقط همین روز را به خاطر نداشته باشید؛ روز تولد و سالگرد ازدواجتان هم مهم است.

۸. به زن اطمینان دهید. به او بگویید که دوستش دارید. بگویید که همیشه حمایتش می‌کنید و تنهانش نمی‌گذارید. بگویید که او کانون محبت است و خانه بدون او روح ندارد.

۹. کوتاهی و غفلت‌های احتمالی همسران را به مادر و یا دیگر افراد خانواده خودتان یا حتی افراد خانواده او هم بگویید و بیشتر از صمیمیت و محبت بین خودتان صحبت کنید. به یقین نتیجه بهتری می‌گیرید.

۱۰. او را سرزنش نکنید، عیب‌جویی نکنید و به بهانه گذراندن اوقات فراغت او را به باد انتقاد و تمسخر نگیرید.

۱۱. همسران را با دیگران مقایسه نکنید. باور کنیم که استعدادها و توانایی‌های افراد با هم متفاوت است.

هدیه‌ای برای روز زن

موسی جوانشیر*

۱۲. در امور زندگی‌تان با همسر مشورت کنید؛ در غیر این صورت همسران احساس می‌کند جایگاهی واقعی، در زندگی همسرش ندارد. اگر کسی درباره مسائل شما اظهار نظر و دخالتی کرد، از محبت و توجه او با احترام تشکر کنید اما در نهایت بگویید که تصمیم نهایی را با مشورت همسران خواهید گرفت.

۱۳. خوش اخلاق باشید. به رویش لبخند بزنید ولو خسته هستید و یا حالش را ندارید. شادی شما هم شادی‌آفرین است و هم آثار زیادی بر روی فرزندانان دارد.

۱۴. وقتی ناراحت می‌شود، قهر نکنید به خصوص اگر شما هم در ناراحتی او مقصر بوده‌اید. در این مواقع او دوست دارد که به طرفش برود و به اصطلاح نازکشی کنید. این یک نیاز برای آنهاست، البته اگر از حد معمول تجاوز نکنند! لطفاً نگویید اینکار آنها را پررو و پر توقع می‌کند! به عکس، این به صمیمیت بیشتر زندگی کمک می‌کند. فقط باید این مورد با تدبیر و به اندازه باشد.

۱۵. هیچ گاه به پدر و مادر و یا خانواده‌اش توهین نکنید و از این راه از او انتقام نگیرید.

۱۶. از همسران در مقابل دیگران و سخن‌چینان حمایت کنید فقط شنونده این گفت‌وگوها نباشید.

۱۷. محبت و وفاداری خود را بین خانواده خود و همسران متعادل قسمت کنید. به همسر و پدر و مادر خود بقبولانید که هر کسی جایگاه خودش را دارد و شما باید این امر را مدیریت کنید. باید بپذیریم که بیشترین سهم از این وفاداری، حق همسران است نه دیگران؛ چون او شریک زندگی شماست. ■

* کارشناس ارشد مهدویت.

روز ولادت حضرت زهرا (ع) به نام روز زن نامگذاری شده است. شما به عنوان ارادتمند به حضرت زهرا (ع) و فرزند بزرگوار ایشان حضرت مهدی (ع) چگونه از همسران قدردانی می‌کنید؟ این روز را به او تبریک می‌گویید؟ برایش گل، شیرینی یا هدیه می‌خرید؟ کارتان را تعطیل می‌کنید که در کنار همسران بگذرانید؟ برای تفریح یک روزه اقدام می‌کنید؟ به نظر شما، خانم‌ها کدام یک را بیشتر دوست دارند؟ پیشنهادهای ما را بخوانید:

۱. زنان از این که احساسات و عواطفشان درک نشود، هراسناکنند. بیایید نیازها، شادی، کسالت و ناراحتی آنها را درک کنید و نسبت به این امور، عکس‌العمل مناسب نشان دهید.

۲. زنان با صحبت کردن آرام می‌شوند. همین که شروع به تعریف کردن می‌کنند، انگار که آن مسئله به بهترین شکل حل شده است. پس بگذارید حرف بزنند. او را از تعریف کردن و صحبت کردن، باز ندارید.

۳. به حرف آنها خوب گوش کنید. وانمود نکنید که می‌شنوید، بلکه با دقت به حرف‌ها و درد دلشان گوش کنید. گوش کردن به صحبت‌های آنها بیش از هدیه و گل و شیرینی، صمیمیت را در دلشان می‌کارد.

۴. هرگز زن را جلوی دیگران خرد نکنید. فقط خدا می‌داند که احترام گذاشتن به زن چقدر برایش لذت‌بخش است. هنگام ورود یا خروج از دری. زن لذت می‌برد اگر بشنود: «اول خانم‌ها» و او جلوتر برود. پیش بچه‌ها، فامیل و حتی غریبه‌ها با او خیلی محترمانه صحبت کنید.

۵. زن به توجه نیاز دارد. به فعالیت‌های روزانه‌اش توجه کنید. نگاهش کنید. در مهمانی‌ها گاهی هم به دنبال او بگردید. وقتی چیز جدیدی خریده است، فقط نگویید: خوبه! اگر خوب نبود که نمی‌خرید؛ باید به او بگویید: «خیلی بهت میاد، فوق‌العاده است.»

ع. زن دوست دارد مردش مقتدر باشد. زنان از تماشای قدرت همسران



دیشب تا کی بیدار بودید؟ چراغ اتاقتان روشن بود؟ چرا غذای خوبی برای پسرمر درست نمی‌کنی؟ چرا اسراف می‌کنی؟ همه عروس دارند، ما هم عروس داریم؟ اینقدر ولخرجی نکن! صد بار به این پسر گفتم دختر خاله‌ات بهتره ولی گوش نکرد...

اینها حرف‌های مادر شوهر من است. چه کنم؟ او به همه چیز من اعتراض دارد؛ به ساعت خوابم، خوراک درست کردنم، بیرون رفتن من و شوهرم، محبت بین من و شوهرم، رابطه من با پدر و مادرم و... وقتی از مادر شوهرتان ناراحت می‌شوید چه می‌کنید؟ قهر می‌کنید؟ بی‌اعتنایی می‌کنید؟ یا نه؛ حسابی به خدمتش می‌رسید و انتقام می‌گیرید؟ شاید هم پیش شوهرتان گله می‌کنید و از او می‌خواهید که با مادرش درگیر شود؟ یا از آن دسته افراد هستید که در دل خودتان نگه می‌دارید و خود

خوری می‌کنید؟ چه؟ خانه‌شان نمی‌روید؟ تا به حال فکری برای حل این مسئله کرده‌اید؟ نکات زیر را بخوانید؛ شاید یک نفر کوتاه آمد و مشکل حل شد.

● از آداب و رسوم خانواده همسران اطلاع کسب کنید؛ مثلاً چه چیزهایی می‌خورند؟ اهل شوخی و جوک و خنده هستند یا نه؟ مذهبی هستند یا نه؟ چگونه لباس می‌پوشند؟ نحوه رفتارشان با هم و با افراد بیرون خانواده چگونه است؟

● قبول کنید که شما فقط با یک فرد ازدواج نمی‌کنید، بلکه با یک خانواده جدید همراه شده‌اید؛ پس برای شناخت خانواده همسران وقت بگذارید. دقت کنید که همسران با پدر و مادرش چگونه رفتار می‌کند؟ تصور نکنید که خانواده همسران دقیقاً مانند خانواده خودتان هستند. در برابر اختلافات فرهنگی صبور باشید و تهاجمی برخورد نکنید. تصور نکنید که اگر در برابر خواسته مادر یا پدر همسران کوتاه بیایید کوچک می‌شوید.

● هنگام خرید هدیه و سوغات، بین مادر خودتان و مادر شوهرتان تعیض قائل نشوید. ● پشت سر مادر شوهرتان غیبت و بدگویی نکنید؛ اگر از او ناراحتید پیش دیگران درد دل نکنید.

● وقتی حرفی از او می‌شنوید، فکر کنید که اگر مادر خودتان همان حرف را می‌زد چه عکس‌العملی از خود نشان می‌دادید؟ پس سعی کنید بدون بدبینی و پیش داوری با او معاشرت کنید؛ شاید قصد بدی نداشته است.

● ببینید ریشه ناراحتی او از کجاست؟ از چه چیزهایی بدش می‌آید؟ مشکل را رفع و علاج کنید!

● با مادر شوهرتان مشورت کنید؛ مشورت خواستن یعنی اهمیت دادن به او شاید راه حل خوبی به شما پیش‌نهاد کند.

● مادر همسران را با مادر خودتان مقایسه نکنید و پیش او، از مادر خودتان تعریف نکنید. به هر حال اوست که همسر شما را بزرگ کرده و به جایی رسانده است که شما تصمیم گرفته‌اید تا آخر عمر در کنارش زندگی کنید. او هم مادر است.

● برای بهتر شدن رابطه کمی شوخ طبعی با خانواده همسر می‌تواند خیلی مؤثر باشد. اگر کنایه‌ای به شما می‌زند سعی کنید با کمی لبخند و طنز آن را با شوخی رد کنید. عصبانیت اوضاع را بدتر می‌کند.

● حرف‌تان را روشن و واضح بزنید؛ اگر می‌بینید خانواده همسر با شما مشکل دارند و به شما اجحاف می‌کنند رو در رو مشکلاتان را به آنها بگویید. سعی نکنید حرف‌تان را از طریق شخص دیگری به گوش آنها برسانید. ● گاهیگاهی محبت‌ها و خوبی‌های گذشته، که مادر شوهرتان به شما و خانواده‌تان کرده است را پیش شوهرتان به زبان بیاورید و از مادرش قدردانی کنید!

● به یاد آورید که با خودتان می‌گفتید: وقتی ازدواج کنم با مادر شوهرم رابطه صمیمانه‌ای خواهم داشت. مادر شوهرم را مثل مادر خودم دوست خواهم داشت و به او محبت خواهم کرد.

● فراموش نکنید که همه ما، دوستداران آن امام زمان هستیم؛ محبت با دوستداران آن حضرت، مثل ابراز محبت به خود اوست. پس مادران را از محبت خود محروم نکنید.

خانه برگشت. طبق دستور اقدام کرد و هر روز کمی از معجون را در غذای مادر شوهر می‌ریخت و با خوشرویی و محبت به او می‌داد و بد اخلاقی‌های مادر شوهرش را هم تحمل می‌کرد. هفته‌ها گذشت و کم‌کم مادر شوهر تحت تأثیر محبت‌های عروس قرار گرفت و اخلاقش با او بهتر شد؛ در نتیجه او هم با عرووش مهربان و صمیمی شد. روزی دختر پیش داروساز آمد و گفت: «من دیگر از مادر شوهرم متنفر نیستم و حالا او را مثل مادر خودم دوست دارم و دیگر نمی‌خواهم او بمیرد؛ لطفاً دارویی بده تا سم‌ها را از بدنش خارج کند.» داروساز لبخندی زد و گفت: «نگران نباش؛ آن معجون سمی نبود، بلکه سم در ذهن خود تو بود که نمی‌توانستی با مادر شوهرت کنار بیایی و حالا با گذشت و مهربانی آن سم از ذهن تو خارج شده است!»

جرعه‌ای محبت

دختری ازدواج کرد و رفت خانه شوهر؛ ولی نمی‌توانست با مادر شوهر کنار بیاید. هر روز با هم جر و بحث می‌کردند. یک روز رفت پیش یک داروساز که دوست صمیمی پدرش بود. از او خواست تا سمی به او بدهد که به مادر شوهرش بخوراند و او را بکشد. داروساز گفت: «اگر سمی قوی بدهم و او کشته شود همه به تو شک خواهند کرد. من معجونی به تو می‌دهم. هر روز مقدار کمی از آن را در غذای مادر شوهرت بریز تا سم در بدن او اثر کند. کسی هم به تو شک نمی‌کند.» و توصیه کرد: «برای اینکه به تو شک نکنند، سعی کن از خودت ناراحتی و دلخوری نشان ندهی، صبور باش و تا می‌توانی به او محبت کن.» عروس معجون را گرفت و با خوشحالی به



با خرافات مبارزه کرد. کسانی دارند روز به روز خرافات جدیدی را وارد جامعه ما می‌کنند. مبارزه با خرافات را باید جدی بگیرید، این روش علمای ما بوده...»^۳

۳. دخالت افراد غیر متخصص در مطالب دینی و فاصله گرفتن کارشناسان مذهبی از مخاطب

امروزه، اگر در امور دینی، به افراد غیر متخصص اجازه فعالیت داده شود و عرصه برای آنان باز باشد، با جلسات و امکانات متعدد، مسیر اصلی دین را به انحراف می‌کشانند، تصویر دین را وارونه می‌کنند و دستاویز دشمنان اسلام می‌گردند؛ مانند عوامل تولید مستند «ظهور بسیار نزدیک است» که با تعیین زمان ظهور و تطبیق دادن علایم ظهور، جامعه مهدوی را همراه کرده بودند. عده‌ای نیز با ادعای ارتباط با امام زمان (عج)، در پی بخشش گناهان افراد (!) و دادن دستورات سیر و سلوکی، ضمن انحراف افراد، روز به روز بر ادعای خود می‌افزایند. سید عبدالرضا غرابات یکی از این افراد است که به بهانه ارتقای معنویت از سال ۷۴ فعالیت‌های خود را آغاز کرد و در سال ۷۸ ادعا کرد که شعیب بن صالح است، سپس مدعی شد سید یمانی است، بعد هم ادعای امام زمانی کرد و هر چیز حلال را حرام و حرام را حلال اعلام کرد، تا اینکه در سال ۸۲ ادعای خدایی هم کرد! اگر افراد متخصص در عرفان و معنویت، مطالب معنوی و سیر سلوک را به گونه‌ای طراحی و بر اساس میناها بیان می‌کردند و مطالب مرتبط با مهدویت و ظهور امام زمان (عج)، توسط کارشناسان بیان می‌شد، عرصه برای این شیادان باز نمی‌شد و کار به جایی نمی‌رسید که عده‌ای جریان مدیریت امام زمانی را مطرح کنند و استکبار هم در تحلیل‌های خود جریان مهدویت و ولایت فقیه را مورد حمله خود قرار دهد.

چنانکه پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «هر کس بدعتی گزارد و یا به بدعت‌گذار امکاناتی بدهد، به لعنت خدا و ملائکه و تمام مردم گرفتار می‌گردد.»^۱

خاستگاه‌های بدعت

هر چند این عمل تحریم شده است، ولی باز کم نیستند کسانی که بدعت‌گذاری می‌کنند و جمع‌کنند را به انحراف می‌کشانند. پرسش این است که چرا این افراد با دین مردم بازی می‌کنند و جامعه را به انحراف می‌کشانند؟

۱. عدم نگاه جامع به دین

در جامعه‌ای که مردم به دین توجه دارند، باید مطالب دینی را با معرفت و بصیرت لازم و بر اساس میناهای عقلی و نظری بیان کرد و دین را، نه در بخشی از زندگی افراد، بلکه در تمام شئون زندگی آنان لحاظ کرد. مسائل دینی باید در تمام مراحل زندگی کاربردی باشد و انسان بفهمد که دین در تمام امور برای او برنامه دارد. دین باید با محوریت قرآن و عترت، روح حاکم بر جامعه و زندگی باشد، نه بخشی از جامعه و زندگی.

۲. عدم تبیین و روشن‌گری مناسب از مطالب دینی توسط عالمان دینی

عالمان و دانشمندان، وظیفه دارند که مطالب را بر اساس مخاطبان، به خوبی تبیین کنند و میدان‌دار مسائل دینی باشند و شبهات دینی را رصد کنند و پاسخ بگویند. اگر عالمان دینی فعال نباشند، نادانان مطالب را با بدعت و خرافه می‌آمیزند و جریان‌سازی می‌کنند. پیامبر اسلام (ص) می‌فرماید: «وقتی در میان امت من بدعت آشکار شد، دانشمندان و عالمان باید علم خود را آشکار سازند، اگر آشکار ن سازند لعنت خدا بر آنها باد»^۲. مقام معظم رهبری می‌فرمایند: «در کنار ترویج و تبلیغ معارف اصیل دینی و اسلام ناب، باید

خداوند متعال، انبیای الهی و بعد از آنان، امامان را به عنوان حجت، راهنما و دعوت‌کنندگان مردم به سوی حق تعالی، فرستاده است؛ اما همواره گروهی بر اثر غفلت، جهل و عناد، از مسیر توحید منحرف شده، به دام شیادان و منحرفان افتاده‌اند.

در دوران ائمه (ع) هم بحث بدعت‌ها و خرافات، دامن‌گیر مسلمانان بود و اهل بیت (ع) هم همواره بر اساس قرآن و سنت پیامبر اکرم (ص)، با این بدعت‌ها مبارزه و روشن‌گری می‌کردند.

در عصر حاضر هم با توجه به خلاءهای معنوی و نیاز مردم به معنویت و مهدویت، عده‌ای به جای اینکه مردم را به سوی خدا دعوت کنند، به سوی اشخاص سوق می‌دهند؛ یا با دادن دستوراتی که بر خلاف تعالیم اسلام و شرع است، آنان را به سوی اهوری دعوت می‌کنند که انسان‌ها را از اخلاق، خرد و خردورزی جدا می‌سازد.

بدعت چیست؟

بدعت در لغت، به معنای عمل بی‌سابقه و نو است و در اصطلاح، هر نوع تصرف در دین را گویند؛ به عبارت دیگر بدعت یعنی: دستورات دینی را با توجه به شرایط خود کم و یا زیاد کردن و در نهایت این دخل و تصرف را جزو دین معرفی کردن و به خدا و پیامبر (ص) و اهل بیت (ع) نسبت دادن؛ یعنی چیزی را که ریشه در شریعت و دین ندارد، به دین اضافه شود. چنین عملی در شریعت نبوی ممنوع و بدعت‌گذار هم ملعون شمرده شده است،



چرا نام من را در کنار نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه بردید؟

در جلسه ای با حضور آیت الله العظمی حاج شیخ لطف الله صافی (دام ظلّه) ذکر خیری از حضرت آیت الله العظمی بروجردی شد. ایشان خاطره ای نقل فرمودند:

روزی در بیت مرحوم آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله مجلس روضه برپا بود. ولی هنوز خود آقا تشریف نیاورده بودند. شخصی از میان جمعیت گفت: «برای سلامتی امام زمان عجل الله تعالی فرجه و حضرت آیت الله العظمی بروجردی رحمه الله صلوات ختم کنید!»

یک مرتبه از داخل بیت، صدای در شنیده شد. آقا آمدند و فرمودند: «کی بود که نام مرا در کنار نام امام عصر عجل الله تعالی فرجه برد.» یعنی می بایست با فاصله و ترتیب نام می برد.

این درسی است برای ما که احترام و جایگاه افراد همزمان حفظ شود. هرچند موقعیت و جایگاه آیت الله بروجردی رحمه الله بسیار بالاست؛ اما آیت الله بروجردی رحمه الله آوردن نام خودشان را در کنار نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه مناسب نمی دانستند.

راوی: ابوالقاسم عالمی دامغانی

۴. عدم درک عمیق دین

گروهی با بزرگ‌نمایی برخی انحرافات و بدعت‌هایی که عده‌ای عوام آن را مسلم گرفته‌اند، آن را به اصل دین مربوط می‌دانند. مثلاً عده‌ای از روی جهل و عدم توجه به مبانی دین و یا از روی عوام‌فریبی و هوا و هوس، جلساتی را برگزار می‌کنند که جای بسی تأمل و شگفتی است؛ مثلاً برگزاری نماز جمعه و جماعت به امامت امام زمان عجل الله تعالی فرجه و یا اضافه کردن نام امام زمان عجل الله تعالی فرجه در اذان. از آن سو عده‌ای هم مثل وهابیان همین بدعت‌ها را به عنوان یک اصل اعتقادی، تحلیل می‌کنند و به کل مسلمانان و شیعیان اتهام می‌زنند.

۵. خیال‌پردازی و داستان‌سرایی‌های بی‌اساس گروهی با اهداف شخصی و مادی و یا برای زدن ریشه دین، با توهم و خیال‌پردازی، داستان‌هایی از ملاقات با امام زمان عجل الله تعالی فرجه مطرح می‌کنند و از شخصیت‌هایی نام می‌برند که حتی وجود خارجی هم نداشته و اگر هم دارند، ادعایی نداشته‌اند.

اینان برای اینکه خودشان را بالا ببرند آن افراد را تا حد عارف، فیلسوف و به نوعی یک انسان آسمانی مطرح می‌کنند و داستان‌هایی از آنها بیان می‌کنند که جای تأمل جدی دارد. گروهی هم با بیان مطالبی نظیر افسانه جزیره خضرا که وجود خارجی ندارد، سعی در بیان مطالبی دارند که خارج از مبانی مهدویت است و یا با خواب و خیال، مکانی را مقدس معرفی می‌کنند تا مردم به آنجا اقبال کنند. به هر حال باید بدانیم اگر جلوی این بدعت‌گذاری‌ها گرفته نشود، روز به روز انحراف‌ها بیشتر خواهد شد.

چند یادآوری

۱. دین باید با محوریت قرآن و عترت، روح حاکم بر جامعه و زندگی منتظران باشد.
۲. انسان منتظر نباید دست از کسب معرفت و بصیرت بردارد و باید رابطه خود را با عالمان دینی و متخصصان مهدویت جدی بگیرد و سعی در ارتقای معرفت خود و جامعه داشته باشد.
۳. انسان منتظر باید در جاهلیت مدرن علم‌سالاری، جای خود را به خدا سالاری بدهد و غایت او باید خدا محوری باشد.
۴. انسان منتظر باید مراقب باشد تا مبادا از روی جهل و غفلت، بدعتی در دین ایجاد کند و یا از بدعت‌گذاری حمایت کرده و باعث گمراهی دیگران شود، پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله می‌فرماید: «کسی که بازوی باز بدعت‌گذار را بپذیرد به ویران ساختن دین خود کمک کرده است»^۱.
۵. انسان منتظر نباید هر چیزی که مغایر مبانی دینی و فاقد دلیل است بپذیرد و اگر در موردی تردید داشت، باید از اهل فن و عالم دینی بپرسد.

* معاون تبلیغ مرکز تخصصی مهدویت.

۱. وسائل الشیعه، حر عاملی، ج ۲۹، ص ۲۸؛ سنن ابی داود، ج ۲، ص ۳۷۵.

۲. بحار الانوار، ج ۲۷، ص ۶۵.

۳. سخنرانی در جمع روحانیان استان سمنان (۱۳۸۵/۱/۱۷).

۴. سفینه البحار، ج ۱، ص ۶۳.

موضوع مهدویت همواره در کنار سایر دعوت‌های رسالت و اخبار از ملاحم و غیب‌گویی و آینده جهان مطرح بوده و اصالت آن در همه اعصار مورد اتفاق همه محدثین اسلام است و کتاب‌های حدیث نیز در مرور زمان این اصالت را حفظ کرده است، که هر مؤمن به کتاب و سنت، انتظار آن جهان آینده و دوره درخشان و روز بزرگ الهی را دارد. در جهان امروز نیاز به مباحث زیر بنایی در عرصه دین با توجه به حرکت مردم به طرف دین و حرکت استعمار برای مقابله با اندیشه دین و امری ضروری به نظر می‌رسد. تأسیس انجمن علمی مهدویت در حوزه علمیه و آغاز به کار آن در سال ۱۳۹۰ در راستای ورود به مباحث نظریه پردازی، توجه دادن همگان به مفهوم وسیع جهانی و وحیانی مهدویت و زدودن خرافات و پیرایه‌ها و اندیشه‌های غیر دینی و پاسخ دادن به شبهات و ارائه مکتب واقعی انتظار است. در همین راستا گفت‌وگویی با حجت‌الاسلام والمسلمین دکتر محمد تقی ربانی مسئول انجمن مهدویت حوزه انجام دادیم که در ادامه می‌خوانید.

مهدویت به چه معناست؟

در شیعه، مهدویت، به عنوان یک تابلو از آینده است که می‌تواند فراروی زندگی امروز بشر باشد؛ یعنی ما مهدویت را به عنوان تابلویی جامع و کامل از تحقق دین و زندگی دینی انسان، می‌دانیم؛ به عبارت دیگر مهدویت یعنی همان اسلام پیاده شده در متن جامعه.

مهدویت بشارت آمدن یک منجی است. منجی‌ای که دارای دو ویژگی نجات‌بخشی و ظلم‌ستیزی است؛ یعنی ظلم و ستم را از بین می‌برد و عدالت را برقرار می‌کند و جامعه جهانی را نجات می‌دهد.

به نظر شما مهم‌ترین ریشه در مهدویت چه چیزی می‌تواند باشد؟

می‌شوند و به انحراف کشیده می‌شوند، به خاطر این است که نتوانسته‌اند با حضرت ارتباط برقرار کنند و مقام و منزلت امام را بشناسند؛ اما کسی که امام را شناخت و انوار وجودی آن حضرت را درک کرد، از حیرت و انحرافی که در عصر غیبت هست دور می‌شود. مسئله شناخت و معرفت حضرت از مهم‌ترین مسائل است؛ چرا که با این شناخت و معرفت، ایمان شخص به مهدویت و آثار و برنامه‌های امام، افزایش می‌یابد و می‌تواند مهدویت را به عنوان زیباترین تابلو، پیش رو بگذارد و خود را برای آینده آماده کند. چشم‌انداز آرمانی این تابلویی که پیش روی بشر است چیست؟ قله‌اش کجاست که ما به سمت آن قله حرکت کنیم؟

تابلویی را که مهدویت در پیش روی ما قرار می‌دهد، همان تابلوی اسلام است، با همان معنای ناب و صحیح خودش و آن چیزی که بر پیامبر اسلام ﷺ ابلاغ شده است.

خیلی مواقع که مباحث مهدویت را مطرح می‌کنیم و قله را نشان می‌دهیم می‌پرسند راهکار چیست؟ برای رسیدن و تشکیل جامعه منتظر، برنامه راهبردی چه چیزی می‌تواند باشد؟

نباید به راه‌های جدا شده از دین توجه کنیم؛ مثلاً بگوییم ما یک تشکیلات مستقل و جدا از مؤمنان هستیم و حدود و تعریف‌های ما مشخص است. اگر بخواهیم جدای از این حرکتی که مؤمنان، شیعیان پاک، تحت تأثیر زعامت علما و بزرگان دارند، حرکتی داشته باشیم و یک راه مستقل و تافته جدا

مهدویت به عنوان یک تابلوی از آینده است که می‌تواند فرا روی زندگی امروز بشر باشد؛ یعنی ما مهدویت را به عنوان یک تابلویی جامع و کامل از تحقق دین و زندگی دینی انسان، میدانیم؛ به عبارت دیگر مهدویت یعنی همان اسلام پیاده شده در متن جامعه.

زیباترین تابلو

بافته‌ای داشته باشیم، چه بسا در آغاز کارها دوراندیشی و دقت می‌کنیم؛ اما چون یک حرکت مستقل و جدای از مؤمنان تعریف می‌شود، معمولاً در یک گذرگاه‌هایی می‌مانیم و نمی‌توانیم عبور کنیم و به راه‌های تاریکی می‌رسیم؛ بنابراین نباید از جمع مؤمنان، شیعیان، دین‌داران و کسانی که معتقد به راهی هستند که صاحب و مولايمان آن را معین کرده است، دور شویم و آن راه این است که باید از حجت‌های خداوند و راویان احادیث آنها فرمان ببریم و پیروی کنیم.

طبق تعریفی که بیان شد، مهدویت مربوط به آینده بریده از امروز نیست. به عبارت دیگر تحقق مهدویت هر چند در زمان آینده خواهد بود، اما برای جامعه امروز هم یک آرمان و یک تابلو، قابل استناد است. بنابراین اگر بتوانیم خود حضرت را خوب بشناسیم و بین امام و پیروانش ارتباط برقرار کنیم، بسیار کارگشاست؛ چون اگر کسی ایمان و وعده‌های الهی که خداوند در قرآن به مؤمنان داد را فهمید و پذیرفت، به آن علاقه‌مند می‌شود و بر آن اصرار می‌کند و منحرف نمی‌شود. کسانی که از اردوگاه شیعه گم



عکس: سپید علی حسینی لیلوری

برای منتظران آن حضرت چه برنامه‌ای را سفارش می‌کنید؟

در فعالیت‌های مهدوی باید به دو نکته توجه کنیم، یکی این که باید تلاش بیشتری کنیم، شتاب بیشتری به کارها بدهیم، باید بتوانیم عقباقتادگی‌ها و کم‌کاری‌هایمان را جبران کنیم؛ دوم اینکه امام را حاضر و ناظر بر کارهایمان ببینیم؛ با ایشان رابطه قلبی برقرار کنیم؛ برای حضرت دعا کنیم، روز را با نام حضرت آغاز کنیم، شب نیز با نام و یاد حضرت به خواب رویم!

از میان فعالیت‌های مهدوی، آن چه که بیشتر به چشم می‌خورد، مراسمی است که در طول سال برای یادبود آن حضرت برگزار می‌شود، به خصوص در ایامی که منتسب به ایشان است؛ مثل نیمه شعبان و یا روز مهم نهم ربیع که آغاز امامت آن حضرت است. اولاً سعی کنیم این مراسم را پرشور و فراگیر برگزار کنیم. این موضوع جزو شعائر الهی و تعظیم و تکریم این شعائر است؛ بنابراین قابل دفاع هم هست. این تعظیم و تکریم، برکات فراوانی دارد؛ از جمله اینکه می‌تواند پیوندهای ما را با مسائل دینی و معتقدات، مستحکم‌تر کند و همین، رمز حمله دشمنان به نمادهای شیعی است.

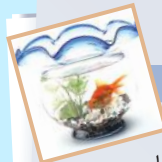
ثانیاً به محتوا و باطن این مراسم هم توجه داشته باشیم و خودمان را در این مجالس رشد دهیم. به عنوان مثال، حضرت مهدی علیه السلام

امام عدل‌گستر و ظلم‌ستیز است؛ بر این اساس ما به عنوان پیروان آن حضرت، باید عدالت‌طلبی و ظلم‌ستیزی را در خودمان پررنگ کنیم و با مظاهر ظلم و

**مهدویت بشارت آمدن
یک منجی است. منجی‌ای
که دارای دو ویژگی
نجات‌بخشی و ظلم‌ستیزی
است؛ یعنی ظلم و ستم را
از بین می‌برد و عدالت را
برقرار می‌کند و جامعه
جهانی را نجات می‌دهد.**

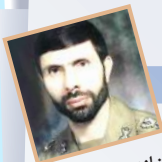
بی‌عدالتی در محیط اطرافمان مبارزه کنیم. ثالثاً در مجالسمان دو پایه تولی و تبری را به شکلی صحیح در کنار هم داشته باشیم و مراقب باشیم این مراسم موجب نشود دشمن از همین محافل بر ضد شیعه استفاده کند. ما حق نداریم به عنوان شیعه و در مراسم مذهبی و دینی، بر خلاف مصالح عمومی و خلاف تأکید بزرگان عمل کنیم. اصلاً شیعه یعنی مطیع امر بودن.

ایام عید



ایام عیدی بود. جبرئیل دو پیراهن از پارچه‌های بهشتی را تقدیم رسول خدا کرد و لبخند زد. پیامبر نگاهی به پیراهن‌های زیبا کرد و پرسید: «این پارچه و پیراهن چیست و برای کیست؟» جبرئیل به یاد آورد چندی پیش را که حسن و حسین (علیهم‌السلام) با لباس‌های کهنه و مندرس از کوچه به خانه آمدند. سلام کردند و گفتند: «مادر جان! بچه‌های مدینه برای عیدشان لباس نو دوخته‌اند. آیا برای عید ما لباس نو تهیه نمی‌کنی؟» فاطمه (علیها‌السلام) می‌دانست که تهیه لباس برای دو کودکش، میسر نیست؛ اما پاسخ داد: «ان شاء الله و به خواست خدا برایتان لباس دوخته می‌شود.» جبرئیل همه ماجرا را برای پیامبر (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) تعریف کرد و پس از لحظه‌ای سکوت، ادامه داد: «آنگاه که فاطمه (علیها‌السلام) به فرزندانش فرمود ان شاء الله برایشان لباس دوخته می‌شود، خداوند نیز با شنیدن آن کلام فاطمه (علیها‌السلام) فرمود: سزاوار نیست فاطمه را در این گفتارش تکذیب کنیم.» جبرئیل ساکت شد و رسول خدا زیر لب ذکر گفت. اتاق پر از بوی بهشتی و نور شده بود.^۱

۲۱ فروردین شهادت علی صیاد شیرازی



خیلی از زن‌ها دوست دارند مردشان در کار خانه کمکشان کند؛ ولی من دوست نداشتم علی توی خانه کار کند. ناراحت می‌شدم. روزهایی که خانه بود، در کار خانه کمکم می‌کرد. یک روز جمعه صبح، دیدم پایین شلوارش را تا کرده، زده بالا، آستین‌هایش را هم، پرسیدم «حاج آقا، چرا این طوری کرده‌ای؟» رفت طرف آشپزخانه. گفت: «به خاطر خدا و برای کمک به شما.» رفت توی آشپزخانه و وضو گرفت. بعد هم شروع کرد به جمع و جور کردن. رفتم که نگذارم. در را رویم بست: «خانم! برید بیرون مزاحم نشید!» پشت در التماس می‌کردم: «حاج آقا، شما را به خدا، بیا بیرون ناراحت می‌شوم. خجالت می‌کشم.» می‌گفت: «چیزی نیست، الآن تمام می‌شود، می‌آیم بیرون.»

آشپزخانه را مرتب کرده بود. ظرف‌ها را چید سر جایش. روی اجاق گاز هم مرتب بود.

کف آشپزخانه را شسته بود. همه چیز از تمیزی برق می‌زد. نمی‌دانستم در مقابل این همه محبت به علی چه بگویم. مسافرت هم که می‌رفتیم، خیلی هوای بچه‌ها را داشت و می‌گفت: «بچه‌ها رو نگه می‌دارم، لااقل شما هم کمی راحت باشید.» بیست و دو سال با علی زندگی کردم. سخت بود؛ ولی راضی بودم. الآن هم راضی‌ام. اگر بخوایم درباره آن روزها حرف بزنم، می‌گویم من در کنار علی خوشبخت بودم.

۲۵ فروردین شهادت حضرت زهرا (علیها‌السلام)



سوم جمادی الاول
مولا علی (علیه‌السلام) همسرش را شبانه و پنهانی به خاک سپرد. سپس با دلی آکنده از درد و رنج، رو به سوی مزار رسول خدا (صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم) کرد و درد دل‌هایش آغاز شد: «ای رسول خدا! پس از او، آسمان و زمین در منظر نگاهم زشت می‌نماید. اندوهم جاودانه شده و شیم در بی‌خوابی می‌گذرد و غم، پیوسته در دل است تا خدا مرا در جوارت ساکن گرداند. غصه‌ای دارم که از شدتش، دل به خون نشسته است و اندوهی دارم بهت‌آور. چه زود جمع ما را به پریشانی کشانید و میان ما جدایی افکند. تنها به سوی خداوند شکایت می‌برم. به زودی، دختری از همدست شدن امت بر ربودن حقش به تو خبر خواهد داد. تمام سرگذشت را از او بپرس و گزارش را از او بخواه، چه بسا درد دل‌هایی که چون آتش در سینه‌اش می‌جوشید و در دنیا راهی برای گفتن و شرح دادن آن نیافت. او هم اکنون می‌گوید و خداوند هم داوری می‌کند و او بهترین داوران است. سلام بر شما، سلام وداع‌کننده‌ای که نه خشمگین است و نه دلتنگ، اگر بروم، به خاطر دلتنگی‌ام نیست و اگر بمانم، به خاطر بدگمانی به خدا از آنچه به صابران وعده داده است، نباشد. آه، آه، صبر، آرام‌بخش و زیباست و اگر بیم چیرگی ستمگران نبود، برای همیشه چون معتکفان در اینجا می‌ماندم و شیون سر می‌دادم و سیل آسا می‌گریستم...»

روزها و رازها

معصومه سادات میرغنی



۱۲ اردیبهشت شهادت استاد مطهری

از دوستان استاد بود و بیشتر وقتها پای سخنرانی‌های ایشان می‌نشست. آمده بود نزدش که هشدار دهد. می‌ترسید که ساواک و مأمورانی که همه جا پخش هستند، از متن سخنرانی‌هایش جملاتی را بیرون بکشند و او را دستگیر کنند. نفس عمیقی کشید. رو به استاد کرد و گفت: «بهتر است فلان مطلب را عنوان نکنید؛ فعلا مصلحت نیست در سخنرانی‌هایتان آن را بگویید».

استاد با جدیت نگاهش کرد و پاسخ داد: «این حرف‌ها نیست. این را باید گفت: عقیده است. انحراف فکری به وجود می‌آید و من نمی‌توانم در برابر انحراف عقیده و فکر که در بین جامعه اسلام به وجود بیاید، آرام باشم». دوستش با اصرار گفت: «خواهش می‌کنم. شاید شنیدنش برای جمعی گران آید و موجب دردسر شود».

این بار با قاطعیت بیشتری گفت: «گران باشد، باید این مطلب بیان شود».

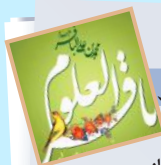


ولادت حضرت زهرا (ع) و روز زن

۲۰ جمادی‌الثانی

«زنی که در حجره‌ای کوچک و خانه‌ای محقر، انسان‌هایی تربیت کرد که نورشان از بسیط خاک تا آن سوی افلاک و از عالم ملک تا آن سوی ملکوت اعلا می‌درخشد. صلوات و سلام خداوند متعال بر این حجره محقری که جلوه‌گاه نور عظمت الهی و پرورش‌گاه زیدگان اولاد آدم است. این خانه کوچک فاطمه (ع) و این افرادی که در آن خانه تربیت شدند که به حسب عدد، چهار - پنج نفر بودند و به حسب واقع، تمام قدرت حق تعالی را تجلی دادند، خدمت‌هایی کردند که ما را و شما را و همه بشر را به اعجاب درآورده است.

تاریخ اسلام، گواه احترامات بی‌حد رسول خدا (ص) به این مولود شریف است تا نشان دهد که زن، بزرگی ویژه‌ای در جامعه دارد که اگر برتر از مرد نباشد، کمتر نیست... همه باید دستورمان را از اسلام به وسیله حضرت زهرا (ع) و فرزندان او بگیریم و همان طوری که او بوده است، باشیم» (امام خمینی (ع))



۲۲ اردیبهشت ولادت امام محمد باقر

(۱ رجب)

ابوحمزه نام داشت. نزد حضرت آمد و با نگرانی پرسید: «نظر شما درباره مسلمانانی که برای درخواست نیازی به دیدار مسلمانان دیگر رود؛ اما به او اجازه دیدار و صحبت داده نشود، چیست؟»

حضرت نگاهی به ابو حمزه کرد و فرمود: «ای حمزه، هر مسلمانی که به نیاز مسلمان دیگر پاسخ ندهد و چهره از او پنهان بدارد و در منزلش باقی بماند و برای حل مشکل بیرون نیاید، خداوند نفرین و لعنت خود را از او بر نمی‌دارد تا آنگاه که او را ملاقات کند».

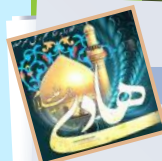
حسی درون ابوحمزه جوشید. تشکری کرد و راهی خانه‌اش شد.



۱۱ اردیبهشت تولد حضرت امام (ع)

اوایل ازدواجش بود. قدسیه خانم دوست داشت بداند همسرش از او چه توقعی دارد: در پوشش و حجاب، در رفت و آمد، در خرید کردن و... امام رو به خانمش کرد؛ لبخندی زد و با مهربانی فرمود: «من به تو کاری ندارم. به هر صورت که میل داری، لباس بخر و بپوش؛ اما آنچه از تو می‌خواهم این است که واجبات را انجام بدهی و محرمات را ترک بکنی، یعنی گناه نکنی».

خانم به گفته آقا عمل کرد و هر روز زندگی‌شان شیرین‌تر می‌شد. هشت سال تمام، امام برای خانم وقت گذاشت و به او تدریس می‌کرد. هشت سال تمام قدسیه خانم در ادامه تحصیل، تشویق می‌شد. سال‌ها بود که بسیار احترام می‌شد و مورد لطف و محبت همسرش قرار می‌گرفت. بهترین جای خانه را امام برای نشستن او می‌گذاشت. اجازه نمی‌داد خانم مشغول جارو زدن و لباس شستن در حضورش گردد. بچه‌ها هم به مادر احترام بسیار می‌گذاشتند و پدر را نیز بی‌اندازه دوست داشتند. به نظر آنها بهترین پدر و مادر در خانه‌شان بود و از این خوشبختی، دلشاد بودند.



۲۴ اردیبهشت شهادت امام هادی (علیه السلام)

(۳ رجب)

یکی از درباریان قدرتمند عباسی به فقر شدیدی دچار شده بود. حضرت را که دید، سلام کرد. خواست از وضع خود و خانواده‌اش بگوید؛ اما نتوانست. امام نگاهش کرد و فرمود: «ای ابا هاشم! کدام یک از نعمت‌های خدا را می‌خواهی شکر کنی؟ ایمانی که به تو داده که به وسیله آن بدن خود را از آتش دوزخ دور سازی؟ سلامتی و عافیتی که به تو ارزانی داشته است که از آن در راه عبادت و بندگی خدا بهره‌بری یا از آن قناعتی که به شما هدیه کرده تا در پی آن، از درخواست از مردم بی‌نیازت کنی؟» مرد به فکر فرو رفت و نعمت‌های داشته‌اش را از نظر گذراند. حضرت لبخندی زد و دوپست دینار به مرد بخشید.



۲۴ اردیبهشت ولادت امام جواد (علیه السلام)

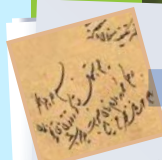
(۱۰ رجب)

از یاران صدیق امام رضا (علیه السلام) بود. مدت‌ها بود که دلش می‌خواست حضرت فرزند پسری داشته باشد؛ حتی یک بار به امام رضا گفته بود: «دعا کن خداوند متعال به تو فرزندی عنایت کند.» حضرت همان لحظه فرموده بود: «حق تعالی به من یک پسر کرامت خواهد کرد و او وارث امامت من خواهد بود.» امام محمد تقی (علیه السلام) به دنیا آمد و خانه حضرت رضا (علیه السلام) غرق نور و سرور گشت. یار صدیق حضرت، باز هم نزد ایشان آمده بود. این بار دلش‌اتر از همیشه رو به روی حضرت رضا (علیه السلام) نشسته بود. حضرت لبخندی زد و فرمود: «حق تعالی به من فرزندی عطا کرده است که شبیه است به موسی بن عمران (علیه السلام) که دریاها را می‌شکافت و نظیر عیسی بن مریم (علیه السلام) است که حق تعالی مقدس و مطهر گردانیده بود مادر او را و طاهر و مطهر آفریده شده بود... این فرزند من به جور و ستم کشته خواهد شد و بر او خواهند گریست اهل آسمان‌ها و حق تعالی غضب خواهد کرد بر دشمن او و کشنده او و ستم‌کننده بر او و بعد از قتل او از زندگانی بهره نخواهد برد و به زودی به عذاب الهی واصل خواهد گردید.»

منابع:

۱. امام در خانواده، تدوین: معاونت فرهنگی نیروی هوایی سپاه، ناشر نیلوفران.
۲. مرتضی‌آینه زندگی‌ام بود (بانوی ۲۵ه)، مرتضی سرهنگی و هدایت‌الله بهبودی، نشر سوره مهر.
۳. یادگاران (صیاد شیرازی)، رضا رسولی، روایت فتح.
۴. دیدار با ابرار.
۵. آفاق اندیشه (نگاهی به زندگانی امام باقر (علیه السلام)، ابوالفضل هادی‌منش.
۶. مادر فضیلت‌ها (زندگی‌نامه ام‌البنین (علیه السلام)، علی آقاجانی قناد، مرکز پژوهش‌های اسلامی صدا و سیما، قم.
۷. فروغ جاودانه، جمعی از نویسندگان.
۸. سرگذشت‌های ویژه از زندگی استاد شهید مرتضی مطهری، جمعی از فضلا و یاران، مؤسسه نشر و تحقیقات ذکر.
۹. برگزیده منتهی‌الامال (زندگی امام محمد تقی (علیه السلام)، تلخیص رضا استادی، دفتر نشر برگزیده.
۱۰. بحارالانوار، ج ۴۳.

۱. بحارالانوار، علامه مجلسی، ج ۴۳، ص ۷۵، ح ۶۲.



۲۴ اردیبهشت لغو امتیاز تنباکو

«الیوم استعمال توتون و تنباکو بای نحو کان در حکم محاربه با امام زمان صلوات الله و سلامه علیه است. حرره الاقل محمد حسن الحسینی». فتوایش در تمام شهر پخش شده بود و قلیان‌ها با سرعتی شگفت‌انگیز شکسته شد. حتی یهودیان و مسیحیان به احترام فتوای میرزای شیرازی، تمام قلیان‌های خود را جمع کردند. شهر در تحولی بزرگ به سر می‌برد، در حالی که شاه، خواب بود. ساعتی بعد شاه از خواب برخاست و طبق عادت هر روزهاش، قلیان مخصوص خود را خواست؛ اما کسی امرش را اطاعت نکرد. با عصبانیت از اتاقش بیرون آمد. انبوهی از قلیان‌های شکسته را در قصر دید. به اتاق همسرش انیس‌الدوله رفت تا بلکه پکی به قلیان او بزند. وارد اتاق که شد، انیس‌الدوله و خدمتکاران را مشغول جمع کردن جواهرات روی قلیان‌ها دید. با تعجب پرسید: «این کارها یعنی چه؟ چرا قلیان‌ها شکسته شده؟» همسرش لبخند زنان گفت: «قلیان کشیدن حرام شده است؛ مگر فتوا را نشنیده‌ای؟» انیس‌الدوله دندان‌شکن‌ترین پاسخ را به همسر خواب‌زده‌اش داد: «همان کسی آن را حرام کرده که مرا به عنوان همسر بر تو حلال نموده». شاه مانده بود که چه بگوید.



منتظریم! پی هستیم!

گزارشی از گروه یاوران مهدی بروجن

جدول ویژه نوجوانان در کشور، با کمک مرکز تخصصی مهدویت کتابی با نام «خانه خانه تا ظهور» تهیه شد که شامل جدول‌های مهدوی با رموزها، پرسش‌ها و اشکال مهدوی است. نوجوانان با حل این جدول‌ها با بسیاری از مفاهیم مهدوی آشنا می‌شوند.

۵. تهیه و پخش ویژه‌نامه «مادر بی‌نشان» در ایام فاطمیه ۱۴۳۳، جلوه ولایت مداری حضرت زهرا (ع) صلوات و تسبیحات آن حضرت، سفارش‌های حضرت در مورد بهترین زمان استجابت دعا، از جمله مطالب این ویژه‌نامه است.

۶. نصب بنرهای مهدوی. با پی‌گیری و جلب مشارکت شهرداری، هر ماه دو بنر مهدوی طراحی، چاپ و در سطح شهر نصب می‌شود. این بنرها حاوی سخنان و سفارش‌های امام عصر (ع) است.

۷. تهیه و پخش کتابچه «عطر حضور». در این کتابچه ۵۰ روایت از کتاب غیبت نعمانی و ۵۰ پیامک و رباعی زیبا درباره امام مهدی (ع) آمده است.

۸. برگزاری نمایشگاه «عطر حضور». در این نمایشگاه کتاب‌های مهدوی با پنجاه درصد تخفیف عرضه شد. این نمایشگاه بخش‌های جنبی هم داشت، از جمله: غرفه کتاب‌های خانواده، غرفه کتاب‌هایی با محوریت شهدا، غرفه عفاف و حجاب، غرفه محصولات فرهنگی، غرفه کتاب و اسباب‌بازی مذهبی کودکان و نوجوانان، ایستگاه پاسخ به پرسش‌های مهدوی، احکام و مشاوره، ایستگاه دارت و نقاشی. گروه یاوران مهدی (ع) برای استمرار قوت‌مند و اخلاص‌مند فعالیت‌ها از انتقادهای پیشنهادها و نظرهای شما استقبال می‌کند. آنها را به پست الکترونیک زیر بفرستید:

mahdi_yavaran313@yahoo.com

انتظار یعنی امید ظهور آخرین امام را داشتن، چشم به راهش بودن، برای ظهورش دعا کردن، پیوسته به یادش بودن و از هیچ اقدام عملی برای تعجیل در ظهورش کوتاهی نکردن.

منتظران واقعی چشم به راهند و پیوسته به یادش، برای ظهورش دعا می‌کنند و از هیچ اقدام عملی برای تعجیل در ظهورش کوتاهی نمی‌کنند. یکی از گروه‌های خودجوش در این زمینه، گروه یاران مهدی (ع) شهرستان بروجن است.

این گروه با توجه به ضرورت بیان مباحث مهدوی برای همه، به خصوص کودکان و نوجوانان، و احساس کمبود در این زمینه، با صلاح‌دید امام جمعه محترم شهر و با نظارت یکی از روحانیان مرکز تخصصی مهدویت قم، در تیرماه ۱۳۹۰ تشکیل شد. این گروه، زیر شاخه‌هایی را هم تشکیل داد که با توجه به استعدادها و توانایی‌های اعضای خود، موظف به انجام فعالیت در زمینه‌های وبلاگ‌نویسی مهدوی، پشتیبانی فکری توسط طلبه‌های خواهر و کار در حوزه کودک و نوجوان شدند. فعالیت‌های انجام شده:

۱. تهیه و پخش ویژه‌نامه «آخرین خورشید» در نیمه شعبان ۱۴۳۲. در آن ویژه‌نامه به آسیب‌شناسی جشن‌های مهدوی در نیمه شعبان، موسیقی حلال و حرام با نظر مراجع، شادی در چارچوب دین، داستانک، وظایف منتظران و... پرداخته شده است.

۲. تهیه و پخش CDهای مولودی متناسب، برای استفاده در جشن‌های نیمه شعبان و جلوگیری از پخش موسیقی‌های مشکل‌دار! ۳. تهیه کارت دعای فرج. با توجه به روایات و سفارشات امام زمان (ع) و علمای برجسته برای خواندن دعای فرج در قنوت نماز، کارت دعای فرج تهیه و پخش شد. ۴. تهیه کتاب جدول. با توجه به نبود کتاب



نسیم مهر بانی

سال‌نو می‌شود و زمین نفس دوباره‌ای می‌گیرد و پرنده‌های مهاجر از سفر بر می‌گردند؛ ولی افسوس که هنوز مسافر سال‌های انتظار، بار سفر را بر زمین نگذاشته است. خواستیم غبار غم از خانه دل بتکانیم که به زخم کهنه فراق رسیدیم. خواستیم مثل هر سال با اشک دیده التیامش ببخشیم که باز هم بیت آخر غزل دشنه فراق یادمان آمد که می‌گفت:

ز زخم دشنه فراق دلم به درد گریه کرد

بیا که اشک درد دل ز دل به در نمی‌کند

دوباره فهمیدیم تا زخم دشنه فراق هست هیچ غباری از قلب خسته منتظر زدودنی نیست. باشد با آمدن امام خوبی‌ها این زخم کهنه التیام پیدا کند تا بتوانیم به خانه‌تکانی دلمان برسیم. می‌خواهیم در این شماره که هم‌زمان با حلول سال نو است، دل‌نوشته‌هایمان را تقدیم مسافر غریب شهر تنهایی کنیم.

با نیامدنت باران که نبارید هیچ، ابرکی هم از آسمانمان نگذشت. کی می‌آیی؟ می‌دانم چشم‌های بهار، بی نگاه تو می‌لرزد و نگاه پنجره‌ها بی چشمان تو تاریک‌اند، کی می‌آیی؟ کی می‌آیی ای عزیز زهرا

م. مهدوی

جناب مهدوی! عرض ادب و احترام. بسیار عالی بود. می‌شد بیشتر بنویسید و بیشتر با امام زمان (عج) درد دل کنید. در انتظار دل‌نوشته‌های زیبای شما هستیم.

جمعه بود و سکوتش دلگیر، جمعه بود و غروبش دلگیر، راستی این چندمین جمعه عمرم بود که به پایان می‌رسید و این چندمین بهار زندگی من است؟
بر سیطره تاریخ که گذر می‌کنی آن را تیره و تار خواهی یافت. آنگاه است که به زندگی به گونه دیگر می‌نگری. زندگی در تکرار روزها حبس شده و تنها بهانه تحمل این روزهای تکراری امید به فردای روشن ظهور است.

مریم فیضی

خواهرم! درد دلت را خواندیم. آنقدر خوب گفتی که گویا درد دل خودمان بود. بعضی از کلمات، نوشته را سنگین می‌کند، مثل کلمه سیطره. سعی کن مترادف این کلمات را پیدا کرده و بنویسی.

خ. همتی

آقای خوبی‌ها! ببین هنوز در خانه‌مان، گلی به یاد تو سبز می‌شود و در بهار یاد تو زنده می‌شود؛ هنوز هم شاخه‌های آفتاب تو، در میان خانه‌مان سرک می‌کشد و این نشانه از شما یرایمان یادگار می‌شود.



زمان در زمین حبس شده است. برگ برگ خاطره‌ها از اشک‌های
پیایی، چروکیده و صفحه‌های دلتنگی، نفس غروب را بند آورده
است. لب‌های تشنه کویر، تو را می‌خواند. هستی در تب و تاب
انتظار تو می‌سوزد که روزی بیایی و با آمدنت آبشارهای رحمت را
به دامن طبیعت سرازیر کنی و غم و اندوه را از بین ببری.
من وادی همیشه تشنه‌ام که جرعه جرعه مهربانی را می‌نوشم و
همنوا با هیاهوی باران به امید دیدار بهار، زندگی می‌کنم. باغچه
کوچک اندیشه‌ام هیچ بنفشه‌ای نمی‌دهد؛ حتی روی سجاده
ارغوانی‌ام گلبرگ‌های سبزه نیایش خشکیده‌اند؛ ولی شاید فردا
نسیمی مهربان تصویر گمشده تو را برآیم به ارمغان آورد و شاید
فردا بتوانم عشق را پیدا کنم.

مهدیه محمدی، رفسنجان

آقای خوبم! شب‌های جمعه که می‌شود بی اختیار دلم می‌گیرد.
برای کمیل‌هایی که خوانده‌ام و از یاد برده‌ام. نخوانده‌ام و از یاد
برده‌ام.

برای شب‌هایی که خود را برای ندبه‌های فردایش آماده می‌کردم
و العجل‌هایی که از ته دل نبود، دلم می‌گیرد.

گفت: «کی می‌شود که بیایی» و او نیاید؟
ای کاش می‌شد در مشق هر شبمان ده بار بنویسیم «ای دل،

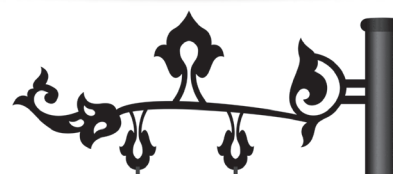
بخواه آمدنش را». آن وقت می‌شد بدون خواندن هم آماده
آمدنتان بود.

نه، دیگر به انتظارتان نمی‌نشینم. می‌دوم. به انتظار می‌دوم.
می‌دانم مانع رسیدن ما به شما یا بهتر بگویم من به تو همین
نشستن است و بان نشستن این فاصله طولانی‌تر خواهد شد.

دیگر به انتظارتان می‌دوم تا به شما برسیم و خواهیم رسید؛
می‌دانم، می‌دانم!

سهراب خزائی

متن زیبایی بود. با این حال که ساده نوشتید خیلی
دلنشین بود. واژه به انتظار نشستن معنایش بیکار
بودن و فقط نظاره کردن نیست بلکه به معنای
جنب و جوش و سعی و تلاش است. دوندگی که
شما به تصویر کشیدید هم نوعی تلاش برای
رسیدن به مولا و محبوب است. می‌توانستید
مصادیق وظایف یک منتظر را در قالب دویدن
ترسیم کنید.



«با یاران امان»، پل ارتباطی
ما با دوستان صمیمی
مجله است؛ پلی که یک
طرف آن، نامه‌های پر مهر
شما همراه با پیشنهادهای
و انتقادهای راهگشا و
مطالب خوب و زیبای
شماست و سوی دیگر،
پاسخ‌ها و قدردانی‌های در
حد توان و بضاعت ماست.

پیشنهاد:

لیلا قاسمی فرد، زنجان

* بهتر است در کنار این مطالب خواندنی،
از مسائل و خبرهای روز کشورمان هم در
مجله‌تان استفاده کنید.

پیشنهاد:

محمد پور عزیز، قم

* انتظار دارم که دست‌اندرکاران این نشریه
تلاششان را بیشتر کنند و در زمینه موضوعات
گوناگون دیگر نیز مطالبی ارائه دهند؛ مثلاً
در زمینه‌های روانشناسی و کسانی که در
آخرالزمان ادعای امامت می‌کنند و شرایط
زندگی و رفتارهای آنها.

مهرانه:

طیبه صادقی‌زالو، اصفهان

* من تاکنون این نشریه را نخوانده بودم.
مطالب نشریه بسیار جالب است. مخصوصاً
قسمت عشق دوم تأثیر بسیار زیادی دارد.

مهرانه:

شهناز رهنما فلاور جانی، فلاورجان

* واقعا مطالب پرمحتوایی را در این مجله
مطالعه کردم. من اولین بار است این مجله را
می‌بینم و مطالعه می‌کنم. بسیار آموزنده است.

کلامی با آقا:

زهره منصوری، زنجان

* اندیشه‌ای سنگین دلم را سنگین کرده بود؛
اندیشه تنها نبودنم؛ شریک غصه داشتم.
آری! قلبم، این غصه را تنهایی به دوش
نمی‌کشید، شریکی داشت چشم انتظار، چشم
انتظار وعده‌خدایش.

چه مرهمی شفابخش‌تر از این حقیقت: شریک
غمم منجی عالم بشریت بود.
ای به فدای قلب آسمانی‌ات، تمام قلب‌های
عاشق، منتظریم بیا ای منتظر.

کلامی با آقا:

حسن نوروز زاده، قم

* به راستی
ما در کنار تو هستیم؟!
ما یار تو هستیم؟!
در انتظار تو هستیم؟!
ای کاش که اینگونه شود فعل زندگی‌ام
ما سرباز تو باشیم
سرافراز تو باشیم
محرم راز تو باشیم
ساز دمساز تو باشیم
پر پرواز تو باشیم
همه آواز تو باشیم
همه جانباز تو باشیم

کلامی با آقا:

مریم طیبی، کبودرآهنگ

* همچون قطره‌ای بر نیلوفر، شب‌نمی افتاده به
چنگ شب. حیات آرام و بی‌نشان در آرزوی سر
زدن آفتاب، مرگ شب‌نم و چشم‌های خاموش
را به لب‌های کبود مشرق دوختم. پرستوهای
بی‌بهار من، قاصدک‌های آواره در باد باز گردید.

کلامی با آقا:

صفیه آشوری، کبودرآهنگ

* جمعه، ای سید الایام! خوش به سعادت تو.
هنگامه ظهور یار، آن لحظه وعده داده شده
در صبح آدینه تو کوک خورده است با نوای
دل‌نشین انا المهدی و یا بقیه الله. ای صاحب
ما! وقتی قطار تقویم به ایستگاه جمعه می‌رسد
قلب‌ها به تپش می‌افتد. شاید این جمعه
همانی باشد که در انتظارش بودیم. اما وقتی
نه صدایی به گوش می‌رسد و نه عطری به
مشام. وقتی نیامدن تکرار می‌شود این جمعه
هم سرافکننده در کنار جمعه‌های دیگر در انبار
تاریخ تلمبار می‌شود. مهدی جان! ای صاحب
جمعه‌ها! جمعه در تکاپوی جشن آمدن خواب
ندارد. جاده‌ها بستری از گل نرگس شده‌اند و
منتظر تا بوسه‌گاه قدم شما شوند. مهدی جان!
تا چند جمعه پنجره‌ها را باز کنیم و به جاده‌های
انتظار نظر اندازیم و خبری از ظهورت نباشد.
تا کی دلمان را با شاید‌شاید‌های آمدن آرام
کنیم؟! پس کدامین جمعه پاسخ «متی ترانا و
نراک» ما را می‌دهی؟! کدامین جمعه؟!
۰۹۱۹***۲۳۲۵

پیامک:

* چند پیشنهاد دارم برای ماهنامه امان؛ اول:
دو صفحه را اختصاص دهید پاسخ به شبهات
در مورد حضرت حجت و معرفی کتاب.
دوم: دوماهنامه را به ماهنامه برسانید. سوم:
هیچی! باتشکر. مهدی ابراهیمی تهرانی، کرج
۰۹۱۹***۲۳۲۵
* برای منتظر بودن باید تصویری از وضع
مطلوب داشت. برای تحقق این امر مطالبی
در باره نحوه زندگی بعد از ظهور همراه با شرح
بنویسید. حمیدی، استهبان ۰۹۱۷***۴۳۰۶
* بسیار خوب است اگر یک صفحه دائمی در
مورد تازه مسلمان شده‌ها در امان ایجاد شود.
۰۹۳۸***۸۳۷۹



ویژه

سلام؛ صفحه پیامک‌های مهدوی از آن صفحه‌هایی است که طرفداران خاص خودش را دارد. برای اینکه این صفحه پا برجا بماند، دستان شما را می‌بوسد! حتی الامکان پیامک‌ها بتان مهدوی – مذهبی باشد. کوتاه باشد! سعی کنید بیش از آنکه به غروب جمعه و گوشه نشینی و زانوی غم بغل گرفتن بپردازید به امید و آینده روشن و انتظار پویا و یک دنیای قشنگ‌تر فکر کنید! و مهم‌تر اینکه اگر پیامک‌تان تکراری است از خیر فرستادنش بگذرید!
این هم شماره سامانه پیامک امان: ۳۰۰۰۱۴۴۱۴۱

شعله گشتم از فراق
سوختم در انتظارت
هرگز از یادم ترفتی
من فدای روی ماهت

۰۹۱۲***۲۲۳۸

کی می‌رسد خدایا روز ظهور مهدی
گردد تمام دنیا روشن ز نور مهدی
من گرچه روسیاهم، سر تا به پا گناهم
یارب من از تو خواهم فیض حضور مهدی
۰۹۱۲***۵۴۳۵

صد مبارک به تو آن عید که فردا باشد
نوروز زید وصل دلها باشد
امید که با فضل خداوند جلی
سال فرج مهدی زهرا باشد.

۰۹۳۶***۲۱۰۹

چهار دعای بر تر لحظه تحویل سال
اول دعا برای ظهور آن بی‌مثال
دوم تمام ملت بی‌ضرر و بی‌ملال
سوم رسیدن ما به قله‌های کمال
چهارم تمام جیب‌ها پر از پول، اما حال

۰۹۳۵***۱۵۶۷

آسمان غرق خیال است کجایی آقا؟
آخرین ساعت سال است کجایی آقا؟
یک نفس عاشق اگر بود زمین می‌فهمید
عاشقی بی تو محال است کجایی آقا؟

۰۹۱۳***۳۲۴۵

روزها نو شده و کهنه‌تر از دیروز است
گر کند یوسف زهرا نظری؛ نوروز است
لحظه‌ها در تپش تاب و تب آمدنش
آسمان چشم به راه قدمش هر روز است
۰۹۱۱***۳۴۲۱

گل‌ها همه با اذن تو برخاسته‌اند
از بهر ظهور تو خود آراسته‌اند
مردم همه در لحظه تحویل بی‌شک
اول فرج تو از خدا خواسته‌اند

۰۹۳۸***۸۹۷۶

سر خوش آن عید که آن بانی نور
از کنار کعبه بنماید ظهور
قلبها را مهر هم عهدی زند
از حرم بانگ انا المهدی زند

۰۹۱۴***۲۳۱۶



طراح: محمد جواد کمار

* افقی:

۱. مناسبت فرخنده بیستم جمادی الثانی.
۲. رفتن به مکان مقدس. وسیله‌ای برای جابه جایی اجسام. دعا.
۳. اهل خانه. میوه پخته با شکر. مفرد آرا.
۴. واحد شمارش چهار پایان. زارع. روستا.
۵. صریح. سر.
۶. از القاب حضرت ولی عصر علیه السلام. ضمیر مفرد.
۷. شهری در استان یزد. گریه نیست.
۸. حرف ندا. با برکت. از نام‌های خداوند و به معنای فریادرس.
۹. پاک و پاکیزه. پافشاری.
۱۰. اساس. اسب تاختن به هر طرف. حرص و طمع.
۱۱. برادر یا خواهر که از یک پدر و مادر نباشند. شاه کوچک.
۱۲. تکرار یک حرف. آغاز. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله «... للعالمین» است.
۱۳. روز نیست. عمد بدون حرف وسط.
۱۴. سوم جمادی الثانی سالروز این واقعه جانگداز است.

* عمودی:

۱. مقام و شغل وزیر. اعتقاد به دین داشتن. ریه آدمی.
۲. همسر گرامی امام حسین علیه السلام. نام پلی که به بهشت می‌رسد.
۳. تکرار یک حرف. توانایی خواندن و نوشتن. بدن آدمی.
۴. فهم. حاکم و والی. شمردن.
۵. عید مذهبی در ویتنام. جمع رب. سروری.
۶. آبراه مصنوعی میان دو دریا.
۷. اسم فاعل ضرب. پرچم و علم.
۸. پیشوا. جست‌وجو کردن.
۹. ابزاری در بنایی. مغز آدمی. از کارهای پسندیده در ایام نوروز.
۱۰. دهان عربی. ارزان نیست. علامت مفعول.
۱۱. بازدهی. درشت نیست.
۱۲. کوهی که حضرت موسی علیه السلام بر آن مناجات می‌کرد. دوری.
۱۳. خواسته. بهشت شداد.
۱۴. در دید و بازدید می‌دهند. از اعیاد ملی.

۱۴	۱۳	۱۲	۱۱	۱۰	۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
	۱۹											۱۶		۱
				۲										۲
		۵							۱			۶		۳
														۴
														۵
				۱۷				۳						۶
													۱۵	۷
				۱۲										۸
								۴						۹
				۱۳										۱۰
														۱۱
												۹		۱۲
				۸			۱۰		۷	۱۸				۱۳
					۱۴				۱۱					۱۴

* اسامی برندگان با یک شماره تأخیر اعلام می‌شود. * استثناءاً برندگان امان ۳۹ در شماره بعدی چاپ می‌شود.

* تعداد برندگان ۶ نفر (۳ نفر برنده جدول، ۳ نفر برنده مسابقه تستی)

* رمز جدول این شماره نام کتابی است از یکی از علمای بزرگ، آن را به همراه نام مؤلف برایمان بفرستید.

* رمز جدول امان ۲۸ دو کلمه «ولایت» و «مهدی» بود.

مهلت ارسال جواب مسابقه تستی و رمز جدول این شماره: ۳۱ خرداد ۱۳۹۲

مسابقه تستی امان ۴۱

۱. مراد از کوثر چیست؟

□ الف. یکی از القاب حضرت زهرا علیها السلام می‌باشد

□ ب. کوثر، چیزی ضد ابترا است □ ج. هر دو مورد

۲. کدام گزینه صحیح است؟

□ الف. کوثر ارزش است اما تکاثر ضد ارزش

□ ب. مراد از کوثر، اخلاق نیک، عبادت و شفاعت است

□ ج. اهمیت کوثر با اسلام آوردن مشرکان مساوی است

۳. کدام شخص در سوره کوثر مذمت شده است؟

□ الف. ابو جهل □ ب. عاص بن وائل □ ج. ابولهب

۴. چه صفاتی را امام زمان علیه السلام از حضرت موسی علیه السلام و عیسی علیه السلام به ترتیب دارا است؟

□ الف. کمال - صبر □ ب. صبر - نورانیت □ ج. کمال - نورانیت

۵. معنای اسم ریحانه و صدیقه به ترتیب چیست؟

□ الف. گل خوشبو - مورد رضایت

□ ب. گل خوشبو - کسی که عمل او با گفتارش یکی است

□ ج. درخشنده و نورانی - کسی که فرشتگان با او صحبت می‌کنند.

۶. قرآن کدام شخص را الگو معرفی کرده است؟

□ الف. پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله □ ب. حضرت یوسف علیه السلام □ ج. امام موسی علیه السلام

۷. به فرموده پیامبر اسلام صلی الله علیه و آله عاقبت بدعت گذار چیست؟

□ الف. آتش دوزخ □ ب. لعنت خدا و ملانکه و مردم □ ج. محرومیت از بهشت

۸. این سخن از کیست و خطاب به چه شخصی گفته شده است؟ «او کسی است که

خداوند شرق و غرب زمین را به دست او می‌گشاید.»

□ الف. رسول خدا صلی الله علیه و آله و خطاب به دخترشان

□ ب. حضرت زهرا علیها السلام و خطاب به سهل بن انصاری

□ ج. رسول خدا صلی الله علیه و آله و خطاب به حضرت علی علیه السلام

۹. برخورد پیامبر درباره فال زدن چه بود؟

□ الف. هیچ وقت فال بد نمی‌زدند

□ ب. همیشه امور را به فال نیک می‌گرفتند □ ج. هر دو مورد

امان ۴۱

فرم این صفحه را برای این شماره عوض کردیم، شاید بهتر باشد!
به این کاغذ بسنده نکنید، از کاغذ و پاکت‌های دیگر استفاده کنید... چشم به راهیم...

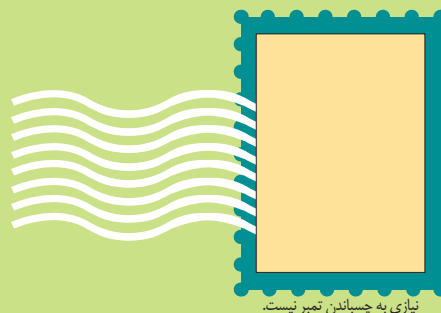
قول می‌دهم آقا... (یک قول به امام زمان علیه السلام بدهید. کمی فکر کنید، قولی ندهید که نتوانید به آن عمل کنید!)

(امان در یک جمله) امان یعنی...

کلامی با آقا...

دل‌نوشته...

پیشنهاد و انتقاد:



نیازی به چسباندن تمبر نیست.

قم، صندوق پستی: ۳۹۷۵ - ۳۷۱۸۵

تلفکس: ۷۸۳۲۵۰۰ - ۰۲۵۱

هزینه پستی بر اساس قرارداد شماره ۹۲ - ۳۷۱۸۴ پرداخت شده است و نیازی به چسباندن تمبر نیست.
لطفاً پس از تکمیل فرم آن را به داخل صندوق پست بیندازید.

محل نوشتن نام کتاب به همراه نام مؤلف آن

پاسخنامه مسابقه تستی

۹	۸	۷	۶	۵	۴	۳	۲	۱	
☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	الف
☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	ب
☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	☐	ج

مشخصات شرکت کننده در مسابقه

نام و نام خانوادگی: تاریخ تولد: تحصیلات:
استان: شهرستان: کدپستی (الزامی است):
نشانی دقیق:
کد شهر: تلفن ثابت: تلفن همراه:
پست الکترونیک (email):